

سازشکاران مرتجعی که با بینش و عملگردهای غیر اسلامی و غیر انقلابی خود رشد و ندامت مبارزات ضد امپریالیستی مردم را مانع شدند، بجای اقدامات اصولی و عملی برای حل بحران سیاسی و اقتصادی کشور از طریق بسج توده ها جهت تولید کشاورزی و صنعتی، و تشکیل ارتش ۲۵ میلیونی بجای بازسازی ارتجاعی ارتش و قطع همه مناسبات با امپریالیسم و لغو قراردادهای استعماری نفت، به بیانه ناهم امنیت و افزایش تولید سعی در مخدوش کردن عمل انقلابی تسخیری لانه جاسوسی داشته و در پی بازسازی امپریالیسم - باستاند و با سیاستهای غلط خود به جنگ و اعتشاشات داخلی دامن زده و آب در آسباب ضد انقلاب میریزند.



مَدَلِكُ كَرِيْمًا كَمَا مَدَّ سَطْرَهُ لِكُلِّ نَاسٍ فِي كِتَابِ اَلرَّسُوْلِ عَلَيْكَ سَلَامٌ

برادرکشی در کردستان
آنتی خصومت و برادرکشی دگر بار در کردستان زیاده منکند آرمشی که بعد از پیام صلح امام خمینی بوجود آمد وضعیتی بود برای دولت تا آرمانهای بر حق برادران کرد مسلمان ما را در کردستان تحقق بخشد - و با تأمین وحدت ملت ضد انقلاب و توطئه های فئودالها و فرصت طلبان و مزدوران دشمن را سرکوب و خنثی کند - لکن ادامه سیاستهای ارتجاعی لیبرالی گذشته و بی اعتنائی به خواست عمومی ملت در تشکیل نظام سوراها و دادن حق اداره امور داخلی در چهارچوب امت و کشور و قانون اساسی واحد - دگر بار زمینه را برای فعالیت ضد انقلاب و گشادن ارتش به منطقه و اعاده برادرکشی فراهم ساخته است - تنها یک حکومت اسلامی و وفادار به آرمانهای اصلی اسلامی و انقلابی میتواند بر بحران ملت ها فائق آید.

براستی مرتجعین کیستند و انقلابیون کدامند؟

هشدار به مردم قهرمان ایران در مورد توطئه های شیطان بزرگ علیه امام و امت

روزگار براندازید.
"از پیام امام در هفته بسج"

آمریکا در توطئه قبلی آزاد کردن گروگانها توسط کمیسیون رسیدگی به جرایم شاه شکست خورد زیرا ملت ایران و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بیدار و هشیار و امام خمینی قاطع و سازشناپذیر دست رد بر سینه شیطان بزرگ زدند. اما آمریکا خدعهگر مایوس نشد و با اتکا به تحولات به اصطلاح امیدبخش در داخل ایران به اجرای توطئه تازه ای دست زده است. کارتر در نامه مزورانه اش به امام سعی کرده است ماهرانه اغراض بلند و استعماری خود را در لافاه توبه و وعده خواهی "نوع آریامهری" و هدفهای مشترک! انسانی! و صلحجویانه! بیوشاند. کارتر اشغال لانه جاسوسی را ابتدا نتیجه عکس العمل موجه جوانان می شمارد سپس بشیرمانه برای مخدوش کردن مقاومت و آشتی ناپذیری آنان می نویسد که: "دلایل جدی برای تردید درباره انگیزه واقعی آنان که سفارت ما را تصرف کرده اند در دست بقیه در صفحه ۱۱"

نامه کارتر و خدعه جدید شیطان بزرگ

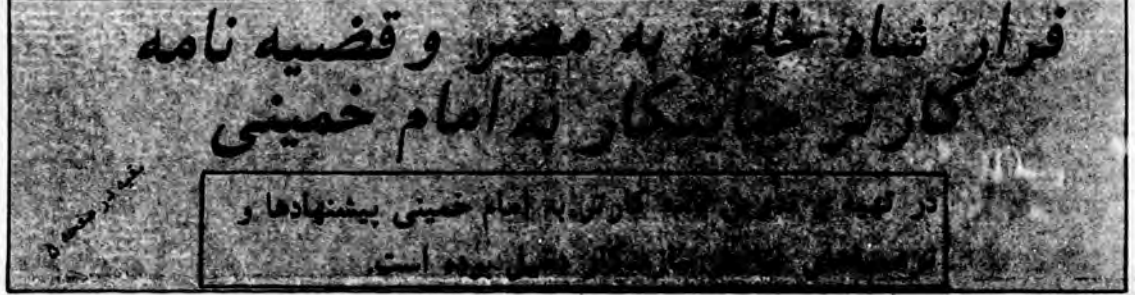
نام خدا
نامه کارتر و خدعه جدید شیطان بزرگ
هر کس با هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت، بی محابا و بدون هیچ ملاحظه ای او را از صحنه

شمرده اید، تا چه اندازه واقعیت دارد؟ به راستی مرتجعین کیستند؟ و چه کسانی مسئول انحرافات، ضعفها و عقبگردها و اقدامات و تصمیمات غیرانقلابی و ضدانقلابی می باشند؟ اگر سؤال کنندگان نوشته ها و تحلیل های امت را به دقت دنبال می کردند بطور قطع پاسخ خود را دریافت کرده بودند. زیرا در سرمقاله های گذشته در چندین مورد سعی بقیه در صفحه ۲

● مردم بزرگترین و معروفترین روحانیون را که از پایگاه وسیع توده های پرخوردار بوده اند، پس از آنکه وی را در صف یا در جهت دشمن دیدند باسانی طرد و محکوم نمودند.

"وگذاک ما ارسلنا من قبلك فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انان وجدنا آیاتنا علی امه وانا علی آثارهم مقتدون"
زخرف/ ۲۳
"و بدینسان بیتر از تو اذار دهندهای به جا بعدی نفرستادیم مگر آنکه نروتمندانیش گفتند ما پدرانمان را بر روشی یافتیم و ما آثار آنانرا دنبال می کنیم"

بعد از آنکه امام در پیام نوروزی خود از جوانان خواستند از بکار بردن کلمه ارتجاع در مورد روحانیت خودداری کنند، بسیاری مرتب این سؤال را می کنند که پس مرتجع کیست و یا بطور کلی ارتجاع چیست؟ آیا هباهوی زیادی که طرف یکسال گذشته درباره ارتجاع سرگرفت، بکلی



پی ریزی ارتش نوین اسلامی یا بازسازی ارتش وابسته

یکسو به سرکوب جنبشهای رهایی بخش می پردازد و از سوی دیگر فروش اسلحه باین کشورها، به رونق اقتصاد بحران زای آمریکا کمک می کند.

ارتش در رژیم پهلوی؛ ارتش شاهنشاهی نیز بنا بخواست استعمار انگلیس و سپس امپریالیسم آمریکا سر پیچیدگی خود را پیموده است. پیرو سیاست امپریالیستیها، برای ارتش ایران دو هدف عمده در نظر گرفته شد، اول حفظ ثبات و امنیت ایران جهت غارت منابع آن و دفاع از منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا در برابر مبارزات و عصیانهای مردم و بطور خلاصه سرکوبی جنبشهای مردم علیه نظام حاکم و دست نشانده، دوم دفاع از منافع اقتصادی، نظامی و سیاسی آمریکا و دیگر متحدان آن در خلیج فارس و برای دفاع از منافع غرب در خاورمیانه و شاخ آفریقا.

از لحاظ ساخت درونی ارتش باید گفت که امپریالیسم و دست نشاندهگان داخلی آن سعی کردند که با برنامه های حساب شده، ارتش بصورت نهادی جدا از مردم، ضد مردم و ضد فرهنگ ملی و اسلامی درآید و بسیاری از افراد آن همیشه مشغول فشار و ابتذال و یا سرکوب اعتقادات بوجد و جزئی در باره "سطوره سلطنت" باشند. بطور کلی ویژگیهای ارتش ایران شامل موارد زیر بود:
۱ - ارتش در گذشته برپایه منافع استعمار انگلیس، سپس امپریالیسم آمریکا بمنظور سرکوبی جنبشهای آزادیخواهانه تاسیس شد و به همین جهت از آغاز ماهیت و هدف ضد مردمی داشت.
۲ - اطاعت کورکورانه و اصل ضد مردمی "ارتش چرا ندارد" پایه روابط درونی آن قرار گرفت.
۳ - تنهاره پیشرفت و رسیدن به بقیه در صفحه ۸

مقدمه:
هر چند بارکه بحرانی سیاسی مملکت را بعلت عقبماندگیهای ناشی از سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استعمار فرا می گیرد، مسئله ارتش بعنوان نهادی که همیشه در گذشته بعنوان آخرین کلید حل بحرانها بکار میرفته، خودنمایی می کند. در کشورهای زبرسلطه، امپریالیسم ارتشهای ضد مردمی را برای تأمین منافع خود، سازماندهی و هدایت می کند. از آنجا که ملیتاریسم و جنگ پدیده هایی اجتناب ناپذیر در نظامهای طاغوتی هستند، سازماندهی این گونه ارتشها تنها کلید نجات ستم پیشگان از خشم انقلابی خلقهاست. آمریکا با سازماندهی ارتشهای ضد خلقی در کشورهای مستعمره خود، از

نی شده و همان سنت جاری و ساری است و سوم تغییر ناپذیری که با گذشت زمان و در پدیده های مختلف همان قانون بدون تغییر و تبدیل حاکم می باشد.

خداوند توده های محروم و بیخاسته را با ارجاع به سنت های الهی در تاریخ امید و نوید می بخشد. وقتی محرومان در پرتو هدایت و رسالت انبیاء علیه ظلم و شرک قیام می کنند با مشاهده تعداد اندک و قدرت ناچیز خود و نیرومندی دشمن و پیچیدگی اقدامات و توطئه های وی دچار یأس و حرمان می گردند و نسبت به پیروزی حق نا امیده خداوند با اشاره به قوانین تاریخ آنانرا متوجه حقایق می سازد. به آنان گوشزد می کند که قلت عددی شما و کثرت نیروی دشمن و حتی زیرکی، وی در توطئه چینی و فریب و نیرنگ نمی تواند تنها عامل تعیین کننده در سرنوشت شما باشد. بر طبق قانونمندی حاکم بر جامعه و نیروهای اجتماعی، کمیت های بزرگ اگر در جهت باطل حرکت کنند، از لحاظ کیفی ضعف خواهد بود و برعکس کمیت های کوچک اگر در جهت حق حرکت کنند، از کیفیت عظیمی برخوردار خواهند شد و در مقابله ایندو پیروزی با کیفیت برتر است اگر چه از لحاظ کمی در موضع فرودست باشد. خداوند مؤمنان را آگاهی می دهد که با مشاهده نقشه ها و توطئه های دشمن نهراسید. اقدامات وی علیه شما نتایجی بر بقیه در صفحه ۷

بنام خدا

از مدت ها پیش و بخصوص از زمانی که صف فکری سیاسی نیروها تمایز بیشتری نسبت بهم پیدا کرده موضع گیریهای قاطع و اصولی و بیگانه با مصلحت گرایی جنبش مسلمانان مبارز عکس العملهایی را از جانب دشمنان، فرصت طلبان و نیروهای غیراصولی برانگیخت. این عکس العملها از رواج انواع شایعات، تهمتها، برجسبها و اعمال فشار و تضییقات تا انتشار سند و یا ساختن اسناد همه را شامل است. ریشه اصلی این حملات و توطئه ها را در این واقعیت باید جستجو کرد که ما مصمم هستیم و با خدای خود عهد کرده ایم تا به اصول اعتقادات مکتبی مان وفادار بمانیم و تحت هر شرایطی، مبانی عقیدتی را فدای

می شود. باران و یا در خلقت کرات تا خلقت انسان و تشکیل جامعه انسانی و تحولات آن، همه از امور جهان خلقت است و یکسره زیر سیطره اراده خدا و سنتهای اوست. تعلق همه این امور به اراده خدا بر کسی پوشیده نیست. اما باید دید خداوند امور عالم را چگونه اداره و زیر نفوذ دانش خویش دارد. قرآن بمارا همنامی می کند، سنت در قرآن چه مفهومی دارد؟ یکی از عمده ترین معانی آن قانونمندی است. نظم و رابطه ثابت بین پدیده هاست. دو خصوصیت مهم قانون طبیعی و تغییر ناپذیری و عام بودن آنست. قرآن به این دو خصوصیت در مورد سنتها اشاره می کند "سنه الهیه فی الذین خلوا من قبل ولن تجد لسنة الهیه تبدیلا" ۱۶۳ احزاب قانونمندی خدایی که در مورد گذشتگان بکار رفت - و در سنتهای خدا تبدیل و تغییر نخواهی یافت. درآیه ۲۸ همین سوره چنین می خوانیم "سنت الله فی الذین خلوا من قبل وکان امر الله قدرا" مقدورا" قانونمندی خدایی که در مورد گذشتگان بکار رفت و امر خدا با اندازه و نظم مقرر و تعیین شده است. در اینجا ما با چند ویژگی روبرو هستیم یکی حتمیت است که از مختصات قوانین طبیعی است، دیگری عام بودن، که با گذشت زمان اعتبار آن قانونمندی زایل

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب الله بیمان

آیا بر تحولات اجتماعی قانونمندی و سنت هائی حاکم است؟

● پدیده هائی که زندانی عوامل محیط خویش اند و درجه آزادی آنها نزدیک به صفر است. در طول زمان بطور یکنواخت و ثابت عمل می کنند.

می شود. باران و یا در خلقت کرات تا خلقت انسان و تشکیل جامعه انسانی و تحولات آن، همه از امور جهان خلقت است و یکسره زیر سیطره اراده خدا و سنتهای اوست. تعلق همه این امور به اراده خدا بر کسی پوشیده نیست. اما باید دید خداوند امور عالم را چگونه اداره و زیر نفوذ دانش خویش دارد. قرآن بمارا همنامی می کند، سنت در قرآن چه مفهومی دارد؟ یکی از عمده ترین معانی آن قانونمندی است. نظم و رابطه ثابت بین پدیده هاست. دو خصوصیت مهم قانون طبیعی و تغییر ناپذیری و عام بودن آنست. قرآن به این دو خصوصیت در مورد سنتها اشاره می کند "سنه الهیه فی الذین خلوا من قبل ولن تجد لسنة الهیه تبدیلا" ۱۶۳ احزاب قانونمندی خدایی که در مورد گذشتگان بکار رفت - و در سنتهای خدا تبدیل و تغییر نخواهی یافت. درآیه ۲۸ همین سوره چنین می خوانیم "سنت الله فی الذین خلوا من قبل وکان امر الله قدرا" مقدورا" قانونمندی خدایی که در مورد گذشتگان بکار رفت و امر خدا با اندازه و نظم مقرر و تعیین شده است. در اینجا ما با چند ویژگی روبرو هستیم یکی حتمیت است که از مختصات قوانین طبیعی است، دیگری عام بودن، که با گذشت زمان اعتبار آن قانونمندی زایل

"غلبت الروم فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیفون فی بیع سنین ۲-۳ روم"
رومیها در جنگی در نزدیکترین سرزمین (به مکه) مغلوب شدند. آنان پس از این مغلوبیت بر (ایرانیها) ظرف اندی سال غلبه خواهند کرد.
خداوند ضمن بیان واقعه ای که رخ داده است و با اطلاع از رویدادها و عکس العملهای بعدی که از جانب دو طرف رخ خواهد داد "اولا" وقوع جنگ جدیدی ظرف چند سال آینده پیش بینی و تأنیا" نتیجه این برخورد را که به پیروزی رومیها تمام می شود، اعلام می نماید. آیا پیشگویی پیامبران نظیر آنچه در این مورد در قرآن آمده است و تحقق می یافت، می تواند نشانه آن باشد که تحولات اجتماعی تابع سنتها و قانونمندی هائی است که اگر کسی از آن اطلاع یافت، قادر به تشریح و بیان و پیشگویی آنهاست؟ یا نه بعکس چون قانونی عام بر تحولات تاریخی حکومت نمی کند هر حادثه جزئی سرگذشته خاص خود دارد و فقط خداوند است که روی احاطه دانایی و علم خویش بر کلیه پدیده ها قادر است آینده را پیشگویی نماید. حقیقت آنستکه انسان و جامعه و تاریخ هم چون هر موجود دیگری در طبیعت، هم مخلوق و از گونه "امر" خدا هستند، "امر" در مفهوم عام و کلی آن به هر پدیده ای از پدیده های خلقت اطلاق

براستی مرتجعین کیستند و انقلابیون کدام؟

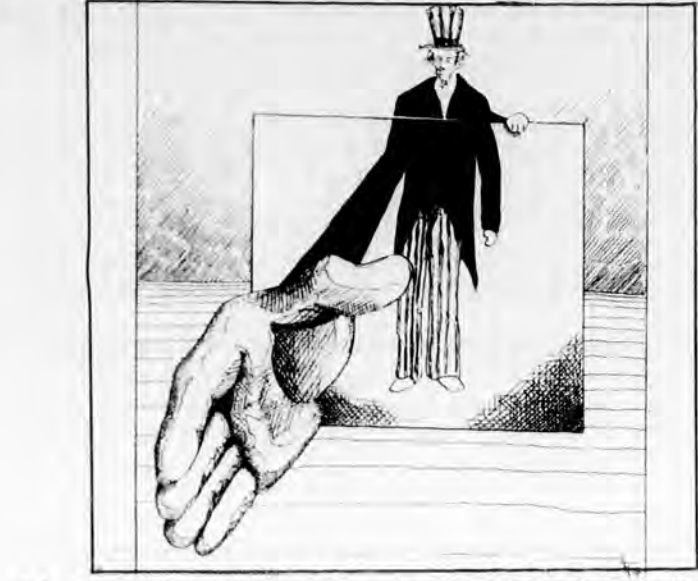
دشمن مطرح است اگر یک روحانی راه دشمن را پیش گیرد مردم او را طرد می‌کنند و دشمن می‌دارند. مردم بزرگترین و معروفترین روحانیون را که از پایگاه وسیع توده‌ای برخوردار بوده‌اند، پس از آنکه وی را در صف یا در جهت دشمن دیدند، به‌سایه طرد و محکوم نمودند، تاریخ از این نمونه‌ها فراوان دارد. اگر می‌بینید بعضی با وجودیکه ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی دارند هنوز در میان مردم جایگاه و پایگاه دارند دلیلش اینست که خود را در صف انقلاب جا زده‌اند. اگر ماهیت آنان بر مردم آشکار شود خیلی سریع طرد می‌گردند. راه مبارزه با ارتجاع پاره کردن صورتک انقلابی‌نمایی، اسلام‌نمایی و خمینی‌نمایی است. بسیاری روحانیون

انقلابی و توحیدی را مینا قرار داده است. آنانهم مرتجعین جوانها و افکار انقلابی توحیدی را نمی‌خواهند. گندها و روابط پیشین را جسدی‌اند. با این معیارها تشخیص مرتجع یا مرتجعین دشوار نیست، همه مردم قادر به شناسایی آنان هستند. حالا سؤال می‌کنیم آیا با این تعاریف می‌شود روحانیت را همان ارتجاع دانست؟ امیدواریم جوانان و روشنفکران، این

روابط اقتصادی، مالکیت‌های صنعتی، مالکیت‌های کشاورزی، تجارت، بانکداری، قراردادهای، ادارات، ارتش و... نیز منعکس است. چه وجه یا شان از نظام گذشته اسلامی و توحیدی بوده است تا بخواهیم از تغییریمون بماند. انقلاب می‌خواهد همه را تغییر دهد، اما کسانی و قشرهایی نمی‌خواهند برطبق منطبق قرآن مرتجعین - پس‌گرایان - با انقلاب مخالفند. مخالفت فقط در حرف نیست در عمل است - مردم باید مرتجع را در عملکردش بشناسند.

با تمام وجود پذیرا می‌شوند و در راه آن تلاش و فداکاری می‌کنند - کسانی که با همه مظاهر پوسیده گذشته مخالفتند و در آن جز رنج و آسارت و طعم شکنجه و عذاب، فقر و خواری و تحقیر نچشیدند. - آزادی و عدالت را در تغییر و در انقلاب می‌بینند، پس به انقلاب توحیدی امید می‌بندند و در راهش جان می‌بازند و برایش خون می‌دهند. پیش‌تازان انقلاب و اولین و نزدیکترین و صمیمی‌ترین یاران انبیا! این گروه انقلابی‌اند - پیش‌تازان انقلاب خود از دو گروه یا قشر اجتماعی برمی‌خیزند: یک عده افراد متفکر آزاده‌ای هستند که اگر چه چندان در فقر مادی و استعمار و محرومیت اقتصادی نبودند، لکن وجدان بیدار و

کردیم ارتجاع را معنا و نیروهای ارتجاعی را معرفی کنیم. خیلی بعید است که افرادی بکلی منکر وجود افکار و عملکردهای ارتجاعی در جامعه باشند، دشواری مربوط به اینست که در اثر تبلیغات زیاد و نیز ساده‌اندیشی بعضی افراد، وقتی صحبت از ارتجاع می‌شود، فوراً روحانیت در کلیت آن به دهن متبادر می‌شود و البته هستند کسانی که این تصور را دامن می‌زنند و آنرا تبلیغ می‌کنند. برای آدهان ساده‌اندیش معمولاً "دشوار است که معیارها را بکار برتد و اشخاص و گروهها را براساس معیارها و از روی عملکردشان بشناسد - برایشان آسان‌تر



چنانکه بسیاری غیرروحانیون صرف آنکه ظاهر به وفاداری به انقلاب و اسلام و امام می‌کنند، مورد حمایت مردم قرار گرفته‌اند. پیوند مذهبی مردم همراه با عمل‌کرد انقلابی امام به عنوان مرجع دینی مسلمین و نیز نقش موثر روحانیون مبارز و مترقی در انقلاب علیه رژیم قویتر شده است. نقشی را که روحانیون مبارز در بسیج خلق علیه دشمنانشان دارند هرگز نباید نادیده گرفت. روحانیون اصیل و مبارز هم‌اکنون هم در دفاع و پاسداری از اسلام اصیل و دفاع از دستاوردهای انقلاب نقشی استثنایی دارند. در یک تهاجم وسیع دشمن، در برابر توپخانه‌ها، چه عاملی جز روحانیون مترقی و اصیل قادر است میلیونها مردم را بسیج و متحد و آماده بجنگ سازد. ضربه بر کل روحانیت و بی‌اعتبار شدن آن نزد توده انقلاب خلق را بشدت در برابر دشمن آسیب‌پذیر می‌سازد. روشنفکران غیرروحانی، آنان که از سر دلسواری و علاقمندی به انقلاب با ارتجاع مخالفند باید هشدار باشند که به غلط روحانیت را بعنوان یک جریان واحد متهم به ارتجاعی بودن نگردد و نابود نکنند. بطول کلی این چیز است که سخت مورد علاقه آمریکا و طرفداران رژیم شاه و دشمنان خلق است. برای آمریکا و ضد خلق مقابله با روشنفکران و گروههای مترقی در صورت نداشتن حمایت توده‌ای کار دشواری نیست. قدرت، خصلت اصلی انقلاب ایران در پایگاه مردمی و وسعت و فراگیری توده‌ای است.

مرتجع کسی است که طرفدار نظام سلطنتی است. درست است که تعداد این افراد در کشور زیاد نیست ولی حتماً هنوز هستند کسانی که خواهان بازگشت به دور سلطنت می‌باشند. مرتجع کسی است که طرفدار حفظ مالکیت‌های صنعتی کنونی است. یعنی از کارفرمایان و مالکان صنایع وابسته و مونتاز حمایت می‌کند. یا خلع ید از سرمایه‌داران وابسته به خارجی‌ها مخالف است. یا مصادره اموال مالکان و سرمایه‌داران دزد و متجاوز مخالف است.

مرتجع کسی است که ارتش را با همین وضع فعلی می‌خواهد. با تغییر بنیان و اساسی ارتش مخالف است. یا قطع وابستگی‌اش با سلاح و جنگ‌افزار آمریکایی و اروپایی مخالف است. با تغییر روابط استبدادی و اطاعت کورانه از مافوق مخالف است. همان مقررات قبلی، همان رؤسا را می‌خواهد و تثبیت می‌کند. مرتجع کسی است که انقلابیون و طرفداران مردمی شدن ارتش را اخراج می‌کند، جلوی انتقال را می‌گیرد شورا را نفی می‌کند، ارتش ۲۵ میلیونی و مردمی را نمی‌خواهد، فرماندهان گذشته و طاغوتی را قدرت و مسئولیت می‌دهد.

● لیبرالها - سازشکاران - که بیشترین آنها غیرروحانی هستند صف مقدم ارتجاع را تشکیل میدهند. چون اینها با تغییرات انقلابی مخالف‌اند.

شعور انسانی دارند. به خودآگاهی رسیده‌اند، مفهوم واقعی حیات را دریافته‌اند و زندگی در آسارت، ستمگری و شرک و فساد، استبداد، خودسری و مشاهده فقر و مظلومیت و محرومیت مردم را تحمل نمی‌توانند. گروه بعدی که اکثریت را تشکیل می‌دهند، محرومان و مستضعفان جامعه‌اند که از لحاظ مادی و اقتصادی هم زیر فشار ظلم و استعمار می‌باشند - هر دو گروه حیات مادی و معنوی خود را در انقلاب جستجو می‌کنند. با انقلاب آزاد می‌شوند، به عدالت می‌رسند، با انقلاب دوران شکنجه و محرومیت و حقارت تمام می‌شود و ایام آزادی و عدالت و برابری می‌رسد.

است که یک مصداق عینی به آنان معرفی شود و احکام قطعی صادر گردد تا بدون زحمت فکر کردن و جستجو و ارزیابی بعضی را رد و بعضی را قبول کنند - احکامی از این قبیل که مذهب چیزی جز خرافه نیست، روحانیت همان ارتجاع است، ارتش ضد خلقی است، انقلاب آمریکایی است، یا داوریهایی از این قبیل که انقلاب مذهبی است و گونیستها ضد انقلاب، جنبشها منافق، روحانیون انقلابی و مسلمان، آن گروه راست، دیگری چپ، سومی انتقادی بیشتر در اینگونه آدهان جا می‌افتد - در حالیکه حقایق کمتر در این احکام و داوریهایی قطعی و جزمی جا می‌گیرد.

اشتباه تاریخی را بار دیگر تکرار نکنند و با یک برخورد "شکلی" - فرمالیستی - روحانیت را مساوی ارتجاع قرار ندهند. بارها گفته‌ایم روحانیت یک جریان واحد نیست. در بین روحانیون هم مانند بقیه قشرها مرتجع، مترقی، انقلابی، میانه و اصلاح‌طلب و هم‌رنگ وجود دارد. قبلاً نوشتیم که لیبرالها - یا سازشکاران - که بیشترین آنها غیرروحانی هستند صف مقدم ارتجاع را تشکیل می‌دهند. چون اینها با تغییرات انقلابی مخالف‌اند، از سرمایه‌داری، از مالکیت‌های ارضی از قراردادهای کهنه استعماری، از مناسبات استبدادی در ارتش، در ادارات، خلاصه از نظام کهنه حمایت می‌کنند. و با شورا، با ارتش مردمی، با برابری و حکومت واقعی مردم مخالف‌اند.

مرتجع کسی است که از مالکیت‌های ارضی دفاع می‌کند، با تقسیم اراضی بین دهقانان مخالف است و با تشکیل شوراهای دهقانی مخالف است. مرتجع کسی است که مانع از لغو قرار - دادهای استعماری گذشته است، نفت را بهمان صورت قبلی و در رابطه با همان شرکتها و برطبق همان قراردادهای صادر می‌کند. مرتجع کسی است که اسلام را در شکل مسخ‌شده طاغوتی و طبقاتی می‌خواهد و حمایت می‌کند، با تجدید حیات اسلام

دسته دوم کسانی هستند که طرفدار تغییر و تحول‌اند اما اشتیاق و ایمان دسته اول را ندارند. نه چندان محرومانند که از نظام گذشته قطع امید کرده باشند و نه چندان آگاه و مؤمن که حیات واقعی را در انقلاب و جهاد جستجو کنند. علائقی در وضع موجود دارند، دل‌بستگی‌هایی که نمی‌گذارند بکلی از آن جدا شوند. انقلابی ملایم و معتدل! می‌خواهند بعضی چیزها عوض شود و بعضی نه! همانطور می‌ماند. اینان، مردمی عاقبت‌طلب و بهره‌مندند که آگاهی‌هایی هم دارند - زشتیها را نمی‌خواهند اما حاضر هم نیستند از

اگر ما عادت می‌کردیم در همه کارها، از شیوه‌ها و رهنمودهای قرآن پیروی کنیم، مشکلات بهتر حل می‌گردید و لااقل یک زبان و فرهنگ و معیارهای مشترک برای بحث و شناخت و مقاومت در دسترسمان قرار می‌گرفت. بعکس حالا هر گروه و جریانی زبان خاصی را بکار می‌برد و از هر اصطلاح و شعار معنا و مفهوم دلخواهی برداشت می‌کند - اول باید زبان و فرهنگ را هماهنگ و مشترک کنیم و سپس بگویم معیارها مصداق‌های عینی هر مفهوم و لفظی را در جامعه تعیین نماییم.

در بین روحانیون، مرتجعین کم نیستند و همین عناصر مرتجع از میان روحانیون هستند که از ابتدا با نهضت و انقلاب مخالف بودند.

در بین روحانیون، مرتجعین کم نیستند و همین عناصر مرتجع از میان روحانیون هستند که از ابتدا با نهضت و انقلاب مخالف بودند، از رژیم صریح و غیرصریح دفاع با امام و روحانیون مبارز مخالفت می‌کردند، همین روحانیون مرتجع هستند که در بسیاری مواضع، از روابط کهنه، از مفسدین، مالکان و سرمایه‌داران دفاع و حمایت می‌کنند و با خط انقلاب و امام مخالفتند. نکته اینجاست که در قیاس با امام و امام این اشخاص روحانی شده نمی‌شوند، روحانی واقعی باید مدافع اسلام راستین و طرفدار خلق باشد. اینها را روحانی‌نما می‌خوانند. چنانکه روشنفکران طرفدار رژیم وضع کهنه پیشین و روابط سرمایه‌داری و استبدادی را باید روشنفکرانما گفت. اما واقعیت اینست که هر دو در لباس روحانی و روشنفکرانند و مردم با آن لباس می‌شناسند. ولی این طرز فکر کدروحانیت را به عنوان یک کل همسنگ

● روحانیت یک جریان واحد نیست و در بین روحانیون هم مانند بقیه قشرها مرتجع، مترقی، انقلابی، میانه‌رو و اصلاح‌طلب و هم‌رنگ وجود دارد.

اصیل مخالف است. از اسلام صفوی در برابر اسلام علوی دفاع می‌کند، اسلام اموی را بجای اسلام محمدی می‌خواهد. اسلام مدافع سرمایه‌دار، مدافع مالک و مدافع استبداد را تبلیغ می‌کند. با اسلام پیامبر و علی و ابوتر، با اسلام قرآن مخالف است. مرتجع کسی است که طرفدار حکومت از بالاست، مثل گذشته می‌خواهد عده‌ای "برگزیده" و "روشنفکر" و "تحصیل‌کرده" و "متخصص" بر "توده مردم" بر "رعیت" و "عامه" حکومت کنند. آنان فرمان بدهند مردم فرمان ببرند. آنان دستور صادر کنند مردم اطاعت کنند. مردم را مطیع و گوش به فرمان می‌خواهد. با حاکمیت واقعی مردم مخالف است. با شوراهای اسلامی مخالف است. مردم را در صحنه نمی‌خواهد، آنرا فضولی می‌داند.

خودشان مایه‌ای بگذارند. عدالت را می‌خواهند بشرطی که شامل حال آنان نشود. برابری را می‌خواهند در مورد دیگران. از آنان چیزی کم نشود! والا با انقلاب مخالف می‌شوند. این دسته تاحدودی انقلاب را یاری می‌کنند و پشت سر انبیا حرکت می‌کنند ولی نمی‌شود به آنها اعتماد کرد، تا آخر راه را نمی‌بینند، مگر آنکه روحیه و طرز فکرشان بکلی عوض شود و ایمانشان کامل گردد، والا در مراحل سخت می‌لنگند و حتی مزاحمت بوجود می‌آورند و تا نظام انقلابی استقرار نیافته طرفدار انقلاب‌اند ولی همینکه عدالت و برابری می‌خواهد اجرا شود، تدریجاً" مخالف می‌شوند و ارتجاعی عمل می‌کنند. دسته سوم کسانی هستند که منافق و علائق‌شان در وضع موجود است و بکلی و سرخستانه با انقلاب مخالفتند، زیرا انقلاب منافق و امتیازات و موقعیت آنانرا بخطر می‌اندازد. حال را دوست دارند، وضع حال که از لحاظ تاریخی و سنن الهی "گذشته" است یعنی دوران پیش آمده - و بهمین جهت دوستداران حال (نظام فعلی) را گذشته‌گرا می‌نامیم. مرتجعین ایندسته رهبران ارتجاع‌اند که بیشترین منافع و مصالح را در وضع قبل از انقلاب دارند و بالاخره دسته چهارم کسانی که روی علائق مادی یا تحت تاثیر طرز فکر کهنه "عادات" دیرپای خود از مرتجعین طرفداری و حمایت می‌کنند.

ارتجاع چیست؟ ارتجاع کشتش به عقب است - بازداشتنی از حرکت بطرف جلو - قرآن وقتی داستان نهضت انبیا را شرح می‌دهد، وضعیت این نیرو را روشن می‌کند. انبیا مردم را به قیام دعوت می‌کنند، قیام برای درهم ریختن و نابود کردن شرک و ظلم و آوردن نظام جدید توحیدی. هدفشان انقلاب است، دگرگون کردن است، می‌خواهند جامعه کهنه را بکلی تغییر دهند، نظام حکومتی، اقتصادی، فرهنگ، حتی اخلاقیات همه تغییر کنند - انقلاب اسلامی عهد پیامبر را نگاه کنیم - با بعثت پیامبر و قیام مسلمین همه شیون زندگی مردم یکی پس از دیگری تغییر کرد.

● در بین روحانیون، مرتجعین کم نیستند و همین عناصر مرتجع از میان روحانیون هستند که از ابتدا با نهضت و انقلاب مخالف بودند.

ارتجاع دانسته طرد و محکوم می‌کنیم. علاوه بر آنکه با واقعیت تطبیق نمی‌کند، از لحاظ شرایط تاریخی و ضرورت‌های عینی اجتماعی کاری خطرناک و ضدانقلابی انجام داده‌ایم. توده مسلمان ما پیوندی مذهبی با روحانیت دارد. البته همین توده مسلمان، روحانیون ضد خلق را طرد می‌کنند. بارها گفته‌ایم که پایگاه توده‌ای روحانیون مطلق نیست یعنی هر روحانی با هر اندیشه و عملکردی به صرف پوشیدن لباس روحانی تبلیغ مذهب پایگاه مردمی بدست نمی‌آورد. البته اگر مبارزه نباشد و دشمنان صف‌های حق و باطل جدا نشود، و دشمنان خلق در برابر مردم صف‌آرایی نکرده باشند، مردم به هر روحانی تاحدودی وابستگی مذهبی دارند، اما وقتی مبارزه با

مرتجع با هر اندیشه نو و مترقی مخالف است. با اندیشه انقلابی مخالف است. انقلاب روابط نو و تازه می‌آورد، ارزشهای اخلاقی تازه می‌آورد، معیار خوب و بد در انقلاب و در توحید با گذشته فرق می‌کند. گاره کاردان سپردن برای مرتجع مفهوم خاص دارد. مرتجعین به پیامبر خرده می‌گرفتند چرا کار را به کاردان نمی‌دهی. بلال زبانش می‌گیرد، لجه نمی‌زند، بدرج بودنی نمی‌خورد، پیامبر به صلاحیت و تقوی تکیه می‌کند، مرتجعین عهد پیامبر بر وی خرده گرفتند که اسامه فرزند زید جوان ۱۸ ساله برده زاده را نباید فرماندهی بزرگترین سپاه اسلام بدهی تا فرماندهان قدیمی، بزرگان و متخصصین هستند، کار یک جوان آنهم برده‌زاده نیست ولی پیامبر ارزشهای اخلاقی کهنه را دور ریخته و ارزشهای نوین

نظام گذشته را فقط در شکل سیاسی - حکومت سلطنتی - نباید دید، بلکه در

در برابر تحول انقلابی مردم به چهار دسته تقسیم می‌شوند - یکدسته انقلاب را

نابرقاری جامعه بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

نفت، این ثروت هنگفت محرومان جهان و خون جاری گرسنگان چگونه بتاراج میرود؟

حمایت از جنبشهای آزادیبخش در رابطه با اصل تولی و تبری

یکی از مهمترین ویژگیهای هر مسلمان انقلابی و اصل، دوسی و نزدیکی با نیکان و خوبان و مطلوبین و دوری و ابراز انزجار از دشمنان خلق و خالق است.

بر این معنا است که سیاست رابطه ما با دیگران بنیاد نهاده میشود و شکل میگیرد. بهمین ترتیب دو اصل اساسی تولی و تبری معیار رابطه جمهوری اسلامی با سایر ملل است. اگر امروز با اسرائیل غاصب دشمنی میورزیم، بدلیل وابستگی آنان به امپریالیسم جهانی است، بعلاوه آنستکه آنان برادران ما یعنی فلسطینیان را از خانه و کاشانه خویش ناجوانمردانه راندهاند.

آنان سرزمین وحی و سرزمین پیامبران بزرگ را با زور اسلحه اشغال کردهاند. بمبهای آنان تاکنون هزاران هزار تن از برادران و خواهران ما را نابود کرده است. اسرائیلیان صهیونیست بقیمت رنج هزاران آواره عرب سرزمین خود را به ناحق بنیاد نهادهاند. آنان با آتش زدن مسجد اقصی محل عروج پیامبر اسلام و مقدسترین مکان بعد از کعبه، نشان دادند که از انسانیت بوئی نبرده و منطق آنان منطق تجاوز و زور است. بر مبنای اصول یاد شده تولی

و تبری نمیتوانیم نسبت به سرنوشت برادران فلسطین بیطرف باشیم و شاهد تورو و خرابکاری و کشتار آنها باشیم. با توجه به اینکه اصل سرنوشت ما با خلق فلسطین، خلق اربنزه و سایر خلقهای تحت ستم و سلطه جهان آنچنان بهم گره خورده است که از حمایت معنوی و مادی این محرومان و بقول قانون "دوزخیان روی زمین" راهی نداریم.

امروز که در سوی زنده کردن اندیشههای راستین اسلامی کام برمیداریم و اصل تولی و تبری را ملاک عمل و حرکت خود قرار میدهیم باید از هر مظلومی در جهان حمایت کنیم.

بر مبنای مضمون حدیث نبوی "هر کس فریاد دادخواهی را در جهان بشنود و به کمک آنان نشتابد مسلمان نیست" و هنگامیکه دامن مسئولیت تا به این اندازه گسترده است، چگونه میتوانیم به آزادی سرزمین وحی یعنی فلسطین بیطرف باشیم. امروز که به لطف و عنایات الهی از بند استبداد رها شده و میرویم تا با مدد اراده حق طلبان زنجیرهای استعمار و وابستگی را بگسلیم باید حامی همه ستمدیدگان و در وحله اول فلسطینیان باشیم.

ملاحظه تاریخ سرزمینی که اسلام در جنگ های گوناگون رهایی بخش آنرا از شر سلطه گران گوناگون بدرآورد، و همواره حریت و آزادی آنرا حفظ کرده است و درک و جانفشانیهای صلاح الدین ایوبی و لشکریان وی در حفظ خانه وحی امروز باید خلق بیا خاسته ما را در حمایت از حقوق فلسطین متحد و یکپارچه نماید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از فلسطین و آزاد کردن این سرزمین مقدس و جلوگیری از تجاوز بیش از پیش صهیونیست اشغالگر باید از جمله هدفهای جدی انقلاب اسلامی باشد.

اراده امام خمینی و مردم ما در حمایت از خلق فلسطین نمایانگر روح آزادی و برابری انقلاب و تقویت کننده احساسات ضد امپریالیستی در مردم ما است. با امید آزادی فلسطین و همه خلقهای تحت ستم جهان بر مبنای تولی و تبری.

کشورهای سلطه کر تنها بتاراج تولیدات جهان سوم و مخصوصاً نفت و گاز از طریق پولهایی که مرتب ارزش خود را از دست میدهند (دلار آمریکا و ارزهای اروپائی) قانع نبوده و معادله نابرابری را از طریق یک حیلۀ زشت دیگر نابرابر و ظالمانه تر میسازند.

آمار بورس های عمده و طلا، مانند بورس زوریخ، لندن، هنگ کنگ، و نیویورک نشان دهنده این واقعیت است که طلا در مدت یکسال یعنی ژانویه ۱۹۷۹ (دی ۵۷) تا آخر دسامبر ۱۹۷۹ (آذرماه ۵۸) قیمتش از ۲۲۶ دلار برای هر اونس به بالاتر از ۶۵۰ دلار رسیده است یعنی قیمت طلا از فاصله یکسال سه برابر گشته، در حالیکه در همان فاصله زمانی قیمت فروش (نه درآمد) نفت خام سبک ایران از ۱۳/۴۵ به ۲۳/۵ دلار برای هر بشکه واز ۱۳/۰۶ به ۲۲/۷۷ دلار برای هر بشکه نفت سنگین رسیده است. یعنی در حالیکه ترقی قیمت نفت ظاهراً برای ایران و سایر کشورهای صادر کننده نفت درآمدهای زیادی را باعث شده است ولی این درآمدها در قبال آنچه کشورهای صنعتی و ایالات متحده آمریکا از بازی طلا بدست آوردهاند، ناچیز مینماید زیرا طبق آمارهای منتشره منابع بولی بین المللی ذخایر طلای ۱۴ کشور صنعتی غربی معادل ۸۲ درصد کلی ذخایر جهان میباشد در حالیکه ۱۳ کشور عضو اوپک فقط کمتر از ۴ درصد از ذخایر طلای جهان را دارا میباشد ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۵ درصد ذخایر طلای جهان را به تنهایی بخود اختصاص داده است. درست در همین جاست که دول سلطه گر با دخالت در بازار عرضه و تقاضا، و ایجاد مناطق بحران در جهان برای طلا ارزش کاذب ایجاد نموده یا سه برابر نمودن قیمت طلا، ثروت خود را سه برابر ویا کاهش ارزش دلار ذخایر ارزی کشورهای فقیر را بی ارزش و تهی مینمایند. باید یادآوری نمود در حالیکه افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده نفت (عضو اوپک) افزایش ظاهری نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار را به بار آورده فقط افزایش درآمد ناشی از مداخله در بازار و بورس دلا برای ۱۴ کشور صنعتی معادل ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است.

جالب اینکه بدانیم در این رهگذر ثروتمندان وابسته عربستان سعودی، کویت و سایر کشورهای ارتجاعی عرب با تبدیل دلارهای نفتی به طلا و بالعکس مرتباً و بطور مداوم بروسهای میلیونها عرب، استثمار شده و فقر زده را بر باد میدهند.

کالا و تکنولوژی صادراتی

زنجیره جیالول جهان غرب فقط به دلار و طلا برای از بین بردن عواید ناچیز کشورهای صاحب نفت ختم نمیشود بلکه از طریق صدور کالاهای مورد نیاز این کشورها و همچنین انواع تسلیحات نظامی (که بسرعت از رده خارج شده و با سلاح های جدیدتر جانشین میشوند) که قیمت های آنها را به دلخواه تعیین مینمایند درآمدهای نفتی آنها را جذب نموده و به قدرت خرید آنها ضربه میزند.

بعنوان مثال در حالیکه در فاصله سال ۱۹۶۰ الی ۱۹۷۱ یعنی ۱۱ سال نفت خام ثابت نگهداشته شده (توضیح اینکه تا سال ۱۹۷۳ قیمت های نفت خام بطور یک جانبه و توسط کارتلهای نفتی تعیین میشد) و روی عدد ۱/۷۱ دلار برای هر بشکه بدون تغییر باقی مانده بود در همین فاصله قیمت شکر ۷۱ درصد و روغن نباتی ۷۵ درصد افزایش داشته است. البته همواره باید این نکته را در نظر داشت که نفت کالائی تمام شدنی و تجدید ناپذیر میباشد و به هیچوجه نمیتواند با مواد اولیه تجدید پذیر نظیر شکر، روغن نباتی و یا امثال مورد مقایسه قرار گیرد.

کالاهای صادراتی غرب در بعضی موارد افزایش بیش از چند صد برابر داشته و کشورهای فقیر و جهان سوم که فاقد تکنولوژی و تخصص های لازم بودهاند کاملاً بی

● یکی از اساسی ترین عوامل و کلیدهای توسعه اقتصادی ملل غرب، نفت، آن هم نفت فراوان با قیمت تقریباً هیچ یا ناچیز بوده است.

دفاع و ناچار، قیمت های تعیین شده جهان صنعتی را به هر میزان و اندازه قبول کردهاند.

در امتداد صادرات کالا به قیمت دلخواه جهان صنعتی تکنولوژی را نیز وسیله سرکشی کردن ملت های فقیر قرار داده و در حالیکه کشورهای صنعتی برای جیالول هر چه بیشتر و راحت تر نفت خام مورد نیاز خود ناچار از ایجاد واحدهای تولیدی نفت خام، خطوط لوله، و دستگاههای تقویت فشار نفت خام به بندرهای صادراتی بودند این دستگاهها و کالاهای را به هزینه کشورهای صاحب نفت ولی با جدید کارشناسان خود خریداری و مورد استفاده قرار میدادند مراجعه به قیمت های خرید این کالاهای در ادارات خرید کشورهای صادر کننده نفت نشان دهنده این حقیقت است که در حالیکه قیمت یک مخزن یا دستگاه مورد احتیاج ایران در کشور زاین که خود یک سلطه گر میباشد یک چهارم تا یک دهم قیمت همان کالا در انگلستان بوده است کارشناسان انگلیسی و آمریکایی تحمیل شده تحت عنوان مرغوبیت کالا و یا استانداردهای از پیش تعیین شده کالای مورد لزوم را به چند برابر قیمت از کشورهای متبوع خود خریداری نمودهاند.

باید دانست که مقاطعه و انجام کارهای تاسیساتی، ساختمانی مکانیکی، برق و الکترونیکی پالایشگاهها و واحدهای نفتی عموماً به مقاطعه کاران خارجی وابسته کارتلهای نفتی داده شده و بدست خود هر چه صلاح دانسته انجام هر مقدار هزینه و پول که لازم بوده از کشورهای فقیر صادر کننده نفت دریافت نمودهاند.

در خانه اگر بولی باقیمانده که جذب کشورهای صنعتی نشده تحت عناوین بقیه در صفحه ۹

بطور مسلم در دهه ۱۹۸۰ جهان شاهد واکنش های جدید در برابر درخواست های بحق کشورهای صاحب نفت از جمله، ایجاد مناطق بحران، عرضه ارزهای کاذب بمنظور تزلزل اقتصاد جهان سوم و کشورهای فقیر و ارائه شیوه های پیچیده تقلب و کلاهبرداری در تاراج ثروت های طبیعی و ملی آنها خواهد بود.

غرب بطور اعم و ایالات متحده آمریکا بالاخص تمام دانش و آگاهیهای علمی، و اقتصادی و فنی و امکانات تبلیغاتی خود را برای سرپوش نهادن به این تاراج بکار گرفته ویا پیچیده نمودن اقتصاد نفت و ارتباط مستقیم و غیر مستقیم آن با دلار، طلا و کالا و تکنولوژی صادراتی و تحمیل اثرات جنبی و منفی آن بکشورهای فقیر جهان وضعیتی ایجاد نموده اند که نه تنها منابع جبران ناپذیر با تجدید ناپذیر کشورهای فقیر را جیالول نمایند بلکه با افزایش شکاف موجود بین خود و ملل تحت سلطه جهان دنیای استثمار شکان آینده را نیز طراحی نموده تا زمانیکه این کشورها از تنها منبع

● در حالیکه ترقی قیمت نفت ظاهراً برای ایران و سایر کشورهای صادر کننده نفت، درآمدهای زیادی را باعث شده است، ولی این درآمدها در قبال آنچه کشورهای صنعتی و ایالت متحده آمریکا از بازی طلا بدست آورده اند، ناچیز می نماید.

درآمد خود تهی شوند. جزء از ابزار تولید ارزان قیمت جهان صنعتی بشمار آیند. حقیقت اینستکه بیش از یک چهارم قرن یعنی از سال ۱۹۴۵ ملل غرب از بسک توسعه اقتصادی مداوم و لاینقطع که در تاریخ بشر همتا ندارد برخوردار شده اند یکی از اساسی ترین عوامل و کلیدهای این توسعه اقتصادی، نفت، آنهم نفت فراوان با قیمت تقریباً هیچ، ناچیز بوده است. اینکه چرا نفت و گاز (هیدروکربورهای نفتی) چنین نقش تعیین کننده ای را در اقتصاد جهان داشته و دارند با سه مشخصه، قابل بیان است:

۱- این هیدروکربوها (نفت و گاز) در مقایسه با مواد جانشین فوق العاده ارزان هستند.

۲- دسترسی، استخراج و مورد استفاده قرار دادن آنها آسان است.

۳- از لحاظ تنوع استفاده، بهره دهی و تولید سایر فراورده های جنبی بی نظیر میباشد. در این خصوص شاید ذکر این واقعیت کمشتقات فرآورده های پتروشیمی و شیمیایی حاصل از نفت و گاز بر ۷۰/۰۰۰ فرآورده مختلف بالغ میگردد تا اندازه ای روشنگر مطلب باشد.

قبل از توضیح و اثبات سه مورد فوق باید مختصراً به دلار، طلا و کارها و همچنین تکنولوژی صادراتی کشورهای صنعتی جهان اشاره کرده و رابطه آنها را با نفت و گاز یعنی تنها سرمایه و هستی بخش عمده ای از جهان زیر سلطه روشن سازیم. دلار - دلار آمریکا واحد پول ایالات متحده میباشد یعنی پولیکه ارزش نفت و گاز صادراتی کشورهای تولید کننده با آن پرداخت میشود. قدرت و بهبود وضع آن یعنی قدرت و افزایش قوه خرید کشورهای صادر کننده نفت، و ضعف و کاهش ارزش آن یعنی غرامت مضاعف کشورهای فقیر صادر کننده نفت.

زیرا نه تنها نفت و گاز تاکنون با ارزشی بمراتب کمتر از ارزش واقعی خود مورد مبادله و معامله قرار گرفته است بلکه درآمد ناشی از عرضه این ثروت فناپذیر و تجدید ناپذیر تابع کاهش ارزش دلار قرار گرفته و بدین طریق کشورهای صادر کننده نفت در قبال نفت صادراتی ناچار به تحمل غرامت مضاعفند. برای اینکه مورد فوق بصورت روشن و ملموس بیان شود از اعداد و ارقام کمک میگیریم و برای احتراز از کلی گویی وضعیت کشور خود را اجمالاً بررسی میکنیم.

متوسط درآمد ایران از هر بشکه نفت صادراتی از سال ۱۹۱۲ الی ۱۹۷۹ بشرح زیر بوده است:

سال	درآمد برای هر بشکه به دلار	صادرات بر حسب بشکه
۱۹۱۲ - ۱۹۱۲	۰/۱۷	۴۲۸/۸۰۰/۰۰۰
۱۹۱۳ - ۱۹۲۳	۰/۲۳	۱/۷۵۳/۱۰۰/۰۰۰
۱۹۲۴ - ۱۹۵۴	۰/۷۷ تا ۱/۴۲	۱۰/۵۶۶/۵۰۰/۰۰۰
اکتبر ۱۹۷۳	۳/۰۸	۱/۹۲۴/۲۰۰/۰۰۰
۱۹۷۴	۹/۳۲ تا ۱۰/۲۲	۱/۹۵۹/۸۰۰/۰۰۰
۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷	۱۱/۰۳ تا ۱۲/۲۲	۳/۶۰۸/۸۰۰/۰۰۰
۱۹۷۷ تا دسامبر ۱۹۷۸	۱۲/۰۲	۳۴۱۶/۰۰۰/۰۰۰
۱۹۷۹	۱۲/۶۵	
		۲۳/۶۵۹/۲۰۰/۰۰۰

توضیح اینکه قیمت فروش هر بشکه نفت صادراتی متفاوت از درآمد حاصله از آنست زیرا هزینه عملیاتی و سایر هزینه های متفرقه باید از قیمت فروش کسر، تا درآمد برای هر بشکه بدست آمد.

همانطور که دیده میشود از ژانویه ۱۹۷۴ الی ۱۹۷۸ درآمد عددی (نه واقعی) ایران از محل هر بشکه نفت صادراتی از رقم ۹/۳۲ دلار به ۱۲/۰۲ رسیده است در حالیکه دلار آمریکایی بطور تقریبی در همین فاصله زمانی بترتیب بمیزان ۹۰ درصد، ۵۱ درصد و ۶۰ درصد ارزش خود را در قبال فرانک سوئیس، مارک آلمان و بین زاین از دست داده است.

یعنی اگر دولت ایران برای کالاهای وارداتی خود از کشور سوئیس ۱۲/۰۲ دلار یعنی معادل یک بشکه نفت را در سال ۱۹۷۸ پرداخت مینمود، سوئیس این مبلغ را در مقایسه با پول خود ارزشی معادل ۶/۴۳ دلار ۱۹۷۴ قائل بود. بعبارت دیگر فقط در مقایسه با پول سوئیس نه تنها درآمد ایران در مقایسه با سال ۱۹۷۴ هیچ افزایش واقعی نداشته بلکه ۴۷ درصد هم کاهش داشته و قدرت خرید خود را از دست داده است.

حال اگر نرخ تورم کشورهای صنعتی نیز در مقایسه گنجانیده شود بی میبریم که بازی با پول و فعل و انفعالات روی آن چگونه علیرغم (ارقام صوری ناشی از درآمد صادرات نفت، درآمدهای واقعی کشورمان را ناچیز نموده و بر باد داده است.)

جالبتر اینستکه براساس آمار منتشره اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت) بدانیم که فقط در فاصله یکسال " یعنی اکتبر ۱۹۷۷ تا اکتبر ۱۹۷۸ دلار آمریکا دو برابر فرانک سوئیس، مارک آلمان غربی و بین زاین بترتیب ۵۴ درصد، ۲۸ درصد و ۴۲ درصد ارزش خود را از دست داده، با عبارت دیگر نیز دلار آمریکا در برابر فرانک سوئیس در پایان سال ۱۹۷۸ به کمتر از نصف ارزش عددی خود، معامله شده است.

این موضوع آزمون واقعا " دردناک و غیر قابل تحمل میشود که دستگاههای تبلیغاتی غرب و رسانه های گروهی آنها که فعالانه در اختیار آژانس های اجحار صهیونیستی و امپریالیستی است فریاد برمیآورند که افزایش قیمت نفت کشورهای صنعتی را به مرز افلاج و ورشکستگی رسانیده و از طریق تشریبات مسموم کننده خود کارگران استثمار شده و زحمتکشان جامعه خود را تحمیل نموده و فشار هزینه زندگی و تورم را که توسط سرمایه گزاران غربی بر آنها تحمیل میشود در اثر افزایش قیمت نفت جلوه میدهند واقعا " ننگ براین همه بیشرمی و گستاخی !!



مجریان امور، اسلام را یک مکتب حامی سرمایه‌دار و فئودال جلوه میدهند

در حدود ۴۰ الی ۵۰ سال پیش اربابان ارفرفینس از حد روستائیان استفاده و بهیچ وجه کسی را استخدام دائمی نمیکردند. بلکه فقط در مواقع کار روستائی را فرا میخواندند و اجرت، دادن یکوعده غذا به همان روستائی بود (نهار) که خود همین امر باعث خوشحالی روستائیان میگشت. و در مواقع دیگر در اژه یکروز کار طاقت - فرسا - یکروز ۱/۵ کیلو کدوم - یکروز ۱/۵ کیلو جو - یک روز ۱/۵ کیلو ارزن بعنوان اجرت به روستائی میدادند. که اینجور اجرت ها را ارباب‌های با انصاف !! می - دادند. و بعضی ها که بدتر بودند - یکروز ۷۵۰ گرم خرما - یکروز ۷۵۰ گرم انیسیر - یکروز ۷۵۰ گرم کدوم - یکروز ۷۵۰ گرم جو - یکروز ۷۵۰ گرم ارزن میداد. که نمونه آن را بعنوان "آمد فروتن" در دهی بنام "احمدیه" نام برد که چنین عمل میکرد. که این دوره را "دوره حشری" میگویند. بعد از این دوره حشری - دوره بزرگی" است. در این زمان روستائی چند حبه ده را از ارباب اجاره میکرد که زمین و آب و سدر را ارباب میداد !! و نیروی انسانی و حیوانی و کود را رعیت و در پایان هر سال محصول بدست آمده از هر ۲/۵ من کدوم ۱ من برای رعیت و ۱/۵ من برای ارباب - و از هر ۴ من پنبه ۱ من بنه برای رعیت بود البته این امر در دههایی بود که از زمین های مرغوب برخوردار بودند و اگر در روستائی زمین نامرغوب میداشت (زمین کوبری) محصول نصف بود یعنی از هر ۴ من، ۲ من برای رعیت میسر شد. البته در این دوره بزرگی که بعنوان "استیجاری" نامید، به موقع اجاره ده ارباب - ۵۰ من کدوم به عنوان "تقدم" به رعیت میداد تا آن سال را داشته باشد، اما در عوض تا موقعیکه روی این ده کار میکند هر سال ۴۰۰ قصبه محلی یا یک هکتار زمین را هر سال مجانی بیل برند. و البته هر موقع که میخواست این ده را تحویل دهد میبایست این کدوم "تقدم" را پس دهد، که این یک نوع بیگاری کشیدن رسمی بوده است.

دوره بعد از سال ۴۱ را " دوره قرارداری" گویند که به هر نفر ماهی ۱۰۰ تومان پول و ۲۰ من کدوم داده میشد که کم کم به این میزان اضافه شد که تا قبل از پیروزی انقلاب حداکثر ۸۰۰ الی ۳۰۰ تومان پول و ۳۰ من کدوم داده میشد. و بعد از پیروزی انقلاب با اوتل پایتخت ۵۸۰، ۹۰۰ تومان و ۳۰ من کدوم شد. حتی اداره کار تصویب کرده بود حداقل حقوق روزانه ۵۶۷ ریال باشد. و البته اکنون حقوقها به ۱۳۰۰ تومان و ۳۰ من کدوم افزایش یافته است. و این مختصر شرحی از چگونگی پرداخت حقوق به روستائی میبود.

از نمونه های بیگاری کشیدن ارباب، میتوان چنین یاد کرد. هر زارع میبایست حداقل سالی ۴ بار هیزم برای ارباب مجانی ببرد - ماست و تخم مرغ از آن ارباب بود - کود حیوانی زارع را ارباب میبرد - بدین نحو که این کود میبایست در باغ پستههای ریخته شود و زارع دوباره برای زراعت از جای دیگر کود تهیه نماید. از ظلمهای دیگر اربابان جای گفتن ندارد. همین بس که ۵ دقیقه دیر آمدن ساوی بود با نثار کردن هزاران قش از سوی ارباب یا آنروز به کار راه ندادن یا اینکه مدتی اضافه کار کند.

مردم محروم و ستم کشیده خواهان پیدایش شدن طرحهای انقلابی در مورد کشاورزی مملکت می‌باشند.

خلاصه گزارش: که دیلا از نظر جوانندگان عزیز گزارش می‌کند. مبین یکی از دردهای بزرگ این انقلاب بوی اسلاهی و این مردم محروم و ستم کشیده ما میباشد. اگر امروز این رنج نامه را میبوسیم کله ما از اسلام نیست بلکه از مجریان امور است که متأسفانه با اعمال و رفتارشان اسلام را یک مکتب حامی سرمایه دار و فئودال جلوه میدهند. وای خوش آنروز که اینان خود آید و این مطلب را دریابند و در اعمال و رفتار و عملکردهای خویش تجدید نظری کلی بنمایند.

پس از پیروزی انقلاب بیشتر کشاورزان همیشه محروم ما انتظار داشتند تغییراتی کلی در سطح روستاها خصوصاً " در رابطه با اربابان و زمینداران بوجود بیاید، اما متأسفانه در اثر ضعف بعضی مقامهای اجرائی و نداشتن بینش صحیح و انقلابی از اسلام چنین نشد.

روستاهای شهرستان لنجان (از قبیل: سرودان - کارویه - کافشان و...) نیز که بیشتر زمینهای حاصلخیز و بدرخور آن هنوز در دست فئودالها بوده و بی ثمرانه هنوز در ساختمانهای مخصوصی که در زمینهای خود ساخته بودند به عبانی و خوشگذرانی می‌پرداختند.

پس از انتصاب برادر محاهد و رزمنده آقای امید نجف آبادی به مقام حاکم سرخ اصفهان از آنجاشکبه ایشان خود یک روستائی بوده دردهای محرومین را...

اشرفی ها از کار برکنار کنند. ۳ - بنظر ما این دردی است که بجان تمام روستاهای این مرز و بوم افتاد... و برهیچکس پوشیده نیست که این اصلاحات مورد تأیید دولت گذشته و بعضی از عناصر شورای انقلاب نبوده بلکه با همکاری روستائیان و برادران سپاه پاسدار و بعضی دادستانی ها تاحدودی انجام شده. و باید خط کلی مقامات اجرائی و خصوصاً دادستاریهای شهرستانها در مورد وضع روستاها و کشاورزان همین باشد.

۴ - در رابطه با استرداد بعضی اموال مصادره شده توسط دادستانی کل انقلاب آقای قدوسی و بعضی افعال کارهای دیگر، روستائیان که زمینهای مصادره شده را کشت کرده‌اند سخت دچار دلپهره شده و میگویند نکند فردا هم نوبت استرداد این زمینها به صاحبانشان !!! برسد. ما تا کدوم می‌کیم این افسان کارپسای از طرف مسئولین بضرر اسلام و این امت محروم است.

۵ - دادستانی های انقلاب خصوصاً " در شهرستانها باسستی با الهام از اصول مترقی و انقلابی اسلام در مورد زمین و زراعت و... هر چه بیشتر به درمان این درد بپردازند و بدانند که در غیر اینصورت همان مسائل کبک و ترکمن صحرا و... پیش خواهد آمد.

۶ - بیکار دیگر اقدامات آقای رضا اصفهانی را در این مورد تأیید نموده و با داری و استواری ایشان را خواستاریم و همدار مبدوم مخالف و کارشکنی با طرحهای آقای اصفهانی در انمورد از طرف هر مقام اجرائی و غیراجرائی بضرر اسلام و این امت و بضع امیرالمسلم و ابای آن میباشد.

حالا که زمینها را بازگو میکنم که برای من مایه تعجب و تأسف است شخص روحانی بنام " سید خراسانی" در کمیته آبخاری رفسنجان میباشد، یا به قولی منصوب شده‌اند که بار مستضعفین باشند و ناظر بر امور که مبادا ظلمی به زارع شود، ایشان حدوداً یکسال قبل از پیروزی انقلاب دهی را بوجود آورده‌اند که الان اسمش را بخاطر ندارم پاشین ده نجم آباد واقع است " که چند نفر شریک بوده‌اند در وحله اول موتوری زدند که ۵ دانگ از ۸ دانگ مال ایشان بود که بعداً " به شریکشان فروختند و اکنون یک دانگ بیشتر ندارند !! ایشان به هنگامی که ما مورد کمیته آبخاری بودند، اول از همه یک پروانه چاه عمیق برای ده خود گرفتند که با این پروانه سه چاه ضربات مادی و معنوی به دهات مجاور زده شد این ده ایشان اکنون بیش از ۱۰۰ هکتار زمین مزروعی و درختکاری و بایر دارد که یک هشتم آن از آن خراسانی می‌باشد. اینجنین عملکردی نه تنها باعث پشتوانه و تقویت و دستاویزی برای اربابان منطقه میشود که هیچ، بلکه همه این اعمال به نام اسلام گذاشته میشود. و بگفته‌ام چهره اسلام خراب میشود. باشد که برای حفظ اسلام از خطر فئودال - ارتجاع - لبرالمسلم و... روابط ظالمانه استعمار - گرانه حاکم بر جامعه روستائی ما خاتمه داده و حکومت عدلعلی پایه ریزی نمایند. مالکیت مشروع از آن کسی است که خود روی زمین کار، تلاش و سعی و کوشش میکند.



زنان زحمتکش روستا، قربانیان استعمار فئودالها

گزارشی از کارخانه بریجستون

کارخانه بریجستون تولید کننده تابر دارای ۲۰۰ نفر کارگر و کارمند و تولیدی معادل ۴۰۰۰ حلقه تابر در روز است که حدود ۲۷ درصد احتیاجات مملکت را تامین میکند.

این شرکت در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۷ به ثبت رسید بهره برداری از آن در تاریخ ۱۳۵۴/۱۰/۱ آغاز شد. سرمایه اولیه شرکت ۱۶۵ میلیون تومان بود. نیمی از سهام این کارخانه متعلق به ایران و نزدیک به نیمی دیگر متعلق به ژاپن است. از ۵۰ درصد سهام - ایران ۲/۴ درصد متعلق به محمودرضایی بود که الان متعلق به بنیاد مستضعفین میباشد و ۱۷/۲ درصد آن مربوط به بانک صنایع که ملی شده و ۱۹/۲ درصد مربوط به رستگاریها بود که اموال ایشان هم مصادره شده در اختیار بنیاد مستضعفین است. از ۷/۴ درصد مربوط به نصیری پور است. از ۵۰ درصد سهم بقیه ۵ درصد آن مربوط به شرکت حمل و نقل " که یک شرکت تهیه کننده مواد اولیه است میباشد این شرکت چند ملیتی است و صاحبان سهام آن کشورهای هلند، انگلستان، بلژیک و فرانسه هستند و مواد اولیه از قبیل کارکوجوی خام را از سنگاپور و مالزی و... خریداری کرده به کشورهای دیگر میفروشند.

۴۵ درصد سهام نیز متعلق به شرکت فرانسه هستند و ظرفیت تولیدی کارخانه تقریباً " چهار هزار حلقه تابر در روز است که در سال ۵۶ به حداکثر میزان خود رسید.

بعلت اینکه امتیاز شرکت متعلق به شرکت بریجستون ژاپن و امتیاز فنی آن متعلق به شخصی بنام "زابه کازه" است طبق قرارداد تا چند سال مدیریت این کارخانه به ژاپنی ها محول گردیده در گذشته بیش از چهل نفر تکنسین و کارشناس ژاپنی در کارخانه مشغول بکار بودند که تا قبل از انقلاب تعدادشان به بیست و چهار نفر رسیده طی انقلاب همگی از جمله رئیس کارخانه و مدیر عامل از ایران رفتند. این ۲۴ نفر سرپرستی کل کارخانه را در دست داشتند و ایران هیچ دخالتی در مدیریت نداشت. یعنی چه از لحاظ فنی و تکنیکی و چه از لحاظ پرسنلی تسلط کامل داشتند. تولید کارخانه در مدت انقلاب بعلت اعتصابات سراسری و فقدان گاز و نیز بعلت اعتصابات خود کارخانه خوابیده بود - بعد از انقلاب به دستور امام خمینی مبنی بر بازگشت به سرکار کارخانه به دست و همت کارگران و بدون حضور حتی یک تکنسین ژاپنی به راه افتاد. به این منظور شورایی تشکیل شد که مسئول راه اندازی کارخانه بود.

مواد اولیه مورد نیاز کارخانه بریجستون بیشتر از خارج وارد میشود به ترتیبی که بیش از ۷۰ - ۸۰ درصد این مواد از خارج تأمین میشود. مواد اولیه مورد نیاز از ۱۵۰ نوع مواد شیمیایی تشکیل میشود و بعضاً امکان تهیه‌اش در داخل کشور وجود دارد. " حبه یک مورد را توانسته اند با قیمت کمتر و با همان کیفیت جایگزین کنند و آن بودر تالک است که در داخل تهیه میشود

اشغال " کمیته کار و امور اجتماعی امام خمینی در اهواز از اهواز خبر می‌رسد که هفته پیش بنا بدستور دادستان اهواز (جنسی) " کمیته کار و امور اجتماعی امام خمینی " که جز در خط امام عمل نمیکرد مورد حمله قرار گرفت و طی آن تمام اسناد و مدارک و پرونده ها و دیگر وسایل موجود در کمیته ضبط گردید و دلیل ارائه شده از طرف مهاجمین فقدان حکم رسمی (دولتی) ذکر گردیده است، در حالیکه کمیته کار علاوه بر عملکرد مردمی خود که بهترین حکم است، جهت همکاری با مسئولین وزارت کشاورزی، حکم رسمی معاون وزیر کشاورزی را دارا میباشد.

خبر فوق، تنها نمونه کوچکی از ناعدهای است که با حاکم شدن خط سازشکاری و لیبرالی برانقلاب روی میدهد. اکنون کار که در گذشته پیوسته با پیروی از خط ضد لیبرالی و ضد واپسگرایی امام، همیشه از حقوق کارگران و از براه انداختن مجدد کارگاهها و تشکیل شوراهای کارگری دفاع کرده است، بارها از حمله در زمان استاندار سابق خوزستان (منتخب دولت موقت) تحت فشار قرار گرفته بود. اخیراً " همراه با تسلط بیشتر سازشکاران بر ارگانهای دولتی و انقلابی از سوی محافل سرمایه‌داری و ارتجاعی فشار بر کمیته کار و امور اجتماعی امام خمینی باوج خود رسد و سرانجام در هفته گذشته مهاجمین مزدوران سرمایه داری این کمیته را اشغال کردند. مایه تأسف است در حالیکه خط انقلاب، توده های مردم و امام خواهان طرد سازشکاران، مرتجعین و مزدوران سرمایه - داری اند، نهادهای انقلابی بدینگونه مورد هجوم این عناصر معلوم الحال واقع میشوند.

ما از مقامات مسئول بویژه استاندار خوزستان میخواهیم به این موضوع رسیدگی کرده و " کمیته کار و امور اجتماعی امام خمینی " در جهت پیشبرد خط امام دوباره بکار خود ادامه دهد.

۱۲ - ۱۳ ریال هم تمام میشود در حالیکه از ژاپن ۲۳ تا ۳۳ ریال وارد میشد. (مقدار مصرف این ماده دوتن در ماه است) - دیگر ماده اصلی که در ایران تولید میشود (در اهواز) دوده یا کربن و دیگر انواع روغنهای است.

قراردادهای مربوط به تهیه مواد اولیه عبارت از قرارداد با شرکت حمل و نقل بین المللی موردی و دیگر قراردادهایی که مستقیم از طرف شرکت با بعضی کشورهای از جمله کشورهای (هلند، انگلستان و بلژیک) منعقد گردیده.

تکنیکی که توسط یکی از برادران کارگر ذکر شد اشکالات تحویل مواد اولیه است که مقداری ناشی از بسته شدن حسابهای ایران در کشورهای خارج است به این ترتیب که بقیه در صفحه ۱۳

توطئه جدید مالکان علیه کشاورزان

در بی اعلام مقامات مسئول مملکتی مبنی بر عدم مداخله " مالکهای انقلابی از قبیل جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در مسئله زمین و مبارزات کشاورزان علیه فئودالها زمین داران که در بی فرصتی برای ضربه زدن به مبارزات کشاورزان و نهادهای انقلابی و حامی آنها میگشتند دست به تبلیغات مسموم کننده و مانورهای توخالی زدند. از جمله حادثه "روز سه شنبه ۵۹/۱/۵ در روستای سورگر و روستاهای اطراف که اقدام به مزبور و رو کردن زمینهای زیر کشت روستائیان نموده‌اند. جریان از این قرار است که مزدوران بعضی از مالکین در این روستاها با چندین تراکتور در روز روشن شروع به زیر و رو کردن زمینهای مزروعی نمودند و وقتی که با مقاومت روستائیان روبرو شدند با حمایت چاقوآوران که با یک مینی بوس از اطراف "گل مکان" به محل آورده بودند دست به ارباع و تهدید و محروم ساختن کشاورزان زدند (لازم به تذکر است که زمینهای این ده که حدود صد هکتار میباشد تقریباً " ده سال است که کشت نشده و مالکین به بهانه نهال کاری اقدام به تصاحب زمین نموده‌اند) متأسفانه ارگانهای اجرائی هم که برای رسیدگی به محل عزیمت نموده‌اند اقدامی به نفع روستائیان زحمتکش ننموده و حتی عمل کردشان باعث دلگرمی اربابان و مالکین شده است.

گنج سرمایه دار، حاصل دسترنج کارگران است

فرار شاه خائن به مصر و قضیه نامه کارتر جنایتکار به امام خمینی

بقیه از صفحه ۱

مردم و ما

اقتضای نداریم !! گاه عمل انقلابی توده دانشجویی مسلمان را، که در ساهترین روزهای دیکتاتوری رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم فریاد خلق بودند به فرد یا افراد نسبت دادند، گاه طوطی وار زمزمه کردند که دندان بزرگ باید دندان چرخ کند و بالاخره به توطئه کثیفی اعم از پخش اراجیف ساواک و حمله یخانه و کاشانه دست زدند. آنچه در امت ۴۶ آمده در این رابطه است. نه در رابطه با فرد. اما اینکه امت همراه با کدام تشریه فروخته میشود، برداختن به شکل و قالب و چشم پویندن از محتوی میباشد - "امت" محتوایی دارد که در بار زود شکل و قالب متناسب با محتوی خود را خواهد یافت.

اگر - برادران عزیز ج - ب و پهلوی - م شری که با تقدیم به ساهان و مستضعفان سروده‌اید یادآور خاطره بانک "الله اکبر" بلال حبشی بر فراز گل دسته‌های مکه و یا بر فرق اشرف قریش بود - بساد رهایی همه سیاهپوستان و مستضعفان جهان یاد رهایی بلال و ابودر و مقداد و عمار. آری برادران، آفریقا - آسیا - آمریکای لاتین همه با هم بپا خواهند خاست و زمین زیر پای مستکبرین و مترقین و ملا و اغنیای و شیطانیهای کوچک و بزرگ خواهد لرزید که این اراده خداست، زمین و حاکمیت نهائی بر آن تنها از آن مستضعفان است و بس.

تهران - دبیرستان جاویدان، برادر رضا ج - برادر جوان و عزیزامت، نامه‌هایی که نوشته‌امی سخت امیدوار کننده بود چرا که بوضوح نشان میداد تسل جوان و دانش آموز با چه دقت و هوشیاری و تکیه بیانی نکته دانی به امت و با بطور کلی به هر نوشته‌ای میگردد و تشخیص میدهد. "جنش مسلمانان مبارز" در انتخابات گذشته و در انتخابات "مجلس شورای ملی" به اصل محکوم شمردن شیوه نوری تبلیغاتی عرب وفدار ماند و آنچنان که شما هم اشاره کردماید از روشهای غیر اسلامی اسراف و تعدیر و ولخرجی های آنچنانی استفاده نکرد و خود را نیابود. آرزوی من کتم که شیوه های سیاسی اتخاذ شده از طرف جنبش مسلمانان مبارز همیشه بر اساس رهنمود - های مکتب باشد.

بندر انزلی - برادر مختار ج - عکس های گویائی که از رنج و زحمت صیادان، این برادران عزیز و زحمتکش، فرستاده‌ای بدستمان رسید. اینکه برادری دیگر از برادران امم بمان کارگران و دیگر اقشار توده‌های مردم رفته است تا بارنج‌های زندگی آنان از نزدیک آشنا شود، برای ما ارزش فوق العاده‌ای دارد - درود بر تو برادر، مستضعفان را رها مکن. با آنها زندگی کن، با آنها بجوش. از آنها بیاموز و با آنها یاد ده. خدا بار و نگهدار توباد.

بقیه در صفحه ۸

شیراز - برادر عزیز اسداله م . کله کرده‌ای که نامه‌ها و سئوال‌هایی که با ما در میان گذاشته‌ای بدون پاسخ مانده است. و اینکه در مقابل سازمان ها و گروهها سرکجیه گرفته و معلق مانده‌ای. برادر عزیز شما عامل اصلی سرکجیه و معلق ماندن خود را باید قبل از آنکه در عوامل خارجی و بیرونی جستجو نمائید بخود باز گردیدو به جای سئوال های متعدد از این و آن از خود سئوال کنید که تا کنون برای شناخت گروهها و سازمانها چه کرده‌ای، شما در نامه آخر خود ۶ سئوال مطرح ساختهای که برای مثال اولین سئوال چنین است:

۱ - آیا اندیشه سازمان یا جنبش مسلمانان مبارز صد در صد اسلامی است؟
 ۵ سئوال دیگر شما هم از همین مقوله میباشد، خوب برادر عزیز انتظار شما چیست؟ آیا کافیت که بگوئیم بلی چنین میباشد و صد در صد اسلامی است؟ یا بگوئیم خیر چنین نیست و صد در صد اسلامی نیست؟ راستی چه انتظاری دارید؟ آیا برای یافتن پاسخ سئوال خود بهتر نیست دست از ساده اندیشی و سهل انگاری برداشته و از گرفتن پاسخ های بلی و خیر منصرف شده و به جای آن بخود بپردازد و مثلاً "برای یافتن پاسخ سئوال خود قدری زحمت کشیده و به کتابها و بیانیها ها و تحلیلها و انتشارات و حداقل ۴۸ شماره امتی که تا کنون منتشر گردیده مراجعه نمائی؟

برادر عزیز وقتی بخود اصلت دادی و با عزم و اراده قاطع به مطالعه و سررسری برداختی در انصورت به جای طرح چنین سئوال های برای ما رهنمود خواهی داد، انتقاد سازنده خواهی نمود و انگشت خواهی گذاشت بر ننگهایی که احیاناً ما استنباط اسلامی صد در صد اصیلی از آن ارائه ننمودیم این انتظاری است که برادران شما در جنبش مسلمانان مبارز از همه خواهران و برادران خود دارند.

لنگرود - برادر ج - پ - ع مباحث ایدئولوژیک که در شماره های گذشته امت آمده، در آینده نزدیکی چاپ و منتشر خواهد شد امید که با درک صحیح و دقیق از رابطه تئوری و عمل، همیشه در صحنه عمل باشیم تا نظریاتمان غنی شود و همیشه با اندیشه مکتبی مسلح باشیم تا در عمل راهنمایان باشد و ایمان و عمل صالح و تفکر و آگاهی همه با هم با هدف واحد تکامل یابند.

استراز بورگ . فرانسه . برادر احمد ج . برادر عزیز اقتضا شدگان جاسوس خانه آمریکا برای مقابله و روبراوتی با جریان افشاکاری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به نبرک و توطئه نشستند گاه اسلام شناسان و حدیث دانان متبحری از آب درآمدند و گاه اسلام که

نماید. آمریکا به این نتیجه رسیده است که مسئولین امور اجرایی با روحیه سازشکاری و عمدتاً کردن خطر شوری برای سرپوش نهادن بر توطئه های آمریکا، تا زمانی که امام آمریکا را "شیطان بزرگ" میدانند نخواهند توانست به مقاصد خود دست یابند. براین اساس توطئه گران آمریکا اینبار مستقیماً "امام امت را هدف قرار داده و بی شرمانه در مخدوش ساختن خط

تاریخ مستضعفین، مزیت‌های دموکراسی آمریکائی!! را در جنایات جنگی و اقتصادی و سیاسی هولناک آمریکا در ویتنام، فلسطین، لبنان، فلپین، شیلی و... و در هر گوشه‌ای از آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ثبت می‌نماید.

سازش ناپذیر امام به تلاش افتاده‌اند. کارتر جنایتکار سنگوی "شیطان بزرگ" بی شرمانه با خمینی، این مظهر صداقت و شرف و حیثیت مردم از باصلاح مزیت دموکراسی آمریکایی سخن میگویی. و در همان حال تاریخ مستضعفین مزیت های دموکراسی آمریکایی!! را در جنایات جنگی و اقتصادی و سیاسی هولناک آمریکا در ویتنام و فلسطین و لبنان و فلپین و شیلی و... و در هر گوشه‌ای از آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ثبت می‌نماید. کارتر جنایتکار برای امام امت می نویسد که گویا با سیری شدن زمان دلائل جدی برای تردید در باره انگیزه های " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" یافته است. تردید جنایتکاری که دست او تا مرقف به خون شهیدان انقلاب آغشته شده از نوع همان تردیدهایی میباشد که همیشه در مورد انگیزه‌های خلقها داشته‌اند. تردید درباره انگیزه "خلق مسلمان فلسطین برای بازگشت به وطن و خانه و کاشانه خویش. تردید درباره انگیزه خلقی که سالیان دراز قاشیستی - ترین حکومت جهان با ما کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد بر آنها تحمیل شده بود و با بیش از ۶۰ هزار شهید میخواستند چنین رژیم را واژگون سازند. کارتری بی شرمانه از صلح و عدالت برای همه ملل سخن می‌گوید. و دست همزمان با آن بپب های ناپالم و جنگ و مرگ و قحطی به کودکان فلسطینی و لبنانی هدیه می نماید. کارتر با بعضی از مسئولین امور هم صدا شده و انتقال مسئولیت گروگان های جاسوس آمریکایی را به حکومت خواستار گردیده و امام خمینی و توده های مردم بارها و بارها نشان داده‌اند که هرگونه موضع سازشکارانه و غیر انقلابی در مورد جاسوس های آمریکایی را محکوم خواهند ساخت.

کارتر نظام سرمایه داری منحط آمریکایی را با نظام قسط و عدل اسلامی در یک صف و جبهه نهاده و از امام خمینی توطئه گرانه دعوت به همکاری و سازش می نماید. پاسخ امام روشن است و در نظر امام آمریکا شیطان بزرگ میباشد و با شیطان جز مبارزه روبرویی، وقفه ناپذیر و قاطع راهی در پیش نیست.

کارتر با این توطئه در حقیقت به تهدید امام و امت پرداخته و سیاست دوجانبه‌ای در پیش گرفته است. از یکسوی دعوت نامه سازش به امام فرستاده و از سوی دیگر به تهدیدهای نظامی، اقتصادی و سیاسی خود ادامه میدهد. و انقلاب اسلامی ایران در مقابل این توطئه تنها یک پاسخ دارد و آن تداوم انقلاب و رشد مبارزات ضد امپریالیستی بسرکردگی آمریکا با بسیج همه جانبه توده های مردم و قطع همه جانبه کلیه روابط سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی با آمریکا است. ما معتقدیم که جناحهای سازشکار داخلی در تهیه و تدوین نامه به امام خمینی توصیه‌ها و پیشنهادهایی نموده. و طرح نوشتن نامه خصوصی به امام با اطلاع و توصیه دست اندرکاران ایرانی بوده است. و تنها هوشیاری و پیشین و اصالت دادن به توده‌ها از جانب امام بود که چنین نبرک و خدع‌آمیزی را فاش ساخت. سازشکاران گمان میکردند که با لایسه و زاری فردی کارتر در یک نامه خصوصی، امام از مواضع و خطوط سازش ناپذیر خود منحرف خواهد شد. آنها فراموش کرده بودند که سه ماه قبل از انقلاب نبرکی که توسط شاه خائن با عجز و لاپه‌های رادیویی به نمایش گذاشته شد از جانب امام بسا

کاخ سفید سخت به تکاپو افتاده‌اند تا مرزهای اولویت در مبارزه را که از سوی امام خمینی ترسیم شده است درهم‌ریزند زهی خیال باطل که امت و امام هرگز - جنایتهای آمریکا را در فلسطین و لبنان و صحرا و ویتنام و شیلی و در سراسر آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین فراموش نخواهند کرد. هم چنانکه اشغال نظامی افغانستان را توسط ارتش شوری نخواهند پذیرفت. خطر روشن

۵ - توطئه گران آمریکایی چون سک هاری فرزند نامشروع خود را بدندان گرفته و هر زمان به یکی از سر سیردگان و خائنین به خلقها میسپارند که محافظت شود تا از محاکمه شاه که در حقیقت محاکمه امپریالیسم جهانخوار جهانی میباشد جلوگیری نمایند. آمریکا صرف نظر از میلیاردها دلار ثروت به تاراج رفته مردم رنج‌دیده ایران که توسط شاه دزدیده و در بانک های آمریکایی انباشته گردیده و باز گرداندن آن از خواستهای اساسی امام و امت بوده است - محاکمه شاه را، محاکمه آمریکا، محاکمه سیا، محاکمه سرمایه داری جهانخوار و بالاخره محاکمه توطئه گران پیناکون و کاخ سفید میدانند. بنابراین هر روز او را به یکی از سر سیردگان خود می سپارد. و این بارتوب سادات خائن فرا رسیده است. و با تمام نیرو تلاش می‌نماید، تا از سیرده شدن شاه خائن به جمهوری اسلامی ایران و محاکمه آن جلوگیری نماید. آمریکا شاه را از آن جهت به سادات خائن سپرده است، تا اولاً - میزان سر - بردگی سادات و رژیم خائن او را به اربابان آمریکایی نشان دهد. ثانیاً - با سپردن بزرگترین دشمن خلقهای مسلمان عرب و بخصوص خلقهای فلسطین و مصر و لبنان و لیبی و صحرا و دشمن دیرین جمال عبدالناصر به سادات خائن در پی تحقیر و توهین به خلقهای مسلمان جهان و جبهه انقلابی برادران عرب میباشد. ثالثاً - با آوردن شاه به مصر مثلث شوم

۱ - با آگاهی از روحیه سازش و ممانعت و محافظه کاری حاکم بر لبرال های دست اندرکار امور ملکی، جهانخواران آمریکایی تصور کرده‌اند که موضع " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در افشای ماهیت و توطئه های سازشکاران تضعیف شده و در آینده نه چندان دوری سازشکاران بر آنها فایق خواهند آمد.

۲ - وجود نام های آشنای طراحان ملاقات با برزیسکی و طرفداران جدی روابط حسنه!! با آمریکا و بعضی از افشا شدگان در جاسوخانه آمریکا در فهرست انتخاب شدگان قطعی یا احتمالی برای مجلس شورای ملی، طراحان توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران و امام و امت را جدی تر ساخته و امیدهای فراوانی برای آنها بپا آورده است.

۳ - بیام نوروزی امام خمینی هم چنان که مفاصل سازشکار را با تصور و تحلیل غلطی که از آن نموده‌اند بوجد و سرور آورده، سرمایه داران و جهانخواران آمریکایی را هم به تصووهای واداشت که بیام اخیرامان

توطئه گران آمریکا اینبار مستقیماً امام امت را هدف قرار داده و بی‌شرمانه در مخدوش ساختن خط سازش ناپذیر امام به تلاش افتاده‌اند.

۴ - کارتر و سادات و بکین ضلع دیگری از خیانت و جنایت و وطن فروشی و توطئه دیسه در منطقه خواهد یافت. و مصر انقلابی، مصر توده های پرت سعید و مصر کانون جنبش های رهایی بخش خلقها، با کانون توطئه های مشترک امپریالیسم و صهیونیسم و خائنین به خلقها علیه انقلاب اسلامی ایران و همه جنبشهای رهایی بخش - مبدل خواهد شد.

۷ - هم زمان با این توطئه‌ها امپریالیسم آمریکا منطقه خلیج فارس را تهدید به مین گذاری مینماید. هم چنانکه در گذشته گفتیم امروز که امپریالیستها نقاب از چهره گرفته و دست خون آلود خود را در اقدامی نظامی علیه خلق ایران و دیگر خلقهای منطقه بکار اندازند، پاسخ قاطع خلق ما و دیگر خلقها را آنچنان که در ریتنام شنیدند در وحدت و بیکارگی و انقلابی مسلحانه دراز مدت و به آتش کشیده شدن تمام مناطق نفت خیز منطقه خواهند شنید. در چنین شرایطی کارتر سنگوی سرمایه داران جهانخوار و جنگ افروزان توطئه گر بخوسی دریافته است که امام خمینی با هوشیاری و قاطعیت چگونه تا کنون هر گونه سازش و مصالحه و ممانعت با امپریالیسم آمریکا را محکوم نموده و می -

در اولین روزهای بهار آزادی، و در لحظه هایی که توده های مستضعف و خلق رنج‌دیده و شهید پرور بر مزار شهیدان انقلاب اسلامی ایران حاضر میشدند تا خاطره شهیدانی را که برای تحقق جامعه قسط و عدل اسلامی با مسلسلهای آمریکایی رژیم شاهنشاهی به خاک و خون غلطیدند زنده دارند و از عزم و اراده و ایمان آنها الهام گیرند، دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا مشغول جابجایی شاه خائن از این گوشه به آن گوشه مناطق تحت نفوذ و سیطره خود بود. سرمایه داران جهانخوار توطئه گران پیناکون و کاخ سفید که به موقعیت " کمسیون تحقیق درراهیسی جاسوسهای آمریکایی و حل و فصل مسائل و مشکلات!! قلمباین دولت!! از طریق والد‌های دلال امپریالیسم امید منتهی بودند، باموضع قاطع و تحلیل منطقی و " صحیح دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" که مورد تایید کامل و همه جانبه امام و امت قرار گرفت ما بوس شدند و " کمسیون تحقیق" که ما بورت داشت تا در باره جنایات آمریکا و شاه خائن به بررسی و تحقیق بپردازد بیکاره بعلت عدم اجازه ملاقات با جاسوسان آمریکایی کار خود را خاتمه یافته دیدو شکوه و شکایت خود را نزد کارتر و والد‌های و دیگر جنایتکاران برد. بعد از این فعل و انفعالات سازشکاران مرتجع در داخل کشور و کاخ سفید در آمریکا دست از توطئه و خدعه و نبرنگ بر - نداشتند و در تماس های مکرری که با یکدیگر داشتند و بیست‌ها و نوبه های که سازشکاران می نمودند و بدلائل زیر به توطئه های جدید نشستند:

۱ - با آگاهی از روحیه سازش و ممانعت و محافظه کاری حاکم بر لبرال های دست اندرکار امور ملکی، جهانخواران آمریکایی تصور کرده‌اند که موضع " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در افشای ماهیت و توطئه های سازشکاران تضعیف شده و در آینده نه چندان دوری سازشکاران بر آنها فایق خواهند آمد.

۲ - وجود نام های آشنای طراحان ملاقات با برزیسکی و طرفداران جدی روابط حسنه!! با آمریکا و بعضی از افشا شدگان در جاسوخانه آمریکا در فهرست انتخاب شدگان قطعی یا احتمالی برای مجلس شورای ملی، طراحان توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران و امام و امت را جدی تر ساخته و امیدهای فراوانی برای آنها بپا آورده است.

۳ - بیام نوروزی امام خمینی هم چنان که مفاصل سازشکار را با تصور و تحلیل غلطی که از آن نموده‌اند بوجد و سرور آورده، سرمایه داران و جهانخواران آمریکایی را هم به تصووهای واداشت که بیام اخیرامان

عدول از خط روشن " شیطان بزرگ آمریکا است" که " دشمن اصلی آمریکا است" و " هر چه فریاد و تفنگ و مسلسل دارد به روی آمریکا بکشد" بشمار میرود. آنها پیام امام را با پیام های دیپلماتیهای حرفه‌ای مقایسه میکنند و نمیتوانند ببینند که امام آنچه را که با مردم در میان میگذازند در نهایت خلوص و تقوی و دلسوزی و مردم خواهی مطرح میسازند. امام خمینی از سال های دهه ۴۰ تا کنون هر گونه سلطه جویی و نقض حاکمیت خلقها از جانب شرق و غرب را محکوم شمرده‌اند و مردم هم در روزهای خون و انقلاب فریاد "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" را سرداده‌اند. هم چنین امام در تعیین اولویتها بارها و بارها " دشمن اصلی" را و " شیطان بزرگ" را مشخص ساخته‌اند و امروز هم همانست و از میان " دشمنان خلق" شیطان بزرگ و " دشمن اصلی" آمریکای جنایتکار میباشد. " پیام ۱۲ فروردین امام این تصور و خیال باطل سازشکاران را هر چه بیشتر افشا نمود. دقیقاً روشن ساخت که در خط امام خمینی دشمن اصلی و شیطان بزرگ همان امپریالیسم آمریکا میباشد. سازشکاران و سرمایه داران و سردمداران

۴ - آزاد گذاشتن دشمنان مردم اعم از سرمایه داران وابسته، فتودالها، ساواکی- های جنایتکار، امیران وابسته ارتش و مزدوران امریکو رژیم شاه خائن توطئه‌های ضد انقلابی را قوت بیشتری میبخشد، با ضد انقلاب تنها با زبان قاطعیت انقلابی میتوان سخن گفت.

۵ - روحیه انحصار طلبی و خود محوری از سوی هر سازمان و گروه و جریان تا کنون ضربات فراوانی بر انقلاب اسلامی ایران وارد ساخته است. برای مبارزه با امپیر - یالیسم آمریکا و وسایل و مشکلات کنونی باید این روحیه شکسته و وحدت جبهه‌ای همه‌ی نیروهای اسلامی و مردمی جایگزین انحصار طلبی ها گردد.

۶ - سرنوشته گروگانهای جاسوس آمریکایی هم چنانکه امام گفته‌اند باید با نظر نمایندگان واقعی مردم روشن شود و هرگونه جابجائی و انتقال مسئولیت نگهداری آنها از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - به حکومت توطئه‌فانی است برای جلوگیری از تداوم و رشد مبارزات ضد امپریالیستی مردم.

۱ - توطئه های امپریالیسم آمریکا هر روز شدت و وسعت بیشتری خواهد یافت و برای مقابله و روبراوتی با آن وحدت و شکل جبهه‌ای همه نیروهای مردمی حول رهبری امام و خط سازش ناپذیر نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی با اولویت مبارزه با " شیطان بزرگ آمریکا جنایتکار" ضرورت اجتناب ناپذیری بشمار میرود.

۲ - طرح شعارهای رفاهی و تشویق و هدایت رهبری به کم کاری و پایین آوردن سطح تولید در بخش کشاورزی و صنعتی، که عملاً به انحراف از بسیج انقلابی برای روبراوتی با آمریکا و پایکبندیهای داخلی آن منجر میشود، به منایه ضربی است که به نفع آمریکا و به زیان توده های مردم بر انقلاب اسلامی ایران وارد میاید.

۳ - ممانعت با سازشکاران از جانب هر گروه و سازمان در نهایت تنها به سود

لغومالکیت‌های فئودالی، خواست توده‌های دهقانی است

مبارزه مکتبی و انحراف از اصول

برداشتی از خطبه ۵۰ نهج البلاغه

مقدمه

همه آرزو وجودی امام علی (ع) در این است که تجسم عینی و تبلور واقعی مکتب می باشد، تمامی رفتار، عملکرد و موضع گیریهایش براساس مکتب بوده و پیوسته اصول را فراراه خویش در صحنه پرفرقت و آشوب جامعه و در میدان پرشویه مبارزات اجتماعی قرار داده بود. شعاع اثر شخصیت او که از پس قرنهای تغییر و تحول تاکنون و تا همیشه امتداد یافته ناشی از همین ویژگی است. و به همین دلیل کسانی که ادعای مبارزه مکتبی دارند همه بر امام علی (ع) و تبعیت مثنی او تکیه می کنند البته میان هر ادعا و عملی شکافی باندازه خندق اطراف مدینه وجود دارد که باید بر گردد، اما جریان عمل، واقعیت تاریخی و بنش توحیدی و افکار است که پاسخ ادعا را خواهد داد.

حضرت علی (ع) که خود از خدشده دار شدن مبارزه مکتبی رنجها کشید، در خطبه ۵۰ عواملی که شرایط و زمینه را برای تحقق اصول آشفته می سازد و تفرقه و تشتت نیروها را بدنبال می آورد و ضدخلق را دوباره مصمم تر و امیدوارتر در به حاکمیت رسیدن به تلاش و توطئه و امیدارد، برمی شمارد.

بسم الله الرحمن الرحيم، اما بدو وقوع الفتن اهواد تتبع، (منشا و ریشه تشنج و آشوب و فتنه در جامعه، پیروی از هوا و خواهشهای نفس است).

امام علی (ع) به ریشه یابی شرایطی می پردازد که ایهام و ابهام بر اذهان حاکم می گردد، حق و باطل بهم می ریزد و صفوف نیروها تداخل پیدا می کند، مردم از مبارزه سرخورده و مایوس می گردند، روشنفکران دچار بی تفاوتی می شوند و در یک کلام لغزش و انحراف در انسانها و گروهها فراوان دیده می شود (فته به یک تعبیر به شرایط اجتماعی گفته می شود که امکان لغزش و انحراف در آن زیاد است. یا شرایطی که بدلیل فقدان بینش مکتبی انسان را دچار سختی و مشقت خواهد ساخت).

جرمیت، مطلق اندیشی، خودمحوری، ... اینها همه وقتی اصالت پیدا کنند و بیش فرد براساس چنین مقلاتی بگردند، در صحنه بیکار و مبارزه که از پیچیدگی خاص مرحله ای هم برخوردار باشد و هنوز صفوف متمایز و مشخص نگردیده و خوللات اجتماعی نمودهای روشن خود را پیدا نکرده اند، هدف استحاله پیدا می کند، خود و خویشین اصالت می یابند و همه چیز براساس آن تجزیه و تحلیل می شود. در موضع گیریها و در قضاوتها، حق و باطل از این دیدگان سنجیده و ارزیابی می گردد و نیروها و جریانهای که خط فکری خاصی باشند تأیید می گردند. آنچه که تقدیر شده است و مطلق شده است نه واقعیت عینی که برداشتهای ذهنی فردی و گروهی خواهد بود.

هوای نفسی که امام علی (ع) آنرا آغاز ظهور فتنه می داند چیزی جز اصلاتی که به هویت بیش خویش می دهیم و اهداف و مقاصد که قبل از آنکه منافع خلق و توده های مستضعف را در نظر داشته باشد ناشی از دلشور زدن و احساس تعهد برای سربوشتن انقلاب باشد، بر محور حفظ خود و بقا و رشد "خود" می باشد، نیست، تبعیت از هوای نفس در صحنه مبارزات اجتماعی و درجائی که محل محو همه آثار و خصلتهای نظام طاووتی و زدودن ویژگیهای غیر و ضد توحیدی است، چیزی جز برخورد خود بینانه و از سر خودگرائی با قضا یا مسایل نمی تواند باشد، بیش و خصوصیتی که فرد را به عوام زدگی و ظاهر بینی می کشاند.

و احکام مبتدع بخلاف فیها کتاب الله: و احکام و روشهایی ابداع، صادر و اجرا می گردد که با کتاب خدا مخالف و در تضاد است. روشن است که در مبارزه مکتبی، شیوهها و روشها نیز در چارچوب مکتب است که بکار گرفته می شود، و هماهنگی لازم در تمامی مراحل بیان اصول مکتب و شیوهها باید برقرار باشد. هیچ چیز نباید و نمی تواند این تطابق و وحدت را که ضامن تعالی و تکامل انسان است نادیده بگیرد. سنتها، قوانین و احکامی که در واقعیت و هستی جاری هستند و تکامل جامعه بر اساس آنها می گردد، بر ضرورت این وحدت میان اصول، شیوهها و مواضعی که اتخاذ می شود، تأکید می کند، زیرا اگر به رابطه منظم و برنامه ریزی شده در حرکت تکاملی جهان و جامعه معتقد باشیم مشخص می شود که هرگونه تخطی از اصول و مکتب، نه فقط مبارزه و انقلاب را به وقفه و شکست - هر

چند مقطعی - دچار می سازد، بلکه فرد و جریان ایجاد شده را هم به انحراف کشانده، مواضع ضد رشد را غالب می گرداند. در یک مبارزه مکتبی اصول و شیوه های مشخصی تجویز می شوند، مرزبندی هدف و وسیله یعنی آنچه که اصلت دارد و باید در تمامی ابعاد مبارزه و در تمامی موضع گیریها مینا و راهنا قرار گیرد و الگوی عمل باشد، دقیق و روشن بیان شده است، که شناخت و عمل به آنها وظیفه اساسی و مستمر هر رزمنده

اما در تضعیف ابوبکر یا ضدانقلاب هم هدف نشد، و یا حتی در زمان عثمان، کشته شدن او را که مورد خواست یاران خودی نیز بود، موافق نبود، زیرا که معاویه مکار نیز این هدف را دنبال می نمود و اگر به عنوان یک عامل خارجی و یک جبهه خارجی به او نگاه کنیم قصد داشت جبهه درونی را بر اثر این قتل به تفرقه و جدایی بکشد. و می بینیم که خود حضرت با حسن و حسن جلوی خانه عثمان به مقابله و ممانعت می ایستد و جلوی تهاجم

● وقتی ابهام و ایهام بر اذهان حاکم می گردد، حق و باطل بهم می ریزد و صفوف نیروها تداخل پیدا می کند، مردم از مبارزه سرخورده و مایوس می گردند.

حق طلبی است که صراط مستقیم و مشی عمومی خلقت و راه مقدس تکامل و رشد و ترقی را برگزیده است. در این میان هر وسیله و هر شیوه ای اگر در غیر مورد خود استفاده شود و یا اگر روشهای مرسوم و غیر توحیدی و غیر اصولی درکب و دستیابی به هدفهای مرحله ای بکار گرفته شود، اصلتی است که به ناحق به روش یا شیوه ای غیر مکتبی داده شده است.

حضرت علی (ع) می فرماید اگر هوای نفس و ذهنیت خود افراد پیروی گردد و بجای حرکت در خط اصلی، مسایل دیگری اصالت یابد، بدنبال آن احکامی که هماهنگی و تطابق با مکتب ندارد وضع، اتخاذ و عمل خواهد شد، روشها و شیوه های بکار گرفته می شود و برای پیشبرد کارها از وسایلی استفاده خواهد شد که با کتاب الله و با مبارزه مکتبی در تضاد و تعارض قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی دیگر اصول و مکتب نیست که الگو و راهنمای عمل قرار گرفته است، دیگر هدف، شناساندن ایدئولوژی و تحقق آرمانهایی که تکامل جامعه را امکان پذیر می سازد، نمی باشد، و بدیهی است که در این جا دیگر، پیروزی - های نسبی و رشد کمی نیروها و قدرت سیاسی و توان مانور نمی تواند ملک ارزبایی حق و باطل و صحیح بودن عمل قرار گیرد، زیرا عوامل مختلف و انگیزه های متفاوتی می تواند در یک مرحله با هم اشتراک و وحدت پیدا کنند و به هدفی دستیابند، اما آنچه که مهم و اساسی است، جریان حرکت نیروهاست که با ماندن بر مواضع اصولی، جوهر و محتوای مکتب را تحقق بخشد، چرا که این گونه دستیابی به هدف یعنی عدم توجه به انگیزه نیروها در عمل و درگیریهای اجتماعی، و عدم توجه به ظرفیت و توان ذهنی توده ها، ضربه پذیری جامعه و انقلاب را بالا خواهد بود. علی الخصوص که صداقت و تقوی هم کاملا رعایت نشود و رفتار ما با جاذبه های رایج فرهنگ روز توأم گردد. اینجاست که بتدریج احکام و دستورالعملها و برنامه های غیر مکتبی - کتاب الله - ما را بیشتر شگفته می سازد و در گرداب خویش فرو می برد.

طبیعی است که اصول و شیوه های مبارزه در رابطه با شرایط مشخص اجتماعی و مراحل تکاملی جامعه ارزیابی و استفاده می شود و جدا از تجزیه و تحلیل شکل بندی نیروها نمی توان صرفا "در تئوری و ذهنیت، این مسئله را که آیا اصول و مکتب پیاده و عمل شده است یا خیر پاسخ گفت! اما روال تاریخی جریانها، ماهیت و نمودهای مواضعی که اتخاذ می شود و اثرات و بازتاب آنها حقانیت ادعاهای صرف نظر از کیفیت گرائی های ارضا کننده و ذهنیت پردازانه ای متعصبانه، اثبات یا نفی خواهد کرد. ویتولی علیها رجال رجالا" علی غیر دین الله: و گروهی از مردم دیگرانرا بر اصولی خلاف دین و خدا یاری و پیروی می کنند).

مسلم است که وقتی شیوه و حکم و قانونی غیر مکتبی و غیر توحیدی در جامعه مطرح می شود، تمامی نیروها و کسانی که فقط منافع خویش را در نظر دارند، یعنی کلیه گروه بندیها و اقشار در طبقات اجتماعی که مدافع خود و طبقه و تمایلات و خواسته های خویش می باشند و برایشان فرقی نمی کند که چگونه به این خواسته ها برسند، با تشبث به آن شیوهها در تقویت آن جبهه و جناح خواهند کوشید. زندگی امام علی پس از وفات پیغمبر، سراسر بیانگر توجه اش به همین واقعیت است. برخوردهای آن حضرت، روشنگر بسیاری از مسایل است، چنان زمان که حش را غصب نمودند و با پیشنهاد ابوسفیان مواجه شد،

این مسئله را نمی توان با مقوله نمود و ماهیت به سادگی پاسخ گفت! زیرا در تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی نباید دچار ذهنگرائی توحیه گرانه شد و واقعیتها و کنش - واکنش های عینی را با واژه برداری به نحوی انتزاعی شقه و جدا نمود، ضمن اینکه تداخل نیروها و بیمودن مسیرهای مشترک با هدفهای مرحله ای یکسان، بیانگر عدم مرزبندی و جداسازی اصولی نیروها و جریانها متفاوت اجتماعی است. بدین معنی که اگر تضعیف یک جریان، بعضی از نیروهای ضد خلقی را خوش می آید، نمی توان به صرف بیان این مطلب که ما هم از همین کار هدفهای دیگر را دنبال می کنیم، همان موضع را اتخاذ نمود. واقعگرایی و صداقت انقلابی و وفاداری به حق و خلق حکم می کند که نباید جریان مشخص مذکور سکه تضعیفش را ضد خلق خواستار است - ضربه پذیرتر ساخت. با توجه به این نکته که شرایط فرهنگی - اجتماعی مردم به صورتی است که قدرت جایگزین را نه در ما که در جریانهای باطل و انحرافی خواهد جست! (دقت شود!)

قلوان الباطل خلس من مزاج الحق لم یخف علی المرئادین. و لوان الحق خلس من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندین. - پس اگر باطل با حق در هم نمی شد راه حق بر خواهان آن پوشیده نمی گردید. و اگر حق در میان باطل پنهان نمی بود، دشمنان نمی توانستند از آن بیدگویی کنند.

در اینجا حضرت علی به دو نتیجه حاصل از آن شیوه و حکمی که ابداع و اجرا می شود، می پردازد. اول آنکه دوستان جبهه، خلق، آنان که بریده از خصلتهای طبقاتی برای رشد و ترقی جامعه و نیروهای بولد و مستضعف آن حاضر به هرگونه ابتزاز و فدکاری هستند در اثر شرایط تازه که حاصل از عملکرد ذکر شده مواضع انحرافی می باشد، دچار سردرگمی توهم و شک و شبهه و تردید می شوند. زیرا همانطور که گذشت، بخصوص در شرایطی که جامعه در روند تاریخی اش و عبور از مراحل از مبارزه و پیروزی بر موانعی از راه کمال، وارد دوران جدیدی از تحولات اجتماعی و مناسبات تولیدی می گردد، روابط تازه و مناسبات در حال تکوین و شکل گیری از وضوح و روشنی همفهم برخوردار نیست. بیچندگی های الزامی شرایط اجتماعی، برخوردهای اشتباه گروهها و عناصر موثر در جامعه می تواند بر این ابهام و درک صحیح شرایط بیفزاید. شرایطی که نمی توان آنرا به حساب عدم رسیدگی و عدم فراهم شرایط عینی گذاشت.

اگر انتظار داشته باشیم که ضرورتهای اجتماعی به منایه وجدان عمومی در آید و مستضعفین به درک و بسج حول شعار سبئی بر آن ضرورت بپردازند، می باید که آن بدیده و آن ضرورت که بهرحال مناسبات اجتماعی و روابط اقتصادی -

● در مبارزه مکتبی، شیوهها و روشها نیز در چارچوب مکتب است که بکار گرفته میشود و هماهنگی لازم در تمامی مراحل بیان اصول مکتب و شیوهها باید برقرار باشد

سیاسی - فرهنگی جامعه می باشد، با عملکردها و موضع گیریهای ما دچار خدشه نگردد. زیرا ضرورتها، واقعیتهای عینی جامعه و نیروهای موثر در پیدایش آن هستند، هر نوع انحراف و اشتباه در موضع گیریها، آن ضرورت را به شکل ویژه ای، نمود می دهد. و مسلم است که حق طلبان - مرئادین - آنان که بازتاب واقعیت و شرایط اجتماعی را به صادقانه ترین شکل باور می کنند، در صورت بکارگیری شیوه و تاکتیک اشتباه و باطل - حکم و موضعی که اصولی نبوده و با مکتب هماهنگی نداشته باشد - بطور مقطعی و به دلیللی که گذشت، دچار توهم تزویرک شده، بر ابهام و تردید بر ذهن و عملشان سایه خواهد افکند. زیرا نکته مهم و اساسی اینجاست که جریان و نیروی مشخصی که برخوردار از جنبه های منعددی از موضع گیریهای صحیح می باشد، و به گفته امام علی می خواهد بر مزاج حق و جوهر اصیل حقیقت تام بزند، و خود را در جریان مبارزات دشوار اجتماعی نشان داده است، اینک اگر به شیوه های غیر اصولی متوسل شود، مسئله پیچیده و مشکل می شود. مکتب، اصول و حقیقت - مزاج حق - باید از شائبه های آلودگی و انحراف و تداخل با شیوهها و روشهای باطل و اشتباه زدوده شود، همه آرزو و تقدس حق نیز به خاطر همین خلوص و پاک و آزاد بودنش از همه قیود و وابستگیهای ضد رشد است. از همین دیدگاه است که در قرآن، دین را به تمامی برای خدا، خالص و ناب می خواهد. مخلصین نه الدین و لوکره المشرکون.

نکته دیگری که امام در این جملاات بیان می کند و شاید پاسخ بسیاری از



توضیح: این تصویر نمادین است که در متن به آن اشاره شده است.

مسایلی باشد که جامعه ما دچار آن است، رابطهای است که عناصر سوء استفاده چی و فرصت طلب در اثر موضع گیریها و اشتباهات نیروهای مبارز با مردم و جریانهای حق طلب برقرار می سازند. واقعیتی که انکارناپذیر است، عکس العمل نیروهای میرنده و وایسگرا و حربانات معتقد، نوعی استعمار و وجود طبقات، در مقابل نیروهای ضد ظلم و صداقتناق می باشد. از آنجا که نیروهای توحیدی ضد ظلم و ضد استعمار وجودشان غیر قابل تحمل است و منافع طبقه حاکم و سلطه طلب را به خطر می اندازند، و آزادبودنشان منجر به خطر آنها و بسج توده ها حول محور آنها می گردد، بهرینحو و بهر وسیله که ممکن باشد، با توطئه و با مکر و فریب توده ها، با جوب و حماقت و در شکل های شدیدتر همچون دولتتها و رژیم های ضد خلقی با شکنجه و اعدام و کشتار، آنها را در محاصره و انزوا و فشار قرار می دهند. و مسلم است که هیچوقت هم از آن نسنسته، خودشان انگیزه سرکوب ایجاد می کنند و یا به اقدامات ضد انگیزه ای در جامعه می پردازند. اما اگر قصد نیروهای مبارز سیاسی، رشد آگاهانه توده ها و بسج معقولانه - و البته نه سالمات آمیز - خلق باشد و جامعه را صحنه درگیریهای قدرت - طلبی و مانورهای مبتنی بر کسب نیروها ن سازند و از مبارزه برداشتی ماجراجویی - طلبانه نداشته باشند، نتیجه سرکوبها و اختناقها، اعمال فشارها و توطئهها به نفع خلق و در جهت رشد مبارزه و دستیابی به هدفهای تکاملی تمام می شود. چرا که بازتاب تمامی شیوه های مکرآمیز به خود باطل بر می گردد.

اما در غیر این صورت، آشوب و هرج و مرج است که حاکم می شود، تشنجات و عکس العملهای غیر اصولی است که بر اذهان جیره می گردد، عواطف و احساسهای کور به عمل می کشاند و طبیعی است که بر فتنه ویلوا بیفزاید و شرایط برای سوء استفاده ضد انقلاب و ضد خلق و دول امپریالیستی فراهم گردد.

مسلم است که همان گونه که استراتژی - های طرح ریزی شده به قصد نابودی ضد انقلاب اگر که تمامی شرایط سیاسی - اقتصادی، فرهنگی، نظامی جامعه را در ارزیابی تکنجاند و همه قوانین مبارزه را در نظر بگیرد نمی تواند در ارتباط با توده به هدف نزدیک شود. در مقابل با انحراف و هرگونه جریانی هم که در مقابل خلق، اصول، مکتب و خدا قرار می گیرد، اگر آگاهانه و دقیق و بدور از هرگونه شرک تزویرک و انحراف در عمل و اشتباه در موضع گیری برخورد نشود، از آنجا که جریان حق طلب، خودش جای ضربه پذیری را باز گذاشته است، انگیزه سرکوب با پوششی عوامفریبانه را بیشتر فراهم می سازد. به همین دلیل است که نباید خودمان انگیزه و وسیله سرکوب را به دست دشمن بدهیم. عدم توجه به نقاط ضعف و تاکید و اصرار بر آنها دشمن را مجهزتر می سازد و بی آنکه مردم و نیروهای مستضعف و مولد - به معنای واقعی آگاه، بسج و متشکل شده باشند، با تکیه بر ضربه پذیری ما در انزوای ما خواهد کوشید. و دست و زبان او را برای خرده گیری به عوام فریبی و سرکوفت زدن - نه آنکه از وجود آنها در مبارزه ترس داشته باشیم - باز خواهد گذاشت.

و لکن بوخذ من هذا ضفت ومن هذا ضفت فیمیزان: ولیکن چون قسمتی از حق و قسمتی از باطل فرا گرفته و درهم می گردد. اما جای بسج است تا صف است که با هرگز نمی تواند از گذر شیوهها و روشهای غیر توحیدی و غیراصیل، سالم عبور داد و بر این اساس است که شرایط اصالت پیدا می کند و خط مثنی ها منائر از جو سیاسی - فرهنگی غالب بر جامعه می گردد. و اصول و مکتب تحت عنوان رابطه استراتژی و تاکتیک در انطباق با شرایط توحیه شرعی - عقلی! می شود. و بدین سان پاره احکام باطل وارد برنامه و عمل و رفتار آدمها و گروهها می شود. و طبیعی است که حضرت علی هم که خود جز بر اساس مکتب راه نرفت و سخن گفت و مشیر نزد و جز برای اصول مقدس اسلام صبر نکرد و بدنبال حکومت نرفت اینسان از تزلزل نیروها میان حق و باطل و اصالت دادن به هویتهای غیر توحیدی و استفاده از روشهای رایج غیر انقلابی اظهار تأسف کند.

فهنالک بسطولی الشیطان علی اولیائه - پس آنگاه شیطان بر دوستان خود تسلط پیدا می کند. و بدنبال وقوع چنین رفتاری و حاکمیت چنین جو و شرایطی است که زمینه برای ضد خلق و ضد انقلابیون فراهم می گردد تا حوادث را بسود خویش بگردانند، تفرقهها را تشدید کنند، به بی تفاوتی و بی تعهدیها دامن زنند، و یاس و

آیا بر تحولات اجتماعی

بقیه از صفحه ۱

ضد وی یدنبال دارد که نه شما و نه از او آن اطلاع ندارید. این نتایج حتی و اجتنابناپذیراند. به عبارت دیگر برطبق نظم و رابطه ثابتی که بین پدیدهها و بر فعالیت درونی هر پدیده حاکم است، نتایج و آثار مشخص و معین قابل پیشبینی است. بطورمثال یکی از این حتمیتها اینستکه در نبرد و درگیری بین دو عنصر حق و باطل (فرض بر اینستکه که معانی و معیارهای حق و باطل مشخص است) حق رشد می‌کند و باطل ضعیف می‌گردد. بدیهی است که صف و قوت را نه در کمیت صرف که در قدرت بقا و سازگاری می‌جوئیم که خود به خود افزایش در حد کیفیت بالا می‌رود.

براساس این حتمیت یا رابطه ثابت بین دو پدیده خداوند به مؤمنان اطمینان می‌دهد. آثار از سنت لایتنر خویش در تاریخ ۱۹۵۰ می‌سازد که برطبق دشمنی‌های مستقیم و مستمران با شما و هرگزندی شما وارد آورند بطور قطع خود بیشتر از شما زیان می‌بینند و اصولاً آثار منفی اقدامات آنان جز به خودشان بر نمی‌گردد. شما هرگز از آزار و توطئه دشمن ضرر نمی‌کنید (ضرر در معیار رشد و تکامل و بقا) در حالیکه در مورد اقدامات و اعمال شما این قاعده معتبر نیست. یعنی اقدامات شما در راه حق به نفع دشمن تمام نمی‌شود. مبارزه شما علیه باطل به نفع آن نیست در صورتیکه اقدامات باطل علیه حق به زیان خودشان تمام می‌شود. "استگبار" فی‌الارض و مکرالسی و لایحق‌المکرالسی الا باهله" فاطر آیه ۴۳ - مستحکم در زمین برتری می‌جویند، سرکشی می‌کنند و خدعه و نیرنگ‌های پلید بکار می‌برند. لکن بدانید که این توطئه‌های زشت و پلید جز به زیان خودشان نخواهد بود.

در این‌جا خداوند از وجود یک رابطه ثابت بین دو پدیده سخن می‌گوید. رابطه‌ای که بر ما مکتوف نیست اما واقعیت دارد. واقعیتی مستقل از ذهن یعنی فرق نمی‌کند که بدانیم یا ندانیم. در هر حال اقدامات مستحکم علیه مؤمنان به زیان آنان تمام می‌شود - حال اگر مؤمنان از این واقعیت بی‌اطلاع باشند در مواجهه با آن توطئه‌ها و مشاهده قدرت دشمن ممکن است دچار دل‌سردی و یأس گردند. ولی اگر از این قانونمندی آگاهی یابند و مطمئن شوند که مگر و فریب و خونت و ستیز دشمن به زیان اوست با دلگرمی و امید

● خداوند توده‌های محروم و بپاخاسته را با ارجاج به سنت‌های الهی در تاریخ امید و نوید می‌بخشد.

● آن نبات و یکنواختی که در پدیده‌های بیجان مشاهده می‌کنیم، در پدیده‌های زنده مشهود نیست و در بین موجودات زنده نیز درجه تغییرپذیری و تنوع از نوعی دیگر فرق میکند.

بیشتری به مبارزه و مقاومت ادامه می‌دهند. پس نباید تصور شود که خداوند تنها می‌خواهد به مؤمنان دلخوشی بدهد. بلکه آگاهی از یک واقعیت می‌دهد - این نیست که بگوییم خداوند در آن لحظه برای امیدوار کردن مؤمنان تصمیم می‌گیرد - مگر حیل و دهنش را به زیان خودش تبدیل کند و از این تصمیم، مؤمنان را مطلع می‌سازد و لذا ممکن است در موارد دیگری چنین نباشد. یعنی این تصمیم منفردی است که خداوند اتخاذ می‌کند و ارتباطی به ماهیت عمل دشمن و خواص ذاتی آن ندارد. به دیگر سخن این نتیجه یک امر عارض است که از خارج وارد شده و ربطی به رابطه و تاثیر متقابل بین عمل حق و باطل ندارد - اگر چنین بود و آثار و نتایج قابل پیش - بینی همه بطور منفرد و از خارج (توسط خداوند) عارض بر سرنوشت پدیده‌ها می‌گشت، بدیهی است نباید صحبت از وجود سنت و قانون حتمی و تغییرناپذیر در تاریخ بکنیم. در مورد وقوع مجدد جنگ بین ایران و روم و نتیجه حاصله هم آیه مزبور بیانگر خبری نیست مگر تصمیم آنی و استثنائی خدا بر اینکه بین این دو ابرقدرت یکبار دیگر نوازی شعله‌ور سازد و فرجامش را به زیان ایران و به نفع رومی‌ها تمام کند - خداوند از شکست رومی‌ها در جنگ اول ناراحت است - می‌خواهد آنرا جبران کند - این دو را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد - یعنی نزاع مجدد ربطی به وضعیت دو طرف ندارد - زمینه‌های چنین برخوردی ممکن است اصلاً وجود نداشته باشد و تمایلی در هیچ‌کس برای مخاصمه یافتن و حتی نقاط قوت ایرانی‌ها از لحاظ

پدیده‌های غیرانسانی صحبت شد. آن نبات و یکنواختی که در پدیده‌های بیجان مشاهده می‌کنیم در پدیده‌های زنده مشهود نیست و در بین موجودات زنده نیز درجه تغییرپذیری و تنوع از نوعی به نوع دیگر فرق می‌کند. درجه تغییرپذیری پدیده‌ها و موجودات به درجه آزادی آنان مربوط است.

ادامه دارد

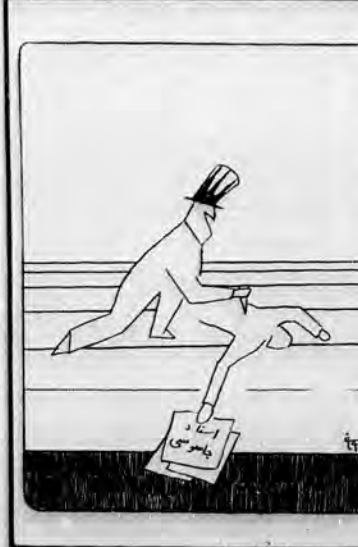
مبارزه مکتبی و انحراف از اصول

بقیه از صفحه ۶

بدیهی را رواج دهند و بدنبال بهم خوردن وحدت خلق و از بین رفتن فرهنگ انقلابی تعاون و همکاری و ایثار، فرهنگ ابتدال را رشد دهند و دوباره برصفت جبهه حق، بساط خویش را استوار سازند. و شیطان چیست مگر نظام مبتنی بر استثمار توده‌های مستضعف، جز ظلم و ستم و تعدی و برقراری نظام طبقاتی، جز انحطاط و سقوط اخلاقی انسانها، جز بندگی و وابستگی ملتها؟ و بدین صورت جریان تکامل انسان و جامعه - اگر به تکامل صرف ابزار معتقد نباشیم - دچار وقفه می‌گردد و دستاوردهایی که با خون و شکنجه و شهادت و زجر بدست آمده است، به هز خواهد رفت. و دیگر وجدان و مسئولیت، غیرت و انسانیت از درون جامعه و از عینیت، به درون شعرها و قصه‌ها، آنهم بشکلی سمبولیک خواهد رفت.

و ینحو الذین سبقت لهم من الله الحسنى. - و کسانی که از خدا جز حسن و نیکی بی‌انتظاری نداشته و بر آن عمل کرده‌اند نجات می‌یابند. اما از آنجا که حق و حقیقت (اصول و مکتب) جریانهای عینی و واقعی در جهان خارج هستند و تجلی ذات مطلق الله می‌باشند که مستقل از اراده و شعور انسان - لیکن نه بی‌ارتباط با او - ماهیت و نمود خود را هر چند محدود و اندک و در هر شرایطی نشان می‌دهند، بنابراین همیشه هستند کسانی، نیروها و جریانهای حقگرا که علی‌رغم همه آشفتگی‌ها و شرایط خفانی و ناساعد و حاکمیت ظلم و ستم و استبداد و ناگاهی، خود را به نحوی حفظ کنند و بکوشند تا برکنار از هر نوع آلودگی و انحراف و در جهت نابودی نظام ضدانگامی - ضدتوحیدی - ضدانقلابی - سر بلند و سرفراز به مبارزه بی‌امان خود ادامه دهند. آنان که به هیچ چیز جز الله، جز حق و حقیقت، جز اصول توحیدی و انقلابی مکتب اصالت نمی‌دهند، نه سر به طاعت دیگران می‌نهند و نه هويت خویش را مطلق می‌کنند، راه نجات، راه رهایی و آزادی را آموختند و تعدد را بیکره برای خدا و قانونمندیهای حاکم بر وجود می‌خواهند. اینان نه یک شبه مبارز شده‌اند و نه برای حفظ منافع جبهه انقلاب پیوسته‌اند و نه به امید چمداشت مقام و ریاست سختی کشیده‌اند. بلکه عمل، مبارزه و جهاد را در سخت‌ترین شرایط به مطلوب‌ترین شکل ممکن برای حاکمیت خلق و وراثت مستضعفین بر سرنوشت خویش خواسته‌اند و اجرای احکام توحیدی را آرزو داشته‌اند، و در موضع گیریه و عملگردها جز صحیح‌ترین و اصولی‌ترین شیوه و نیکوترین روش ممکن (حسن) انگیزه‌های نداشته و ندارند. و بی‌جوادین سبقت لهم من الله الحسنى.

تذکر: این برداشت را می‌توان در رابطه با برنامه طرحی که برای ادامه انقلاب پس از پیروزی دنبال می‌شد، نیز در نظر گرفت.



سیری در اندیشه‌های اقتصادی

"پیشگامان لیبرالیسم اقتصادی" اقتصاددانان مکتب لیبرالیسم کلاسیک را به ترتیب زمانی مورد بررسی قرار می‌دهیم. قبل از اسمیت بنیانگذار اصلی این مکتب، گروهی پیشتاز وجود داشتند. در زیر به بررسی افکار این پیشتازان نا ظهور آدام اسمیت، می‌پردازیم:

اقتصاددانان پیش از اسمیت: همه اقتصاد در فاصله میان یقی و آدام اسمیت راه درازی را پیمود. دوره سالهای ۱۶۹۱ تا ۱۷۵۲، از وجود متفکران اصیل بهره‌مند بود و شناخت این دوره برای درک تکوین تدریجی لیبرالیسم بیشتر اهمیت را دارد. ما در این نوشته فقط می‌توانیم دانشمندان و نویسندگان برجسته انگشت - شاری را بررسی کنیم که مبنای اقتصاد کلاسیک را در انگلستان پی‌ریزی کردند. برخی از اندیشه‌های آنان از جهت اینکه به مسئله‌های عصر حاضر - از جمله مسائل اقتصاد ایران - مربوط می‌شوند برای ما جالب هستند. "قیلا" توضیح دادیم که در نیمه اول

● در نتیجه پیدایش رابطه‌های پولی و کالایی در زندگی مردم و متمایز شدن دو طبقه اصلی جامعه، مقوله‌های عینی اقتصاد مانند سرمایه، سود، بهره، دستمزد و... به وضوح مشخص شدند.

قرن ۱۸ بریتانیا وارد عصر جدیدی شد. بورژوازی به بیش می‌تازید و روز بروز به شماره سوادگران صنعتی افزوده می‌شد. استادکاران متحول، تاجران و کشتکارانی که در مستعمرها تروتی بهم زده و آنرا با خود به انگلستان آورده بودند به این گروه ملحق می‌شوند. سوداگران ابتدا به عنوان سلف‌خر و عرضه کننده مواد خام به کارگاههای روستایی رخنه می‌کردند و آنگاه شروع به تاسیس فروشگاههای کاردستی و کارخانه‌ها می‌کردند.

در نتیجه پیدایش رابطه‌های پولی و کالایی در زندگی مردم و اهویت یافتن نقش سرمایه، و متمایز شدن دو طبقه اصلی جامعه، مقوله‌های عینی اقتصاد مانند سرمایه، سود، بهره، بهره مالکانه و دستمزد به وضوح مشخص شدند. حالا اقتصاددانان می‌توانستند به مشاهده و تحلیل علمی این پدیده‌ها بپردازند.

جوانه‌های لیبرالیسم: "دانیل دوفو" و "رابینسون کروزو":

رابینسون کروزو قهرمان داستانی است که توسط دوفو در سال ۱۷۱۹ درلندن منتشر شد. این کتاب از سوئی بعنوان شاهکار داستانهایی ماجراجویانه شناخته شد و از سوی دیگر تفسیرهای فلسفی و سیاسی اقتصادی از این کتاب بدست آمد.

وضع رابینسون صرفاً آفریده ذهن نویسنده است. رابینسون سمبول یک فرد (و یا گروهی است) که زندگی خود را خارج از جامعه گذرانده و قهرمانانه بار مشکلات اقتصادی و... را بر دوش می‌کشد. می‌توان گفت که این داستان الگویی اقتصادی است که مناسبات اجتماعی را حذف کرده و فقط روابط میان فرد و طبیعت را در نظر می‌گیرد. علم اقتصاد سرمایه - داری با چنین وضعیتهایی میانه خوبی دارد و شاید بتوان گفت اقتصاددانان سرمایه‌داری در حال حاضر بیشتر از گذشته به این وضع توجه نشان می‌دهند.

این انسان فرضی که در داستان تصویر شده "انسان طبیعی" نامیده می‌شود، انسانی که وضعیت او فقط و فقط در رابطه با خودش (ذهنیت خودش) و طبیعت قابل تصور است و مناسبات اقتصادی - اجتماعی در تعیین وضعیت او نقشی ندارند. اقتصاد کلاسیک (لیبرالیسم اقتصادی) بر مبنای اندیشه "انسان طبیعی" استوار بود. این اندیشه اعتراضی بود علیه "صنعتی بودن" جامعه زمیندار که انسان را گرفتار همه‌گونه رابطه‌ها و قیدوبندهای تحمیلی می‌ساخت. این اقتصاددانان که می‌کوشیدند تا رفتار چنین فردی را در جامعه جدید تبیین کنند به "قانون طبیعی" استناد می‌جستند و توجه خود را به جای آنکه به تکامل واقعی جامعه و تغییر مناسبات آن معطوف کنند، به رفتار فرد جدا از حرکت جامعه معطوف می‌نمودند.

از اینرو داستان رابینسون کروزو، نشانگر کوششی است از سوی این نویسندگان در جهت بررسی قانونهای تولید در الگویی انتزاعی که عامل اصلی یعنی جامعه را حذف می‌کند و مبتنی بر اصالت فرد است، حال آنکه تولید ضرورتاً خصلت اجتماعی دارد

بقیه در صفحه ۵

پی ریزی ارتش نوین اسلامی یا بازسازی ارتش وابسته

بخش از صفحه ۱

درجات بالا، اطاعت محض از مافوق بود.

۴ - ترویج فرهنگ مصرفی سرمایه داری و زدودن ارزشهای اصیل اسلامی.

۵ - وانمود کردن مقاصد استعمار و امپریالیسم در ایران و منطقه بعنوان مصالح عالی کشور.

۶ - وابسته کردن ارتش (و کور) با امپریالیسم آمریکا از طریق خرید اسلحه و تجهیزات نظامی از آمریکا و متحدین آن.

وضعیت ارتش بعد از انقلاب تاکنون: بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران، انتظار می رفت که ارتش شاهنشاهی پاکسازی شده و زنگهای فساد آن از بین برود و ارتشی مکتبی - سیاسی بنا نهاده شود. دولت موقت انقلاب، اساساً در این مورد سهل انگاری می نمود، تا اینکه اخیراً تحت فشار افکار عمومی، هفت حاکم مجبور شد دست به پاکسازی نسبی در درون ارتش بزند. این کار متأسفانه بدون فراهم کردن مقدمات کافی و بدون دوراندیشی و بینش مکتبی در دست اجرا است. پاکسازی ارتش که زیر نظر یک خط انحرافی متشکل از بعضی مهره های سرسپرده ارتش شاهنشاهی و افراد غیر مکتبی دیگر صورت می گیرد، جدا از خط اصیل انقلاب و امام بوده و در نتیجه توانایی برآوردن خواسته های انقلابی و تحقق شعارهایی را که در طول انقلاب برای ارتش و ارتشیان مطرح بود، ندارد. این پاکسازان، بوضوح حفظ دستاوردهای انقلاب در ارتش، با صدور بخشنامه های اختیاتی آمیز، مانع گسترش و تقویت انقلاب در درون ارتش شده اند.

بطوریکه، در طول یکسال که از حاکمیت گروه های ظاهراً "اسلامی" سرنوشت بر مقدرات ارتش می گذرد، تمامی ارتشیان به تجربه و با مشاهده واقعیت های عینی دریافتند که اقداماتی که توسط این افراد و بمنظور "بازسازی ارتش صورت می گیرد، در حقیقت مسلط کردن همان معیارها و ارزشهای طاغوتی بر ارتش است. ارتشیان تلخ و معتقد به انقلاب، این واقعیت های تلخ و دردآور را مشاهده می کنند و از اینکه شورای انقلاب در زمینه ارتش و مسائل آن ممانعت بخرج می دهد و خط انقلاب و امام را دنبال نمی کند، رنج می برند.

ارتشیان مسئول و متعهد می بینند که انتصاب مرفی شای ولیعهد با تمام سرسپردگی و وابستگی شای به نظام طاغوت در شغل حساس و نقش آفرین فرماندهی لجستیک نیروی زمینی، از طرف کمیته انتصابات ستاد ارتش که خود را نماینده ویژه امام هم می داند، توجیه و تائید می شود.

ارتشیان شرافتمند می دیدند که اگر چه گروه هایی از فرماندهان ارتش (جناح افراطی) اعدام یا زندانی شده اند، ولی جناح های ميانه رو که از لحاظ عینی فرقی با جناح اول ندارند بر سر کار آمده و با زست های لیبرال مابانه سعی در بازگرداندن همان نظام طاغوتی به ارتش دارند. در حقیقت امپریالیسم آمریکا بعلت اوج گیری مبارزات یکپارچه مردم، با عقب نشینی تاکتیکی خود، از بهم ریختن کامل نظام ارتشی که ۲۵ سال آنرا ساخته و پرداخته بود، از نابودی کامل سرسپردگان خود در این نظام جلوگیری کرد.

پرسنل انقلابی ارتش شاهدند که این بازمانده های رژیم سابق چگونه با عوامفریبی و تظاهر به اسلام، لباس تطهیر بر قامت خود می پوشند و پست های حساس را در ارتش اشغال می کنند. بعضی از اینان بخاطر اینکه در رژیم سابق چند ماهی هم به اصطلاح زندان رفته اند، اکنون با انقلابی نمایی، ادعای رهبری و نجات اسلام و مسلمانان نیز دارند. افسران، همافران و درجه داران پرشور که سالها در زیر چنگان مخوف ضد - اطلاعات، مبارزه کرده اند، اینک احساس می کنند که زیر پوشش عناوین مختلف، دوایر، ادارات و تیم هایی در ارتش در حال تشکیل جهت برقراری باصطلاح نظم و تثبیت نظام ارتش می باشند. حال باید پرسید - کدام نظم را می خواهید برقرار و

نهضت اسلام می پوست بالقوه سرباز مجاهدی می شد که در هر فرصت آماده بود برای مبارزه با دشمن و دفاع از قلمرو توحید سلاح برگزید و میدان رزم بشناخت. در رابطه با مناسبات درونی ارتش اسلامی باید گفت که ملاک تعیین فرمانده نزد پیامبر در وهله اول شایستگی و صلاحیت اخلاقی و نظامی بود. فرمانده موظف بود که در انتخاب ناکنک های مناسب برای انجام مأموریت خود با افراد گروه مشورت کند و از رای و نظر همه استفاده نماید. او این رو در عین حال که فرمانده صلاحیت بیشتری برای اجرای مأموریت دارد، بی نیاز از اندیشه و نظرو ابتکار افراد خود نیست و حاکمیت مطلق پیدا نمی کند.

در ارتشهای ضدخلفی، سعی مسئولان

● امپریالیسم آمریکا، آگاهانه با عقب نشینی تاکتیکی خود از بهم ریختن کامل نظام ارتشی که ۲۵ سال آنرا ساخته و پرداخته بود و از نابودی کامل سرسپردگان خود در این نظام جلوگیری کرد.

● ملاک تعیین فرمانده نزد پیامبر در وهله اول شایستگی و صلاحیت اخلاقی و نظامی بود.

بوجود آورند و خود حافظ آن باشند؟ با اینهمه نشانه ها و دلایل یازری که بر ایجاب بدبینی و بی اعتمادی نسبت به روند سازماندهی ارتش در جمهوری اسلامی وجود داشت، در تمام این مدت پرسنل انقلابی، بخاطر حفظ وحدت و جلوگیری از نفوذ و سوء استفاده ضدانقلاب در منزلت ساختن پایه های انقلاب آرامش نسبی خود را حفظ نمودند تا ناآرامیها و جنگا فروزیهای توطئه آمیز در گوشه و کنار مملکت مرتفع شود و فرصت مناسبی برای طرح انتقادات و اعتراضات خود در جهت بازسازی واقعی ارتش بر طبق موازین الهی پیدا نمایند. نتیجه سکوت انقلابیون ارتش آن شد که نهادهای استبدادی و مناسبات استعماری ارتش تحکیم و تثبیت شود، که یکی از آنها دستوری بود که از سوی رئیس ستاد ارتش در مورد لغو کلیه شورا های برخاسته از متن انقلاب در ارتش صادر شد.

ارتش اسلامی چگونه باید باشد؟ برخلاف آنچه که در مورد منشاء و تشکیل ارتش ایران دیدیم، اولین ارتش اسلامی بوسیله باران انقلابی پیامبر در ضمن مبارزه با شرک و کفر و برای برقراری نظام توحیدی بنا نهاده شد: هر کس به

تعریف، آیا در ارتش "جمهوری اسلامی"، سربازان و زیردستان حق دارند در صورت عدم شناخت و آگاهی کامل نسبت به انگیزه های تشنجات در سرکوب شرکت کنند؟ یا اینکه بر حسب آیه لانتف مالیس لک به علم (اطاعت مکن هر آنچه را که بدان آگاهی نداری) باید خود را از قیود اختیاتی آمیزی که بتدریج بر ارتش ظاهر شد، اسلامی حاکم می شود، رها سازند؟! خوشبختانه با افشا شدن جناح های سازشکار در درون هیئت حاکمه و ارتش، زمینه جهت تفکری نوین در وضع ارتش و مناسبات درونی آن فراهم شده است. اکنون خلق ایران می داند که اگر این جریان انحرافی سازشکار و فرصت طلب در درون هیئت حاکمه و ارتش ادامه یابد، روند اصیل انقلاب اسلامی بدست همین ساستمداران سازشکار و فرماندهان ارتشی فرصت طلب به محاق انحراف خواهد افتاد.

سرعت پیروزی انقلاب باعث شد که ارتش اسلامی خلق تشکیل نشود و فقط هسته های مسلح بطور پراکنده بلافاصله بعد از پیروزی بوجود آیند، هسته هایی که بعلت کیفیت پائین نمی توانند جایگزین "ارتش" شوند. انقلاب اسلامی ما آنقدر طول نکشید تا هسته های مقاومت مسلحانه و سازمانهای مسلح پیشناز یک ارتش انقلابی بر دمی تکامل یابند.

هدف نهایی در چهارچوب نظامی اسلامی آنست که ارتش اساساً در حالت یک ارتش وابسته خارج شود و یا توجه به شرایط عصر حاضر و ضرورتها، بصورت نوینی پی ریزی و بنیان نهاده شود. از همین رابطه است که تعبیر مقررات و مناسبات استبدادی و ضد مردمی و ضد اسلامی موجود، ضرورت فوری دارد. از بین بردن تبعیضها و بها دادن به صلاحیت و شایستگی و تقوی بجای معیارهای طاغوتی و ارزشهای انسانی مانند آزادی و حق تعیین سرنوشت و احترام به حیثیت افراد بجای اعمال زور و کاربرد شیوه های استبدادی باید در دستور فردی کار پی ریزی ارتش نوین قرار گیرد.

بنظر ما، بمنظور قطع سریع روال کنونی حاکم بر ارتش - که روالی غیر اسلامیست، جهت تجدید نظر کلی و اساسی در امر بازسازی ارتش با یک دعوت عام از کلیه صاحب نظران اصیل انقلابی جامعه، اعم از ارتشی و غیر ارتشی که مورد تائید و تعیین کلیه احزاب و گورهای مختلف سیاسی جامعه بوده باشند، سمیناری ده روزه در وزارت دفاع ملی تشکیل و طرحی تهیه شود و پس از بررسی و تصویب آن در سمینار، از طریق وزارت دفاع ملی، جهت بررسی و تصویب نهایی بشورای انقلاب و با مجلس شورای ملی تسلیم گردد.

مردم و ما

اندیشه - زبان ظلم - مبارزه - محبت بهر شکل در راه حق کار کند، نتایج نیکی عمل خود را می بیند - پس اگر کسی از کار کردن عاجز بود یا درآمد اضافی نداشت - راه خدمت و تکامل و کسب ارزشهای معنوی بر او بسته نشده - تعلیم مکتب، آگاه ساختن مردم و ... همه راههای کسب ارزشهای معنوی هستند.

با آرزوی موفقیت

قزوین - برادر سعید - م

(۱) مالکیت خصوصی که در اسلام عنوان می شود از نظر ما تنها شامل مالکیت مشروط تولیدکننده بر محصول کار شخصی اوست - و این مالکیت شامل زمین - وسایل تولید جمعی و وسیله تولید که مازاد بر احتیاج تولید می کند نمی گردد - این مالکیت مشروط هم هست یعنی تنها در حد احتیاج بر آن حق دارد. و مازاد را باید انفاق کند - منوجه هستند که این نوع مالکیت نه مبنی بر استثمار است و نه موجب استثمار می شود.

در مورد نامزد شدن دکتر پیمان لازم به یادآوری است که موضع گیری در جنبش مسلمانان مبارز انفرادی نیست بلکه تشکیلاتی است. جنبش در انتخابات شرکت کرده و با توجه به مسئولیت هایی که هر یک از اعضا برعهده دارند کسانی را نامزد نمایندگی کرد.

دکتر پیمان نیز قرار شد همچنان در زمینه فعالیت های مکتبی و تشکیلاتی به کار خود ادامه دهد.

(۳) از دکتر پیمان برای عضویت در شورای انقلاب دعوت شد اما با شناختی که از ترکیب و بینش غیرانقلابی شورا وجود

مردم و ما

مدن زغال سنگ زیر آب برادر قاسم - الف

تحلیلی که از ماهیت کاندیداهای ریاست جمهوری کردیم، هنوز به قوت خود باقی است و حوادثی که از آن تاریخ تاکنون اتفاق افتاده، آنرا تائید می کند و در آینده بیشتر ثابت خواهد شد.

برای مناظره های تلویزیونی اهمیت زیادی در روشن کردن مسائل اساسی قائل نشوید. البته ما "کلا" آنرا نمی و رد نمی کنیم، لکن همیشه حق و باطل را در جریان یک مناظره نمی شود شناخت. بلکه در عمل و در طول مدت کافی و ضمن چندین تجربه ماهیت هر فرد یا جریان روشن می شود. ممکن است حق با شما باشد ولی نتوانی در یک مناظره خوب از آن دفاع کنی و بعکس.

امیدوارم تحلیلیها و مقالات امت را همچنان دنبال کرده، رابطه خود را با ما حفظ کنی.

شیراز - برادر عزیز: بهرام - ن

در رابطه با سئوالات در باره کسانی که قدرت کار کردن و لذا انفاق نمودن ندارند مختصراً توضیح می دهیم که:

بخشیدن مازاد بر احتیاج تنها یکی از طرق مبادله ارزشها و کسب ارزشهای معنوی است - در قرآن عمل صالح همراه با ایمان به معنای عام شرط تکامل و خداگونه شدن و کسب ارزشهای معنوی بشمار رفته و هر اقدام و عمل در مسیر حق - که منطبق با سنت های خدا باشد ارزشهای معنوی بدنیاال دارد. - از پیامبر و ائمه به کرات نقل شده و در قرآن هم هست که هر کس با

داشت، ایشان نظرات خود را با پیشنهاد برای اصلاح و ترکیب شورا - ادغام دولت و شورا در یک مرکز و تنظیم برنامه انقلابی مرحله ای به اطلاع امام رسانید و پس از موافقت ایشان در شورا شخصاً مطرح کرد که مورد موافقت قرار نگرفت.

آقای بهشتی در سخنان اخیر خود در حقیقت فکر دکتر پیمان را در مورد عدم صلاحیت شورا و انقلابی نبودن آن را تائید کردند.

بهرحال با آن ترکیب و جو حاکم بر شورا کار اصولی امکان پذیر نبود.

قزوین - افسر - ج

عزیزمستول - پایبندی خواهر

و مقاومت مردم سلمان و قهرمان قزوین در مقابل یورش نانک های رژیم شاهنشاهی حماسائی بود افتخار آفرین و خود شاهدهی بر اینکه زمینه فعالیت های اسلامی اصیل و انقلابی در میان توده های مستضعف قزوین فراوان وجود دارد. امید آنکه شما خواهران و برادران مسئول و متعهد با آشنائی بوظائف سنگین مکتبی هر چه بیشتر در این راه موفق باشید.

مارک آن بازل - فرانسه - برادر محمد حسین - ج

برادر عزیز با احساس مسئولیت چهار صفحه در باره "توطئه سازشکاران" نوشتائی هم چنانکه اشاره کرده امی بعد از چاپ مقاله "انتقام جونی سازشکاران" در امت ۴۶ نامه های فراوانی از خواهران و برادران خود داشتم از دور افتاده ترین مناطق ایران و با از خارج کشور.

این احساس مسئولیت نشانگر حساسیت دقیق و صحیح خواهران و برادران آگاه ما در قبال رویدادها و جریان های جاری ایران است و ما آرزوی کنیم که همه مردم، همه مستضعفین نسبت به حتی کوچکترین رویدادها حساس شوند و عکس العمل نشان دهند، آرزوی کنیم که همه کسانی که در این رابطه برای ما نامه و اطلاعیه و اعلامیه فرستاده اند در قبال تمامی جریان هایی که در ایران بعد از انقلاب و با در سراسر جهان در رابطه با جنبش های رهائی بخش مستضعفین میگذرد عمل آگاهانه و مکتبی و اسلامی داشته باشند.

جلفا ارس - برادر علی - ت

برادر عزیز قسمتی از پیام شما را به لیبرال های سازشکار و جاده صاف کن های امپریالیسم بدون کم و کاست در امت منعکس می کنیم، باشد که فریاد مظلومی آگاه و شجاع و مسلمان از مرزهای دور دست ایران انقلابی در سینه تاریخ ضبط شود. "... این لیبرال های سازشکار و جاده صاف کن فکر میکنند که خواهند توانست در این مملکت زندگی کنند، اینها نمیدانند که تا آخرین قطره خونمان تا ایجاد جامعه بی طبقه توحیدی ساکت ننشسته و به انقلاب اسلامی مان ادامه خواهیم داد و تا امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران وابسته را به زانودر نیاوریم آرام نخواهیم گرفت."

تهران - برادر آ - ف

(۱) تفاوت های چند حتی از نقطه نظر اقتصادی بین دو نوع جامعه بی طبقه توحیدی و مارکسیستی وجود دارد که در کتاب کار - مالکیت و سرمایه و در اصول پایه جامعه توحیدی نوشته دکتر پیمان آمده است. از جمله: در جامعه توحیدی دادن مازاد براهیاج از کار و تلاش شخصی نه استمرار به عهده شخص گذشته شده است تا راه برای تحول تکاملی انسان باز باشد.

(۲) در جامعه توحیدی بطور کلی مردم منقی و صالحین به پیشوایی می رسند، منتهی در آغاز که هنوز مستکبرین وجود دارند و در جریان مبارزه با این طبقه پیشوایی مبارزات هم از آن مستضعفین با تقوا و صالح می باشد.

قزوین - محسن - الف

برادر عزیز:

ارادها را برای دستیابی به حقیقت و تلاش برای تکامل می ستائیم. قرآن و نهج البلاغه باید هم چنان منبع اصلی معیار مطالعات تو باشد.

در مورد ارتش چنانکه در نامه سرگشاده به امام هم یاد آور شدیم نظام فعلی ارتش وابسته به آمریکاست و خصلت استعماری دارد. و باید بگویی دگرگون شود. ما به ارتشی از مردم احتیاج داریم که با تفنگ ساخت داخل با یکدست و قرآن (مکتب) در دست دیگر از منافع خلق و انقلاب دفاع کند - سرباز اسلام باید هم تولید کند و هم آماده جنگ و جهاد باشد. در نظام کنونی - وقت سرباز را تلف می کنند، و اطاعت کورکورانه یاد می دهند - و از کار تولیدی دور می سازند.

دو حزب حاکم آمریکا دست در دست یکدیگر برای غارت و استثمار خلقها

نفت ثروت هنگفت محرومان جهان

نظام امپریالیستی با ماهیت استعماری و جهان‌خوارگی چون غده سرطانی در تمامی زوایای زندگی مستضعفین جهان ریشه دوانده و تنها راه ادامه حیات خود را که همان استثمار خلقها و افزون‌طلبی و میکیدن شیره جان خلقهای تحت ستم است بی می‌گیرد. آمریکا این سرکرده امپریالیستی جهان توسط دو حزب قدرتمند آن کشور

مورد فروش تسلیحات نظامی به چین شمالی دولت آمریکا میزان ۲ میلیارد دلار وام به آن کشور پرداخت می‌نماید تا راهی حیب سرمایه‌داران حزب جمهوریخواه شود. ملاحظه می‌شود با وجود اینکه حزب دموکرات در این زمان حکومت آمریکا را در دست دارد سردمداران حزب جمهوریخواه نیز در پناه همان حزب به چپاول و غارت

یک وانتریک از دموکراتها طلب دارند بنابراین گنیمت حرف خوبی است بروید اینکار را بکنید. ایشان غافل بودند که در این مرحله خاص اگر مسئله فاش کردن جنایات شاه‌پیش آباد پای زمامداران هر دو حزب به میان کشیده می‌شود از روزولت تا گارت و هجسین غافل از آنند که بیشترین جنایات را شاه در زمان ریاست جمهوری نیکسون و آیزنهاور جمهوریخواه انجام داد و این مسئله با فاش کردن نقلیات نیکسون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که بوسیله سیا انجام گرفت فرق بی‌کند. و شاهد بودیم که حزب دموکرات آمریکا برای خارج کردن رقیب خود حزب جمهوریخواه از صحنه سیاست آمریکا در زمان نیکسون بر اثر کشتار بیرحمانه نیکسون و جاسون در ویتنام مانور تبلیغاتی چندانی نداد. بلکه در کین بود تا از مسئله‌های بنام وانتریک که یک مشکل صددرصد داخلی آمریکا بود بهره‌برداری کند و آنرا بعنوان حربه تبلیغاتی علیه حزب مخالف خود بکار برد. چون اگر سیاست خارجی آمریکا را فاش کنند، هر دو حزب با کمی تفاوت در همه جنایات آنها مسئول و مقصر شده شده به منافع امپریالیسم آمریکا ضربه وارد می‌شود. چنانکه اگر خط ضد امپریالیستی موجود از اصالت مکتبی نیز برخوردار بوده و به لغو تمام قراردادهای وابستگی اقتصادی - نظامی - سیاسی با آمریکا بیانجامد، منافع هر دو حزب در ورطه سقوط قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که می‌بینیم سردمداران این دو حزب در این شرایط همچون دوستان دیرینه مشترک از طرحهای یکدیگر حمایت و پشتیبانی می‌کنند (جریان گفتگوهای نمایندگان این دو حزب را در کنگره ملاحظه کنید).

● اگر خط ضد امپریالیستی موجود از اصالت مکتبی نیز برخوردار بوده و به لغو تمام قراردادهای وابستگی به آمریکا بیانجامد، منافع هر دو حزب در ورطه سقوط قرار می‌گیرد.

حزب دموکرات و جمهوریخواه این نظام را پاسداری می‌کند. ایندو حزب علیرغم تاکنیکها و روشهای متفاوت استراتژی واحدی را دنبال می‌کنند و با وجود تخصص‌هایی بر سرکب قدرت در داخل آمریکا، در کشورهای تحت سلطه هدف مشترکی دارند و آن استثمار خلقهاست.

حزب دموکرات که بیشتر اعضاء آنرا سهامداران شرکتها و موسسات غیرنظامی (نظیر ای. بی. ام - پان آمریکن - بلومنتال و...) تشکیل می‌دهند جهت سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان سوم شرایط ثبات و امنیت را در آنکشورها لازم می‌دانند و به منظور به حداقل رساندن خطرات سرمایه‌گذاری و در نتیجه بهره‌وری بیشتر شرکتها و طبعاً استثمار هرچه بیشتر خلقهای منطقه بر ضرورت حفظ آرامش در این مناطق تاکید دارد.

بدون داشتن مناطق مذکور از اغتشاش از جمله جلوگیری از فیر انقلابی توده‌ها که در واقع بزرگترین خطر برای سرمایه‌داران جهان‌خوار محسوب می‌شود، هدف عمده آنان بشمار می‌رود. بدین لحاظ طرفداران حزب دموکرات ایجاد منفذهای اطمینان و اعطای آزادیهای نسبی در هر زمان را تجویز می‌کنند.

روش دموکراتها در کشور ما نمونه‌های عینی فراوان دارد. حکومت دموکرات کندی در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) همزمان با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران و بمنظور منحرف ساختن آن علی‌امینی را بعنوان نخست‌وزیر به شاه تحویل و دستور بازکردن باصلاح فضای سیاسی را صادر نمودند که حاصل آن انجام انتخابات به ظاهر آزاد و اصلاحات ارضی آمریکائی سال ۴۱ بود. گرچه شاه به شدت بنا به روحیه دیکتاتوری خود با این طرح‌های حزب حاکم آمریکا مخالفت می‌نمود، ولی در اثر فشارهای بسیار و تهدید تاج و تخت دست به اجرای ناقص این طرح زد.

مثال دیگر دولت فقلی حاکم در آمریکا است و کارتر که از ابتدا با شعار فریبنده حقوق بشر به صحنه آمد و زیر لوای آن به چپاول منافع ملت‌ها همت گماشت و برای فریب ملت آمریکا به یک سری عملیات ظاهری چون قطع صدور اسلحه به آرژانتین و یا قول عدم مداخله مستقیم در آنگولا و ژنبر پرداخت.

حزب دیگر یعنی حزب جمهوریخواه چون منتک از سهامداران و شرکتها و موسسات تولیدکننده تسلیحات نظامی در آمریکا است برای فروش این ابزار بیشتر محتاج محیط رعب و وحشت است به همین دلیل به تجربیات مختلف از نوع روانی و عملی دست می‌زند و در این جو جنگی سبیل اسلحه را به کشورهای مورد نظر سرازیر می‌کند. مثلاً در زمان ریاست جمهوری نیکسون شیخ‌نشینهای خلیج فارس و عربستان و... به خاطر وحشتی که از تقویت نظامی شاد در منطقه بوجود آمده بود مقادیر زیادی تجهیزات نظامی به آمریکا سفارش دادند. جراحانهای منطقه‌های همیشه به گرمی بازار زرادخانه‌های جنگی آمریکا ختم می‌شود. آمریکا در جریان انقلاب ایران هم با فراهم نمودن محیط جنگی روانی توسط ارسال ناوهای جنگی به خلیج فارس و دریای عمان به همراه تبلیغات همه جانبه زمینه را جهت تقویت نظامی در عربستان و دیگر کشورها فراهم می‌آورد و با تکیه بر خطر انقلاب اسلامی برای رژیم‌های دست‌نشانده خود در منطقه به مسلح کردن هر چه بیشتر آنها می‌پرداخت. حتی در

میزان سرمایه‌گذاری به دلار

سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی	۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری مالی و مستقیم آمریکا	۴۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری مالی و مستقیم در سایرکشورهای وام صنعتی	۳۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
وام و کمک به کشورهای جهان سوم	۱۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
وام و کمک به سایر کشورها که شامل بلوک شرق نیز میباشد	۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
کمک به موسسات مختلف بین‌المللی	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

مجموع ۱۶۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

با توجه به اینکه ۱۳۴ میلیارد دلار از این ذخایر ارزی در کشورهای صنعتی سرمایه‌گذاری شده، می‌بینید که چگونه بولهای نفت صرف ایجاد آسمان خراش‌ها و موسسات اقتصادی و بانک‌های پر زرق و برق شده و کارمندان آمریکایی و اروپایی آنها به خرج کشورهای فقیر و با پول آنها زندگی تجملی خود را ادامه می‌دهند. جالب تر اینکه نحوه استفاده از این پول‌ها و تصمیم‌گیری درخصوص نحوه بکار گرفتن آن تابع مقررات کشورهای است که این پولها در آنجا سرمایه‌گذاری شده است. با توجه به آنچه که بهنگام شروع بحران ایران و آمریکا بوقوع پیوست (توقیف ذخایر ارزی ایران در آمریکا بطور یکجانبه و برخلاف کلیه موازین بین‌المللی) و با توجه به آنچه در مورد دلار و طلا اجمالاً توضیح داده شد متوجه میشویم که کشورهای فقیر صادر کننده نفت چگونه در جنگال اختاپوس قرار گرفته و نه تنها حق مالکیت و حاکمیت خود بلکه بهای ناچیز نفت یا هستی خود را نیز در دست جهان‌خواران غرب قرار داده‌اند.

نکته بسیار قابل توجه اینکه کشورهای ارتجاعی عرب و در رأس آن عربستان سعودی در قبال فریاد حق طلبانه کشورهای صادرکننده نفت همواره نقشی منفی داشته و قبل از اینکه اقدامات برخی از کشورهای متزقی صادرکننده نفت با عکس العمل چپاولگرانه کشورهای صنعتی مواجه شود آقای زکی میانی وزیر نفت عربستان سعودی اعلام داشته است که افزایش قیمت نفت خبرناگوار بوده و این بر کشورهای مصرف کننده است (کشورهای صنعتی و جهان غرب) که از این پس مانع افزایش قیمت‌های نفت گردند!!

زهی بی شرفی و ننگ بر این همه نوکر صفتی و ارباب دوستی باید گفت، تاکنون اخلاق جهانی چنین زدالت و پستی بخود ندیده‌است.

ادامه دارد

دوستی عمیق خود را با نیکسون عملاً نشان داد. و این دوستی تا بدانجا ادامه یافت که شاه نوکر صفت برای مخارج تبلیغات ریاست جمهوری بنفع وی میلیون‌ها دلار از پول ملت را که از چپاول آنها بدست آورده بود به آمریکا فرستاد. در این دوران شاه به عنوان زاندارم منطقه و حافظ منافع آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند تلقی گردید. هرالد تریبون در این مورد هیند تلقی نوشت: "اعضای کمیته فرعی روابط خارجی سنای آمریکا گزارش دادند که ریچارد نیکسون در سال ۱۹۷۲ تصمیم گرفت هرگونه سلاح غیر اتمی را که ایران مایل به داشتن آن باشد، به آن کشور بفروشد" (اطلاعات ۵۸/۹/۲۰).

همین منبع اضافه می‌کند که شاه در یکی از معاملاتش با آمریکا ۸۵۰ میلیون دلار سیستم تجسی الکترونیک از شرکت راک ول - اینترنشنال خریداری نمود که برای بکار انداختن این قبیل وسایل حدود ۲۰ هزار مستشار نظامی آمریکا به ایران آمدند. (اطلاعات ۵۸/۹/۲۰).

شاه هدفهای حزب جمهوریخواه را بیشتر از حزب دموکرات پذیرفته و اجرا می‌نمود و به عناوین مختلف از اجرای طرح‌های دموکرات‌ها سرباز می‌زد. در زمان کندی دموکرات در سال ۱۳۲۹ آمریکا تصمیم گرفت نوکر سرسپرده خود امینی را مامور اجرای طرح‌های خود کند و با فشاری که آمریکا با تهدید شاه به کودتای نظامی به او وارد آورد و با مسافرتی که شاه برای سپردن تعهد اجرای برنامه‌های پیشهادی کندی به آمریکا نمود، موفق شد آمریکا را متقاعد نماید که بهتر از دیگر علی‌امینی می‌تواند منافع حیاتی و استراتژیک آمریکا را در ایران و منطقه و بخصوص خلیج فارس و اقیانوس هند مراقبت نماید و هم چنین تعهد سپرد که سیاست باصلاح فضای باز سیاسی آمریکایی را جایگزین سیاست تکیه بر سرنیزه سازد. در این میان روشن بود که نه کندی و نه شاه بلحاظ ماهیت امپریالیستی و وابستگی که دارند، هرگز نمی‌توانند

فرزندان خلق در پیش پای وی (۱۶ آذر ۳۲)

برطریق سرمایه‌گذاری در غرب برای کسب درآمد به آنجا سرازیر و اختیار آن درست به دست کشورهای امپریالیستی داده شده است. برای اثبات این موضوع از نشریه کشورهای صادر کننده نفت غرب بتاریخ ژانویه ۱۹۸۰ کمک می‌گیریم. این نشریه ارزش اضافی کشورهای اوپک را تا پایان سال ۱۹۷۸ ۱۶۸ میلیارد دلار برآورد نموده که از این مبلغ بین ۱۴۵ تا ۱۵۰ میلیارد دلار آن متعلق به کشورهای عرب میباشد جالب است که بهرین این سرمایه‌گذاری و نحوه کاربرد آن توجه شود:

نحوه توزیع ذخیره ارزی اوپک تا پایان سال ۱۹۷۸

میزان سرمایه‌گذاری به دلار	مورد سرمایه‌گذاری
۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی
۴۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مالی و مستقیم آمریکا
۳۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سرمایه‌گذاری مالی و مستقیم در سایرکشورهای وام صنعتی
۱۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	وام و کمک به کشورهای جهان سوم
۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	وام و کمک به سایر کشورها که شامل بلوک شرق نیز میباشد
۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	کمک به موسسات مختلف بین‌المللی
۱۶۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	مجموع

کوجکترین قدمی بسوی مردمی شدن بردارند و این امر با جوهر و خمیرمایه درونی آنها مغایرت دارد و چنین هم شد. کندی نوطنه حمله به کوپا را تدارک دید و شاه قیام مردم را در پانزده خرداد سال ۴۲ بگلوله بست. کندی روز بروز هرچه بیشتر در جنگ علیه خلق ویتنام غرق شد و شاه به کشتار و شکنجه و زندان و عید مبارزان دست بازید.

دموکراتهای آزادیخواه!! و مخالف تکیه بر سرنیزه بسبب افکن‌های ب - ۵۲ را در زمان ریاست جمهوری جاسون به ویتنام فرستادند و بیش از مجموعه بمب‌هایی که در جنگ دوم جهانی بر سر خلقها فرو ریخته شده بود، بر سر مردم ویتنام ریختند و شاه هم بر سر روی مجاهدان و مبارزان در خیابانها و شکنجه‌گاهها و زندانها و میدانهای تیر گلوله بارید و وقتی نوبت به جمهوریخواهان رسید نیکسون رژیم شاه را تا دندان مسلح نمود، مدرن - ترین و پیشرفته‌ترین زرادخانه جنگی را در اختیار رژیم وابسته شاه گذاردند و بعنوان پایگاه مطمئن در این سوی خلیج فارس به تهدید خلقهای منطقه پرداختند و وقتی نوبت به کارتر رسید، تا آخرین لحظه‌های حیات فاشیستی‌ترین حکومت‌های تاریخ از آن حمایت کردند و حکومت بختیار را برای جلوگیری از اوج‌گیری مبارزات انقلابی مردم بکار بستند. در دوران حکومت دموکراتها و کارتر مردم ایران بیش از ۶۰ هزار شهید و یکصد هزار زخمی و معلول با مسلسل‌های آمریکایی دموکراتها برای رسیدن به آزادی استقلال و جمهوری اسلامی متحمل شدند بدین ترتیب روشنی می‌شود که وقتی منافع جهان‌خواران و سرمایه‌داران استثمارگر مطرح می‌شود، وقتی ماهیت دموکرات و جمهوریخواه مورد بررسی قرار می‌گیرد، در استثمار و چپاول و غارت ثروت و دسترنج ملت‌ها و در سرکوب و کشتار و شکنجه و قتل و غارت تنها از یک خط مشی تبعیت می‌کنند و آن خط مشی امپریالیستی و جهان‌خواری می‌باشد و بس.

طبیعی بود که وی بیشتر تمایل به اجرای روشهای اربابان جمهوریخواه خود نشان دهد تا اربابان دموکرات (با توجه به اینکه روحیه دیکتاتوری و زمینه خشونت در وجود خودوی نیز وجود داشت).

از زمامداران دیگر حزب جمهوریخواه بعد از روزولت ترومن بود (۱۳۲۴ شمسی) که از افتخارات تنگنایان بمباران اتمی هیروشیما بعد از تسلیم ژاپن بود که برای همیشه بمثابة لکه تنگی بر پیشانی دولت آمریکا خواهد ماند. سیاست‌های حزب جمهوریخواه بدست آیزنهاور ادامه یافت و در زمان وی طرح کودتای خائنه ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران به اجرا گذاشته شد و بعد از آن در سفری که معاون وی نیکسون برای تبریک موفقیت کودتا به ایران کرده بود شاه را بیش از پیش به حمایت خود دلگرم کرد و شاه با قربانی کردن ۳ تن از بهترین فرزندان خلق در پیش پای وی (۱۶ آذر ۳۲)

مشابه در نمونه‌های تاریخی خود بسیار زیاد است. بنابراین باید گفت برخلاف آنچه که بعضی از لیبرال‌ها می‌پندارند از این تضادها به نفع انقلاب ایران بخصوص در این مرحله که منافع دو حزب قدرتمند آمریکا در ایران در معرض نابودی است نمی‌توان سود برد. به نظر ما در شرایط خاصی که آمریکا گریبانگیر مسائل حادی می‌گردد، مرزهای سلیقه‌های مختلف و تاکنیکهای متفاوت بین دو حزب کاملاً بهم می‌خورد و دیگر از سمت قابل تفکیک نیستند (آقای بنی‌صدر در هم وزیر امور خارجه ایران بعد از ورود هانس نامزد ریاست جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه و ملاقات با وی می‌گوید (اطلاعات ۵۸/۹/۷):

"هانس برای بررسی جنایات شاه گفت کمیته تحقیق تشکیل می‌دهیم، خوب ما دیدیم این آقا جمهوریخواه است و با حزب دموکرات خوب نیست! و جمهوریخواه‌ها

نابود باد امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

مشکلات توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه با توجه به تکنولوژی جدید

تعریف توسعه اقتصادی - توسعه اقتصادی همان استفاده از آخرین ابزار تولید میباید. در جهان امروز هیچ کشوری نمیتواند جدا از دیگران خود را تصور نماید. تکنولوژی جدید و شکل اقتصادی مدرن غیرمعمول وجود مشکلات متعددی کدر کشورهای توسعه یافته وجود دارد خود را به دورترین زوایای این کشورها وارد ساخته است. وجه بسیار انفاق میافند که تکنولوژی جدید و شکل اقتصادی مدرن که به این کشورهای وارد میشود با اهداف توسعه اقتصادی آنان مطابقت ندارد. برای مثال ترکیبهای چند ملیتی تکنولوژی جدید را به کشورهای توسعه یافته میآورند تا هر چه بیشتر از منابع طبیعی آنان در جهت سود کشورهای بنگانه ونه در جهت افزایش سطح تکنولوژی اقتصادی استفاده کنند. موسسات تولید خصوصی در کشورهای توسعه یافته از کارآرایی بومی استفاده میکنند و سودهای کلان بدست میآورند.

با انبساط روز بروز روشن تر میگردد که بدون استفاده از تکنولوژی جدید در مقیاس وسیع نمیتوان به توسعه اقتصادی دست پیدا کرد.

در جهان تکنولوژی در کشورهای صنعتی با شتاب فراوان پیشرفت میکند و در کشورهای توسعه یافته روز بروز بر نیازهای اجتماعی افزوده میگردد و همین امر بهترین فرصت برای ورود تکنولوژی پیشرفته به جهان توسعه یافته و استعمار تکنولوژیکی آنان میباشد و از آنجا که اقتصاد ملی کشورهای توسعه یافته مدرنیزه نشده است در مقابل استثمار تکنولوژیکی امپریالیستها تاب مقاومت ندارد. افزایش سطح تکنولوژی در جهان پیشرفته از یکطرف و عدم توانایی کشورهای توسعه یافته در تأمین مایحتاج خود بوسیله تولید داخلی از طرف دیگر سبب شده است تا روز بروز کشورهای توسعه یافته قیمت بالاتری جهت عقب افتادگی تکنولوژیکی خود به انحصارگران تکنولوژی بپردازند. قیمت مذکور خود از سه عامل زیربناشی میشود.

۱- تفاوت مکانیزه بودن کشورهای توسعه یافته توسعه نیافته.

۲- تفاوت درجه مهارتهای موجود بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته.

۳- تفاوت سازمان تولید بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته.

توسعه تکنیکی کشورهای توسعه یافته باید از شکل فعلی خود خارج شود زیرا شکل فعلی سبب بروز مشکلات و تضادهای فراوان است ورود تکنولوژی جدید در یک بخش از اقتصاد سایر بخشها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و دیر یا زود آنها را نیز مجبور به مدرن کردن وسائل تولید خود میکند.

شکل فعلی تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته گویای عدم هماهنگی و وجود شکاف تکنیکی در شاخه های مختلف صنعت است. کشورهای توسعه یافته مجبور نیستند که امروز درست از مراحل بگذرند که کشورهای صنعتی از آن مراحل در گذشته گذشته اند. کشورهای توسعه یافته با استفاده خلاق از تجارب تکنیکی کشورهای پیشرفته میتوانند انقلاب علمی و تکنولوژی معاصر بهره گرفته خود را به توسعه اقتصادی مستقل برسانند. فرصت بی سابقه استفاده از ماشین آلات مدرن بهترین امکانات را در اختیار این کشورها در جهت توسعه اقتصادی آنها قرار میدهد. ولی این امر بسادگی تحقق نمی پذیرد برای جهان توسعه یافته ساده تر است که از اقتصاد عقب افتاده بیکاره به تکنولوژی جدید چشم نهد تا مراحل صنعتی شدن را یکی پس از دیگری طی نماید.

در واقع کشورهای جهان سوم مجبورند که بیکاره کلیه روشهای تولیدی قدیمی خود را کنار بگذارند و از تکنولوژی پیشرفته استفاده نمایند.

سو: تفاوتی نبود، میخواهیم بگوئیم که کشورهای توسعه یافته نباید ابداعات و تکنولوژی جدید را از کشورهای توسعه یافته قرض کرده به کشورهای خود وارد سازند. استفاده از تکنولوژی به شرایط هر کشور بستگی دارد لذا انتخاب تکنولوژی مناسب هر کشور خود مشکل دیگری در مسیر توسعه یافته است. برخی می انگارند که کشورهای در حال توسعه باید درست از همان تکنولوژی استفاده کنند که کشورهای پیشرفته استفاده میکنند. در حالیکه شرایط اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته با آنچه در کشورهای پیشرفته وجود دارد متفاوت است و همین امر سبب میگردد که بگوئیم تکنولوژی کشورهای توسعه یافته باید چیزی غیر از تکنولوژی مورد استفاده کشورهای پیشرفته باشد و لذا تولید ملی و ساخت اقتصادی کشورهای توسعه یافته باید چیزی مخصوص بخود باشد. این

مشکل نیز برای کشورهای توسعه یافته روشن شده است که تصمیمات فردی در مورد استفاده از تکنولوژی در بخش خصوصی اثرات اجتماعی دارد و لذا باید انتخاب تکنولوژی در چهار چوب یک سیاست ملی با توجه به اهداف بلند مدت انجام گیرد در کشورهای آمریکای لاتین که کمبود سرمایه و فراوانی نیروی کار شدیداً بحشم میخورد استفاده بخش خصوصی از تکنولوژی پیشرفته کشورهای صنعتی سبب ایجاد تضادهای سخت بین منافع بخش خصوصی و منافع ملی شده است.

داد ولی این رامیتوان گفت که تکنولوژی باید با توجه به منابع طبیعی و نیروی انسانی هر کشور رشد پیدا کند، لذا در انتخاب تکنولوژی باید به عوامل زیر توجه داشت:

- ۱- اثر تکنولوژی بر استقلال
- ۲- منابع طبیعی
- ۳- مهارتهای موجود
- ۴- بازار مؤثر
- ۵- اثر یک تکنولوژی بر محیط
- ۶- اثر تکنولوژی بر شخصیت انسانی

که با آن کار میکنند

● از آنجا که اقتصاد ملی کشورهای توسعه یافته مدرنیزه نشده است، در مقابل استثمار تکنولوژی امپریالیستها تاب مقاومت ندارد.

● شکل فعلی تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته، گویای عدم هماهنگی و وجود شکاف تکنیکی در شاخه های مختلف صنعت است.

ولی انتخاب تکنولوژی در سطح ملی نیز با مشکلات فراوان همراه است. صرف نظر از عناصر سیاسی که در مسئله وارد میشود. اولین مسئله این است که آیا باید منابع را در جهت صنعتی کردن بخش کشاورزی بکار گرفت یا باید صنایع کارخانهای جدید بوجود آورد ویا اینکه صنایع احداث کرد که وسائل لازم بخش صنعت و سایر بخشها را فراهم آورد. در این زمینه مسئله اشتغال نیز مهم است. آیا باید بهره وری شاغلین را بالا برد یا از نرخ بیکاری کاست و عدهای جدید استخدام کرد.

راهنمای بخش خصوصی در انتخاب تکنولوژی بحد اکثر رسانیدن سود میباشد. اشتباه در انتخاب تکنولوژی که با شرایط اجتماعی اقتصادی کشور سازگار نباشد نه تنها ممکن است به بخش خصوصی زیا وارد آورد از نظر ملی نیز مضر خواهد بود. هیچگاه نمیتوان به پرسشهای مربوط به انتخاب تکنولوژی یک پاسخ برای کلیه کشورهای توسعه یافته و کلیه صنایع ارائه

۷- تهیه سازی منابع

۸- نتایج اجتماعی شامل درآمد واقعی و اشتغال

کبیه کردن صنایع کشورهای صنعتی نه تنها استقلال کشورهای جهان سوم را از بین میبرد بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز مشکلاتی فراهم میآورد. تکنولوژی و دانش غرب از جنگ ناشی شده و آیا این تکنولوژی را میتوان عیناً در جهان توسعه یافته پیاده کرد.

تکنولوژی در جهان پیشرفته سرمایه بر است زیرا که صرفه جویی در کار، افزایش بهره وری بوجود میآورد. تکنولوژی مذکور پیچیده و تخصصی بوده تعمیر و اصلاح آن کار سادهای نیست در حالیکه در کشورهای در حال توسعه تکنولوژی کار بر لازم است که چند گانه بوده، بدون تحمل و آسان کار بوده باشد. تکنولوژی در این کشورها باید با آب و هوای آنها سازگار بوده و مهارتهای پیچیده لازم نداشته باشد و در عین حال ماشین آلات باید چنان کارآئی داشته باشند که تولیدات اینگونه کشورها بتواند

سیری در اندیشه های اقتصادی

بقیه از صفحه ۷

نتایج کاهش بهره و افزایش ارزش پول است که در سال ۱۶۹۱ منتشر شد. او معتقد بود که هر شخص باید طبیعتاً آنقدر زمین در اختیار داشته باشد که بتواند با استفاده از کار خود آنرا کشت کند و آنقدر پول و کالا داشته باشد که نیازهای فردی او را تأمین کند. نابرابری غیرطبیعی در توزیع دارایی باعث می شود تا عدهای زمین و پول اضافی داشته باشند و این زمین و پول اضافی را اجاره و وام دهند. لاک" اجاره زمین و بهره پول را درآمد اضافی میداند.

نورث: نورث که بهنگام اوج قدرت تجارت - گرایان زندگی می کرد، در تئوریهای خود قلب متکنت تجارت گرانی را هدف قرار داد. او معتقد بود که هدف از تجارت جمع آوری فلزهای گرانبها نیست، بلکه هدف مبادله ارزش اضافی است که دو طرف معامله تولید می کنند. بنظر او تقسیم کار و بازرگانی بین الملل به انباشت ثروت کمک خواهد کرد، حتی اگر فلزهای گرانبها وجود نداشته باشد. بدین ترتیب او به این اصل اقتصادی تجارت گرایان، که فلزهای گرانبها تنها منبع ثروت هستند، حمله می کند. بطور کلی مهمترین نکته در باره نورث انتقاد شدید وی از تجارت - گرایان و دفاع قاطعانه وی از "آزادی طبیعی" است.

نکته دیگر اینکه نورث خدمت بزرگی به تکامل روش علمی در اقتصاد یعنی تجرید منطقی کرد: برای آن که پدیده های اقتصادی را تحلیل کنیم، پدیده های که همواره بی نهایت پیچیده است و رابطه های بیشمار یا سایر پدیده ها دارد، باید آنرا به "صورت ساده" تصور کنیم و از همه خصیصه های غیر ضروری آن چشم ببوشیم. نورث در سال ۱۶۴۱ متولد شد و بسال ۱۶۹۱ وفات یافت.

کانتیون: او که یک اقتصاددان ایرلندی بود، تئوری "ارزش" و "قیمت" را بنا نهاد. تأکید او بر روی نقش "زمین" و "کار" عرضه و تقاضا، او را پیشگام اقتصاد

در بازار جهانی با کالاهای سرمایه داران کشورهای صنعتی رقابت کند.

تکنولوژی کشورهای صنعتی بیطرفانه هیچ یک از مشخصات مذکور را ندارد و لذا همان طور که کمسیون توسعه صنعتی سازمان قتل اشاره کرده است هیچ کشوری نباید توسعه اقتصادی خود را بر ماشین آلات دست دوم یا وارداتی کشورهای صنعتی قرار دهد. جهان در حال توسعه باید از آخرین اطلاعات علمی جهان در ایجاد تکنولوژی که با شرایط محیطی آن سازگار است استفاده کند. اشکال کار این است که کشورهای جهان سوم امکانات تهیه تکنولوژی مذکور را پیدا نمی کنند. و انحصارات امپریالیستی جهان نیز در تهیه تکنولوژی مذکور چندان علاقه ای ندارند.

در جهان امروز تنها داشتن واحدهای تولیدی وسیع با ماشین آلات مدرن میتوان توسعه اقتصادی رسید و این هم اگر از صنایع غربی کبیه شود سبب بیکاری و عدم استفاده از نیروی کار کشور میشود.

کشورهای در حال توسعه امروزه خود را در مقابل اثرات سیل خروشان انقلاب دانش و تکنولوژی می یابند. از طرق مختلف تکنولوژی به کشورهای مذکور راه می یابد و سبب تغییراتی در تاسیسات احصاعی و اقتصادی میشود لذا باید به این سؤال پاسخ صحیح داد که آیا تکنولوژی درون زا باید باشد یا وارداتی .

تکنولوژی وارداتی

اغلب کشورهای جهان سوم امروزه ماشین آلات و روشهای تولید را از کشورهای صنعتی پیشرفته وارد میکنند و مقیاسهای وسیع تولید را در شرایط کشور خود پیاده می نمایند. امروزه جهان علم و تکنیک جهان اسانه را بدو دسته تقسیم کرده است آنان که ماشین آلات را تولید میکنند و آنانکه نمیتوانند تکنولوژی خلق نمایند. بسیاری از کشورهای تازه از بند رسته جهان سوم بر این امر معتقد شده اند که خود باید تکنولوژی بیافرینند. ولی ایندسته از کشورهای جهان سوم نیز که خود تکنولوژی می آفرینند مشخصات تکنولوژی را از کشورهای پیشرفته صنعتی عاریه میکنند.

لذا در هر دو صورت کشورهای جهان سوم وارد کنندگان تکنولوژی غرب هستند و به همین جهت انحصار گران در ازاء ارائه دانش و تکنیک غرامتهای کلان طلب میکنند.

نیروی کار و... هستند، پیروزمندان به سوی توسعه اقتصادی و صنعتی خواهند شناخت.

بدین ترتیب سیستم اقتصاد آزاد (لیبرالیسم اقتصادی) رفاه همه انسانها را در سطح بین المللی فراهم می کند و شکاف بین کشورهای غنی و فقیر از میان برداشته می شود. همان طور که تذکر دادیم هنوز این تحلیل لیبرالیستی هیوم به نحقی نیبوسته است! در طول این قرن شکاف بین کشورهای غنی و فقیر افزایش یافته و درست عکس نظریه هیوم محقق شده است: انباشت ثروت و تنعم در کشورهای توسعه یافته هر روز درجه های جدیدی را بسوی ثروت و تنعم بیشتر بر روی آنها می کشاید و برعکس انبوه فقر و مسکنت در کشورهای توسعه یافته هر روز به ورشکستگی اقتصادی آنها می افزاید. بعبارت دیگر ثروتمندان هر روز ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می شوند. در حقیقت کشورهای غنی بخاطر بهره مند بودن از تغذیه، بهداشت، آموزش و دیگر وسایل رفاهی بهتر، با سرعت به سطح بالاتری از رشد و توسعه اقتصادی گام می نهند ولی کشورهای فقیر بر اثر بی بهره بودن از امکانات بطور نسبی از کشورهای غنی فاصله می گیرند.

آخرین نکته در مورد هیوم اینکه، در رابطه با مسئله جمعیت او بیش از مالتوس ابراز داشت که جمعیت نوع انسان در هر نسل بیش از دو برابر می شود.

در مجموع، اهمیت نوشته های هیوم در آنست که توجه مردم را به مسائلهایی جلب کرد که هنوز در اقتصاد مطرح هستند: مقدار پولی را که برای گردش لازم است چگونه می توان تعیین کرد؟ مقدار پول چه اثری بر قیمتها دارد؟ و...

بنجامین فرانکلین

فرانکلین یکی از آخرین متفکران بزرگ قرن ۱۸ بود. او فیزیکدان و یکی از بنیان علم جدید برق، فیلسوف و نویسنده ای بود که اندیشه های دموکراتیک بورژوازی جامعه زمان خود را بیان کرد. فرانکلین در سال ۱۷۰۶ در بوستون و در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. در علم اقتصاد فرانکلین تا حدود زیادی پیرو ویلیام پتی بود. اثر فرانکلین درباره جمعیت شناسی که در سال ۱۷۵۱ نوشته شده، تأثیر پتی را نشان می دهد. در این نوشته او بیان کرد که "در وضع طبیعی" و بدون دخالت عاملهای خارجی

در سالهای ۱۹۶۰ کشورهای جهان سوم در حدود ۱/۵ بلیون دلار، خدمات کارشناسان حق امتیاز از کشورهای پیشرفته خریداری کرده اند و در سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ رقم مذکور به حدود ۹ بلیون دلار میرسد.

واگر رقمهای مربوط به حق آگاهی علمی، نگاههای تولیدی غرب را وسهم سودشان از کمیتهای آنان در جهان سوم را بیفزاییم به رقم ۱۸ تا ۲۰ بلیون دلار در سال ۱۹۸۰ میرسیم و این روند افزایش خود نمودار افزایش وابستگی این کشورها به جهان صنعتی می باشد باید از تکنولوژی دانش جدید در راه ایجاد تکنولوژی مناسب برای کشورهای جهان سوم استفاده کرد. تکنولوژی که با شرایط کشورهای مذکور سازگار باشد.

در کشورهای در حال توسعه بنا به ارقام سازمان ملل اغلب نگاههای تولیدی که از ماشین آلات مدرن استفاده میکنند کمتر از نیمی گنجایش خود را بکار گرفته اغلب با ضرر و زیان همراه هستند.

بعضی معتقد هستند که با وارد کردن صنایع غربی و مونتاژ میتوان به صنعتی شدن رسید ولی مشکلات در این راه این فکر را خام جلوه میدهد زیرا که:

- ۱- برای احداث واحدهای صنعتی نیروی انسانی ماهر وجود ندارد.
- ۲- ابداعات و قدرت خلافت مردم بائین است.
- ۳- وابستگی اقتصادی به قدرتهای انحصاری کارکنی میکند لذا مونتاژ همواره مونتاژ باقی میماند.

یک دانشمند هندی در این مورد میگوید: کارخانجات و ماشین آلات در خارج از هند ساخته و باکتی به هند فرستاده میشود و در اینجا با سر پرستی بیگانه بکار میفند دیر یا زود که اغلب دیر است کارشناس خارجی باید برود، ولی با رفتن کارشناس خارجی قطعات بدلی که لازم است و چون فرمولهای موتور خود را خانه محرمانه باقی میماند، باز برای تعمیر ویا احداث کارخانهای دیگر به بیگانه نیاز میفند.

رابطه تکنیکی بین کشورهای جهان سوم و کشورهای توسعه یافته جانشین روابط استعماری قدیم شده و کنوع استعمار تکنولوژیکی بوجود آورده است. کشورهای توسعه یافته از طریق تکنولوژی کشورهای جهان سوم را استثمار میکنند این است که کشورهای جهان سوم برای نجات از استثمار تکنولوژیکی باید خود تکنولوژی آفرین شوند.

جمعیت هر بیست و پنج سال دو برابر می شود. این برآورد سرانجام مورد استفاده مالتوس قرار گرفت که عقیده داشت که تولید وسایل معاش بنا بر زیر از رشد جمعیت عقب می ماند. البته فرانکلین مانند مالتوس بدین نبود. او معتقد بود قدرت نامحدودی برای تولید وسایل معاش خواهد داشت. ضمناً در نوشته های فرانکلین این موضوع که کار آفریننده ارزش است (نظریه کاری ارزش) بحشم می خورد. در حقیقت یکی از خاستگاههای تئوری ارزش کار اسمیت، نوشته های فرانکلین می تواند باشد.

فرانکلین در نوشته های خود مسئله "درآمد باد آورده" را نیز مورد بحث قرار می دهد. منظور از "درآمد باد آورده"، درآمدی است که افرادی بدون انجام کار موثر و مولد بدست می آورند. در جوامعی که هرج و مرج اقتصادی وجود دارد این نوع درآمدها شدیداً بحشم می خورد.

فرانکلین که فردی انسان دوست و فردگرا بود، متوجه آن بی نظمی های اقتصادی و اجتماعی شده بود که در آن عدهای از مردم جان می کنند تا دیگران بتوانند دسترنجشان را به جیب ببرند! البته او هرگز نتوانست راه حلی منطقی برای از بین بردن این نابسامانها ارائه دهد، زیرا از تحلیل دقیق و علمی ریشه های استثمار عاجز بود.

فرانکلین در نوشته های خود گاه تحت تأثیر کشاورزی گرایان و گاه تحت تأثیر تجارت گرایان قرار داشت: او در سال ۱۷۶۰ در جزوه ای نوشت که توسعه کارگاههای دستی در آمریکا ضرورتی ندارد و حتی از لحاظ اجتماعی زیان آور است. بنظر او فقط کشاورزی فعالیت شرافتمندانه بود و از امکانات نامحدود برای رشد در آمریکا برخوردار بود. در این جزوه فرانکلین زیر نفوذ کشاورزی گرایان قرار داشت. از سوی دیگر در نوشته های دیگرش در باره لزوم تکامل صنعتی آمریکا سخن می گوید و نسخه های تجارت گرایانه تجویز می کند: عوارض وارداتی، وفور پول در اقتصاد، حمایت فعالانه دولت، سکنی دادن مردم در مستعمره های جدید و مانند آن.

فرانکلین شخصیتی سیاسی و اجتماعی و یکی از تندروترین مبارزان آنتی استور در راه استقلال بود. او در آمریکا با بردگی نیز مبارزه کرد. فرانکلین در سال ۱۷۹۰ درگذشت. (ادامه دارد)

با کدام معیار و ضابطه به قضاوت می نشینید؟

بقیه از صفحه ۱

تصمیم بودیم که باطل را در هر جا و هر لباس که باشد رسوا و انحراف و خطا را از جانب هر کس، مورد انتقاد قرار دهیم. حتی برادری، همراهی، هنگامی مانع از آن نشد تا ضعف و خطای دستان را بنسیم و البته هرگز خود را هم مصون از خطا و انحراف نپنداشتیم.

تلاش کردیم با ارزیابی اصولی از هر حادثه یا موضوعی، درباره اشخاص و جریانها بدستی و بر مبنای معیارهای مکتب به قضاوت بنشینیم.

یافتاری ما در حمایت از مبارزه سازشناپذیر امام و امت علیه آمریکا و افشای جریانها سازشکارانه و دفاعی که از اصالت اقدام انقلابی و ضدامپریالیستی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی آمریکا بعمل آوردیم و مخالفتی که با هر نوع اقدام و توطئه سازش با آمریکا نشان دادیم بویژه ختم محافل وابسته به شیطان بزرگ و صهیونیستها و سازشکاران را برانگیخت.

از اینبو برایمان غیرمترقبه نبود که دوستانمان اندک و دشمنان و بدخواهانمان بسیار باشند و هر یک بنحوی ما را مورد حمله و تهمت و فشار قرار دهند. در این میان امید و انگیزه ما تنها به خدا و سنتهای برحق الهی بوده و هست. تبلیغات گستردهای علیه جنبش و چهره‌های انقلابی آن آغاز گردید، استفاده یکجانبه از اسناد ساواک برای مخدوش کردن این چهره‌ها، تهدیدها و فحاشی‌های لفظی، سرفت سیاسی، سندسازی و شایعه‌پراکنی و وارد آوردن انواع اتهامات و افتراها، تنها مواردی از این فشارها می‌باشد.

تنها حملات مستقیم و غیرمستقیم سازشکاران و مرتجعین نبود که ما را زیر فشار خود قرار می‌داد و بلکه بخوبی دریافتیم که محافل وابسته‌ها، به این دلیل که جنبش را مخالف سرسخت سازشکاری و از حامیان جدی خط سازش - ناپذیر و ضدامپریالیستی امام و امت می‌دانند و حمایت ما را از مقاومت دانشجویان مسلمان در برابر توطئه‌ها و فشارهای سازشکاران دیده‌اند، تحریکات و توطئه‌هایی را علیه جنبش آغاز و به جو تبلیغاتی و شایعه‌پراکنی علیه جنبش و چهره‌های برجسته آن کمک می‌نمایند.

علاقمندی این محافل از مدتی پیش به جمع‌آوری اطلاعات درباره جنبش و ساختن سند عوری با افزایش یافته است. تهدیدها و شایعه‌پراکنی‌ها شدت بیشتری یافته است. این محافل جنبش مسلمانان مبارز و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را متهم به داشتن تمایلات کمونیستی و یا مستقیماً زیر نفوذ احزاب وابسته به شوروی خواندند.

ما حتی از فشارهای وارده از جانب دوستان هم درامان نیستیم، زیرا همیشه سعی کرده‌ایم از این اصل قرآنی تبعیت کنیم که می‌فرماید: پاسدار حق باشید حتی علیه خود، خویشان و یا دوستانتان. هر یک از مخالفان جنبش را به چیزی متهم و مارگی بر پیشانی می‌نهند، بعضی وابسته به چپ و بعضی راست و ارتجاعی می‌خوانند، بعضی با توجه به نوبت بودن تشکیلات جنبش و امکان نفوذ عناصر فرصت‌طلب و ضعیف یا وابسته، دست به تبلیغات و شایعه‌سازی علیه تشکیلات جنبش زده و هر روز نغمه تازه‌ای در باره انشعاب، منشا شدن تشکیلات، جدائی افراد، تسلط جناح چپ و یا راست بر رهبری جنبش و ضعف تشکیلاتی سرداده‌اند و یا مدعی می‌شوند که جنبش اصولاً فاقد تشکیلات است و فقط به یک فرد وابسته است و یا محفلی از روشنفکران است.

عده‌ای شایع می‌کنند که جنبش ایدئولوژی خرده‌بوروازی دارد، در حالیکه با بکلی نمی‌دانند که مفهوم این اتهام چیست و یا اگر از آنان سؤال شود از روی چه آثار و علائقی در ایدئولوژی و در عمل جنبش چنین حکمی صادر می‌کنید پاسخی برای گفتن ندارند.

بعضی با مشاهده برخوردهای انسانی و مکتبی جنبش در روابط سازمانی و داشتن صراحت و پیروی از اخلاق اسلامی و شیوه علی در مبارزه سیاسی و تشکیلاتی در جستجوی ریشه‌های لیبرالیستی در جنبش بر می‌آیند و اگر با ضوابط قاطع تشکیلاتی برخورد کردند، اگر با دیکتاتوری متهم می‌سازند.

در حالیکه جنبش در همه حال می‌کوشد تا اصول و ارزشهای اخلاقی و مکتبی اسلامی را معیار و راهنما قرار دهد، تحت هیچ

سعی دشمنان و بدخواهان ما بر اینست که:

اولاً - اصالت خط حرکت جنبش را انکار کرده آنرا وابسته به چپ یا راست التقاطی یا نفاق متهم سازند. ثانیاً - جنبش را محفل روشنفکرانه و فاقد قدرت مبارزه و توان ادامه بیگانه ضد - امپریالیستی معرفی کرده در حال متلاشی و انشعاب و نابودی معرفی کنند.

ثالثاً - چهره‌های انقلابی آنرا با سندسازی و شایعه‌پراکنی محدود و بی‌اعتبار نمایند، و با این اقدامات جنبش را که می‌تواند محور تجمع و وحدت نیروهای اصولی و مکتبی و تکمیل‌کننده باشد که به ادامه و تکامل انقلاب مکتبی تا پیروزی نهایی و تشکیل امت واحد و برقراری قسط و استقرار جامعه توحیدی ایمان دارند از اعتبار و اصالت بیندازند.

ولی ما را از اینهمه فشار و توطئه و تهمت واقتر چپ‌هاک! این شیوه‌های تازه‌ای نیست که علیه پیروان حق و وفادارن به اصول بگاری رود.

ما نمونه‌های برجسته از قربانیان این راه و رسم را در تاریخ سراسر خون و جهاد و شهادت اسلام و تشیع سرخ علوی در پیش چشم داریم.

ما تنها به اصالت و حقانیت راه خود اعتقاد و ایمان داریم. به شیوه و گفته‌های علی اگر همه مردم هم علیه ما باشند و ما تنها هم‌چنان بر اعتقاد خود استوار می‌مانیم و اگر عکس همه مردم با ما و مؤید ما باشند و متوجه شویم که برخاستیم، از راه بر می‌گردیم و به آنان پشت می‌کنیم و در صراط مستقیم قرار می‌گیریم. ما راه میانه قرآنی کماز انحراف به چپ و راست و مصون است بیش گرفتاریم نه راه بینابینی و مصلحت‌گرایانه سیاسی بین گروه‌های چپ و راست.

ما تنها خدا و وجدان بیدار ملت و محرومان و مستضعفان جامعه را بیاری می‌طلبیم تنها آنان را بر عهد خود شاهد می‌گیریم که جز برای آزادی محرومان و برقراری عدالت و نابودی ستمگران و مستکبران و اعتلای کلمه توحید نمی‌نویسیم و نمی‌کوشیم.

براستی مرتجعین کیستند

بقیه از صفحه ۲

زمینه رشد سازشکاران را فراهم ساخته، آیا درست است که اجازه دهید بنام اسلام بر فکر مترقی، براندیشه اصیل اسلامی که با طرز فکر و با منافع و مصالح آنان سازگار نیست به عنوان التقاطی، ضداسلامی و نظایر آن محکوم کنند؟ بی شک دشمن و متناقض در هر لباس هدفش ضربه زدن بر اسلام و انقلاب است. او از هر بهانه و وسیله‌ای استفاده می‌کند. اما طرف این یکسال بهترین و بیشترین بهانه را مرتجعین و جاهلان به دشمن داده‌اند تا چهره اسلام و روحانیت اصیل را هم مخدوش کنند.

فراموش نکنید که مرتجعین لیبرال، در حال حاضر از مرتجعین مذهبی به عنوان چماقی برای سرکوبی هر طرز فکر و عمل انقلابی گال استفاده را می‌کنند. آنانرا نردبان ترقی و قدرت و کسب محبوبیت و بدست آوردن پایگاه می‌کنند. ولی پس از آنکه بر آریکه قدرت استوار شدند، پس از آنکه نهادهایی چون ارتش، سازمان اداری و طاعتی را بازسازی کردند و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی تازه بوجود آوردند، و نیروهای مترقی و انقلابی را بکلی از صحنه اخراج و طرد و تصفیه نمودند بحساب مرتجعین مذهبی هم می‌رسند. بی شک نیروهای اصیل مذهبی روحانی و غیرروحانی اولین قربانیان حکومت مرتجعین لیبرالند.

بعدها حتی مرتجعین مذهبی هم از ضربه آنان مصون نمی‌مانند زیرا در آن موقع مزاحم تشخیص داده می‌شوند. این جریان چند بار در تاریخ ما تکرار شده است. هوشیاری لازم است و گوش شنوا تا صدای چکمه‌ها را بشنود. پوئینها پوشیده می‌شوند و چندی بعد سر نیزه‌ها بر تنگها بالا می‌روند. ارتجاع در لباس کهنه بدون تردید در برابر ارتجاع در لباس نو شکست می‌خورد، چنانکه متحدین و مرتجعین مشروطه خواه جای مرتجعین مشروطه‌خواه را گرفتند. نه روشنفکران غیرروحانی ما باید اشتباه روشنفکران مترقی صدر مشروطه را مرتکب شوند و نه روحانیون مبارز، مسئولیت خفیشان را فراموش کنند. به عنوان دفاع از اسلام در برابر کفر و روحانیت در برابر مخالفان، مرتجعین و روحانی‌نمایان و ضدانقلابیون و سازشکاران را زیر عیای خویش حمایت و حراست نمایند.

هشدار به مردم قهرمان ایران

بقیه از صفحه ۱

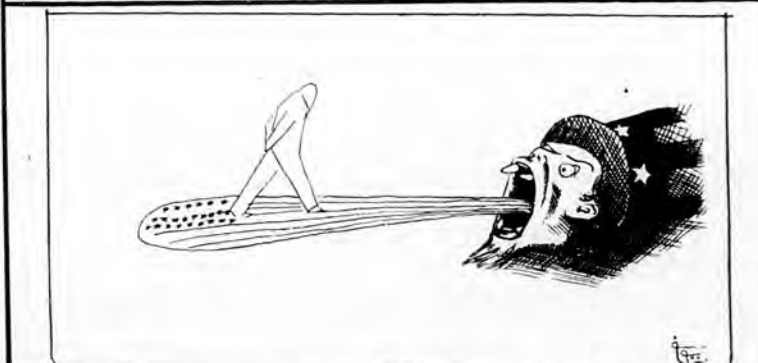
داریم، معلوم است که آقای کارگر هم‌آواز با بلندگوهای امپریالیستها و صهیونیستها و سازشکاران داخلی می‌خواهند دانشجویان و مسلمانان را کمونست و وابسته به شوروی معرفی کنند که قصد انحلال در روابط ایران و آمریکا دارند. زهی بیخبری! سپس بطور ضمنی تقاضا می‌کند این جوانانکه مزاحم ایجاد تفاهم بین حکومت شما و حکومت ما هستند، طرد شوند و سفارت و گروگانها از دست آنها خارج و به حکومت ایران سپرده شود تا روابط جدیدی براساس برابری و احترام متقابل! که شما خواهان آن بوده و ما نیز با آن موافقت داریم "وجود آید. در جای دیگری نامه نماینده جهان - خواران از "هدف واحد" بین آمریکا و ملت ایران حرف می‌زند، آنهم خطاب به کسی که او را شیطان بزرگ خوانده‌اند. از چه وقت انسان و شیطان "هدف واحد" پیدا کرده‌اند؟ امام روح خدا و نورخ شیطان در کالبد داری. حال از کدام "هدف واحد" دم می‌زنی؟ به چه دلیل آقای کارگر مصرانه تقاضای انتقال مسئله گروگانها از مردم به حکومت را دارد؟ آیا ملت ایران از برای اعمال حق حاکمیت خود دمیلاخ نمی‌داند؟ آیا خلق را فاقد شعور و بلوغ سیاسی می‌شناسد و با حکومت ایران را جدا می‌کند؟ آیا ملت فرض می‌کند؟ آیا تصور می‌کند که حکومت می‌تواند تصمیمی خلاف رای و اراده ملت بگیرد؟ کارتر می‌خواهد اراده ملت را که توسط امام اعلام گردید، نفی کند. امام مسئولیت مسئله را برعهده ملت و مجلس شورای ملی گذاشته و کارتر از این بابت نگران است. با فوریته که برای مسئله گروگانها قائل شده‌اند، سعی می‌کند تا قبل از رسمیت یافتن مجلس از طریق حکومت و نه ملت گروگانها را آزاد کند، او تقاضای راه حل "متصفانه و شرافتمندانه" دارد. آمریکا از کدام انصاف و شرافت صحبت می‌کند؟ ملت ایران سالیهاست معنی اصحت و شرف را در فرهنگ و قاموس شیطان در شکنجه‌گاهها و میدانهای تیر، در کوچه‌ها و خیابانها، در برابر تانکها و گلوله‌ها تجربه کرده است.

کارتر از دشمنان واقعی نظام‌های سیاسی خود و ایران دم می‌زند. یعنی وقیحانه نظام ضدانسانی و شیطانی آمریکا را که بر خون و اشک و گاز و تروت خلقها بنا شده و با جنایت و آدم‌کشی و استثمار عظیم است، با انقلاب ایران همسان می‌کند و برای هردو، دشمن مشترکی قائل است. این روپاه تصور می‌کند که ملت بیدار و مسلمانان در دام شیطانی "کمونیسم دشمن مشترک ما" می‌افتد و وسیله اجرای سیاست آمریکا شده، تن به سازش می‌دهد. اگر ملت ایران سیاست تجاوزکارانه شوروی را در افغانستان محکوم می‌کند، هرگز بمعنی وحدت داشتن با آمریکا نیست. ملت ایران هدف تبلیغات آمریکا و وابستگی به امپریالیسم را در داخل و خارج در این مورد می‌شناسد. ما هرگز با آمریکا

بهرز سایر آنکه با هشپاری و سازش‌ناپذیری امام و امت، توطئه کمیسون تحقیق و بعد از آن ضرب‌الاجل دولت پاناما مبنی بر اینکه اگر گروگانها به حکومت ایران تحویل نشوند شاه سابق را از پاناما خارج خواهد کرد خنثی شد - شیطان بزرگ برای پیشبرد مقاصد شوم خود، ضمن آماده کردن متحدین استعمارگر در اروپا و آسیا برای محاصره اقتصادی ایران و روانه ساختن مزدوران رژیم و جاسوسان به منطقه برای اغتشاش و خرابکاری در داخل به توصیه و رهنمود سازشکاران داخلی توبه‌نامه به امام می‌نویسد و وقتی افشای متن نامه بدستور امام این نیرنگ را هم باطل می‌کند، با توسل به تهدید و تطمیع، مصرانه تقاضای تحویل گروگانها به حکومت را می‌نماید تا اگر توانست پیش از تشکیل مجلس با فشار بر امام و مردم گروگانها را آزاد سازد.

در این شرایط به اعتقاد ما تنها راه مقابله با این توطئه شیطان بزرگ که علیه امام و انقلاب ایران تدارک شده است، قطع رابطه سیاسی با آمریکا در کلیه زمینه‌ها و بسط همگانی برای خنثی کردن محاصره اقتصادی و تهدید نظامی و اجرای دقیق دستور امام مبنی بر تعیین تکلیف گروگانها توسط نمایندگان واقعی ملت میباشد.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۱/۱۴



نتیجه عملکرد یکساله مرتجعین (روحانی و غیرروحانی) را در رشد سریع ضدانقلاب و در گسترش تمایلات ضد مذهبی و ضدروحانی ببینید، بخودآئید، اگر راه درستی آمده‌اید ادامه دهید والا... و نیروهای مترقی و انقلابی هم به حوادث یکسال گذشته نگاه کنند. بخصوص کسانی که ارتجاع را "عملاً" در مطلق روحانیت دیدند و مرتجعین لیبرال و سازشکار را رها کردند. و یا مورد حمایت قرار داده و می‌دهند. آیا نمی‌بینید که این جریان خطرناک چگونه در پناه ارتجاع غیر لیبرالی رشد می‌کند و بقدرت می‌رسد؟ حمایت و ماساژات و سازشکاری با این جریان بیبانه گویند ارتجاع هرگز به سود انقلاب نیست. تجربیات تلخ تاریخی نشان می‌دهد که اینکار به نابودی انقلاب و سرکوبی انقلابیون منجر خواهد شد. ما امروز به صف متحدی که نیروهای انقلابی، روحانی و غیرروحانی) احتیاج

والسلام

درویدر رهبرانقلاب، امام خمینی

بیادشیر محمد خیابانی



در این هنگام جنگ جهانی اول شروع می شود که در گرامر آن انقلاب اکتبر، تزارسم خونخوار را به زباله دانی تاریخ می سپارد و معاهدات استعمارگرانه تزارسم در ایران لغو می شود.

در اواخر جنگ، عین الدوله باردیگر در سال ۱۲۹۶، به مقام صدارت می رسد. عین الدوله همان کسی است که با تمام توان

از ویژگیهای هر انقلاب، یادآوری و بازسازی اهداف و آرمانهای چهره های مردمی و اصلی است که برای به ثمر رساندن انقلاب خود را وقف توده های محروم و مستضعف کرده اند. اهداف و آرمانهاییکه در اثر سلطه حکومت های استبدادی و دست نشاندگان برای مردم ناشناخته باقی مانده بود. از آن جمله اند شیخ محمد

● من اگر بمیرم تنها زندگی و جسم خود را خواهم برد، ولی سنگر انقلاب خلق هرگز خالی نخواهد ماند...

خود علیه جنبش مشروطه توطئه ها چید و در سرکوبی مجاهدان دمی نیاسود. وی کسانی مانند وثوق الدوله، امین الملک و قوام السلطنه را در کابینه خود داخل کرد که خیانت و اهداف خائنانه آنها بر کسی پوشیده نیست. بدین سبب به محض اطلاع از روی کار آمدن جناب دولتی در آذربایجان آتش اعتراض زبانه می کشد و میتینگ عظیمی با شرکت پانزده هزار تن در تبریز تشکیل می شود و خیابانی و چند تن دیگر از آزادی خواهان در باره ماهیت کابینه عین الدوله سخنرانی می کنند و اعلام می دارند که آذربایجان دیگر نمی تواند زمام امور کشور را بدست افراد وطن فروشی چون وثوق الدوله بسپارد. مجاهدان تبریز در خواستهای خود که به مرکز مخابره می کنند یادآوری می شوند که: - کشور از روی اصول صحیح دموکراسی اداره شود.

- اصول دیپلماسی مخفی متروک شود.

- یک کابینه ملی متشکل از عناصر صالح شناخته شده روی کار آید.

خیابانی فرزند خلف تمام انقلابیون و مبارزان که صادقانه و عاشقانه جان خود را فدای توده های محروم و مبارز کرد.

شیخ محمد خیابانی سال ۱۲۹۷ هجری قمری در قصبه خاмене از توابع شستر زاده شد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت و سپس عازم روسیه شد و با امر تجارت نزد پدرش پرداخت. پس از مدتی که مجدداً بوطن مراجعت نمود، در تبریز به تحصیل علوم دینی پرداخت و در اندک مدتی به درجه اجتهاد نائل آمد. علاوه بر این شیخ علوم هیئت، نجوم، حساب، فلسفه و... را در این شهر فرا گرفت. خیابانی با سخنان خود که بطرز ساده ای بیان می شد، تاثیر عمیقی در افکار مردم برای می گذاشت. در دوره استبداد صغیر که شهر تبریز این آخرین سنگر دفاع از آزادی و شرف در آتش بیداد ارتجاع و استعمار می سوخت، خیابانی در صف مقدم توده های داشت. خیابانی تنگ در دست در سنگرها دفاع می پرداخت و با سخنان آنتین می نمود: مبارزان را به پایداری دعوت

می نمود: "ما بر ضد حکومت ارتجاعي و استبداد قیام کرده ایم... هرگز نباید به خستگی و یاس تسلیم شویم".

خیابانی از طرف حزب اجتماعيون - عاميون به فعالیت دعوت می شود و سپس به عضویت انجمن ایالتی آذربایجان انتخاب می گردد.

انجمن ایالتی آذربایجان که در سال ۱۳۲۴ هجری قمری بدینال برقراری مشروطه در تبریز بوجود آمده بود، برجسته ترین اقدام آن مبارزه با دیکتاتوری محمد علی - میرزا بود. در سایه فعالیت های اساسی و همجانیه انجمن ایالتی و رهبران بیدار و آگاه آن مانند خیابانی و دیگران بود که تبریز موفق به دفع استبداد و کسب آزادی می گردد. پس از استقرار مشروطه، خیابانی به جهت محبوبیتی که بین مردم کسب کرده بود، به نمایندگی دوره دوم مجلس شورای ملی انتخاب می شود و عازم تهران می گردد. خیابانی در نظر سوم خود ضمن تشریح قدرت و عظمت حاکمیت ملی چنین می گوید:

"نمایندگانی که با پول و دیسبه مامورین انتخاب شده اند، نماینده ملت نیستند، آنها نمایندگان خائنین ملت هستند".

در این زمان دولت روسیه التیماتوم ننگین ۱۳۲۹ را به هنداستانی انگلیس تدارک می بیند و آنرا مانند زهری در بدن نیمه جان ایران فرو می برد. این اولتیماتوم که اساس استقلال و شرف ایران را در مخاطره جدی قرار داده بود، باعث تکان خوردن شهر تهران می شود که متعاقب آن هزاران نفر از مردم در میدان بهارستان گرد هم می آیند. مجلس دوم جهت اخذ تصمیم تشکیل می شود. وثوق الدوله وزیر امور خارجه صورت التیماتوم را قرائت می کند و در آخر می گوید: راهی جز تسلیم و رضا در پیش ندارند تا نظر نمایندگان ملت چه باشد؟ اما صدای استوار و صاعقوار که فریاد سرخ زجوردیدگان و محرومان ایران بود، از گلو فرزند انقلاب خیابانی خارج شد که:

"چنانکه اگر از ملتی سؤال شود آیا حاضر هستی آزادی و استقلال را از دست بدهی؟ مسلماً! در جواب خواهد گفت: هیچ قدرتی حق ندارد آزادی و استقلال مرا سلب کند. امیدوارم دولت روس التیماتوم ظالمانه خود را پس بگیرد و ملت ایران را از خون نیازارد".

سرانجام این مجلس به زور سرریزه تعطیل و دستگاه مشروطه برچیده و برای جلوگیری از تظاهرات مردم، در شهر حکومت نظامی اعلام می شود.

پس از سه سال قفرت، در سال ۱۳۳۳ قمری انتخابات دوره سوم شروع می شود. مردم آذربایجان برای احراز حق خود یکپارچه بیا می خیزند. اما اینبار شجاع الدوله - والی آذربایجان - با شقه کردن و جنایت از انتخابات آذربایجان جلوگیری می کند و برای نمونه حتی یک نفر به مجلس راه پیدا نمی کند.

فرار داد ننگین ۱۹۱۹ و وثوق الدوله - انگلستان در این هنگام که ایران را بیک مستعمره رسمی تبدیل می کند، باعث مخالفت های سرخشانه خیابانی با این قرارداد می شود و اعلام می دارد که: "مادامی که این قرارداد از تصویب مجلس نگذشته، ما آن قرارداد را بیش از یک ورق پاره چیز علیحده ای نمی دانیم و ترتیب اثری بآن قرارداد نمی دهیم".

وثوق الدوله به منظور قانونی جلوه دادن قرارداد مزبور در صدد برپاداشتن یک مجلس فرمایشی برمی آید و انتخابات مجلس چهارم را شخصاً کارگردانی می کند ولی از این راه به مقصود خود نمی رسد و خیابانی و حزب دموکرات شکرسی تبریز را بخود اختصاص می دهند. وثوق الدوله که می دانست با انتخاب این نمایندگان تمام اهداف پلید او نقش بر آب می شود، تصمیم می گیرد که حزب را منحل ساخته و ضرب - شستی به رهبر آن، خیابانی نشان دهد. به همین منظور بجای افسران نظمیه و کارمندان اداره مالیه خود، مازور - بیورلینگ را با سمت رئیس نظمیه به همراه عده ای جاسوس به تبریز اعزام می دارد.

و این هنگام کاسه صبر و شکیبایی توده تبریز لبریز می شود و جنبش آزادستان شروع می گردد. خیابانی علت قیام را چنین عنوان کرد: "ما چرا قیام کردیم؟ اگر وضعیت مقدم بر قیام راز نظر مسطالعله بگذرانیم حالت افس آمیز مملکت و اختلاسات بیحد و حصر مالیه - و اقدامات بی ناموسانه و جانبدانه نظمیه را در نظر بگیریم - لزوم فوری قیام را احساس می نمایم".

اقدامات غیر قانونی و غیر انسانی ما موران نظمیه مردم را به هیجان می آورد، بازار تعطیل می گردد و مردم از هر طبقه به صف، گروه گروه در ساختمان تجدد گرد می آیند. خیابانی خود اشاره می کند که: "امروز من رسماً به جهانیان اعلام می کنم ما علیه این حکومت که قزله اد خانمان برانداز وثوق الدوله و انگلیس را منعقد کرده، قیام کرده ایم! اما وثوق الدوله خائن بی آنکه به مقصود پلید خود نایل آید سقوط می کند و مشیرالدوله جای او را میگیرد. بعد از روی کار آمدن مشیرالدوله نهضت خیابانی ادامه پیدا می کند.

مخبر السلطنه از طرف مشیرالدوله مامور سرکوبی جنبش خیابانی می گردد. آنها هیچگاه تصور نمی کردند که مخبر السلطنه آزادی خواه! و هسلک و هم مجلس خیابانی!! و والی سابق آذربایجان خنجر

و به مرکز قیام کنندگان هجوم می آورد. خیابانی به ناچار در منزل همسایه - حاج شیخ حسینی - پنهان می گردد و در خواب نقاضای زیاد حسینی خان که می - خواست از مخبر السلطنه برای وی تا مین جانی بگیرد میگوید:

"من گذشته رابه تسلیم بر حیح میدهم، من پیش دشمن زانو بر زمین نمی زنم، من فرزند انقلاب مشروطیت ایرانم"

فرزاد یس از سقوط شهر محل اختفای خیابانی معلوم شد و با هجوم قزاقها و تیراندازی آنها، خیابانی در خون خود می غلطید، اما مخبر السلطنه ناخواندانه دستور میدهد که نعش فرزند انقلاب را روی نردبانی گذاشته، در کوچه و بازار بگردانند و سپس در مقابل شهربانی به معرض تماشا میگذارند. راست گفت خیابانی که:

"من اگر بمیرم تنها زندگی و جسم خود را خواهم برد، ولی سنگر انقلاب خلق هرگز خالی نخواهد ماند..."

سلام و درود بر خیابانی، فرزند راستین انقلاب

گزارشی از کارخانه بریجستون

قبلاً با استفاده از اعتبارات مواد مورد لزوم خریداری وارد میشد اما حالا باید پول مستقیماً تحویل شود تا اینکه مواد را تحویل دهند.

چگونگی تشکیل شوراها بعد از انقلاب و بازگشت به سرکار چند نفر از مدیران قسمتها به خاطر آگاهی فنی و اداری بهمهرا ۲-۳ نفر از برادران کارگر شورایی تشکیل دادند جهت راه اندازی کارخانه که پس از راه افتادن تولید خود به خود کنار رفتند. چون کارگرها مشکلات زیادی داشتند که انتخاب شورای دیگری را لازم میگرد. با انتخابات مجدد حدود ۲۳ نفر از کلیه قسمتها انتخاب شدند. انتخاب قسمت به قسمت به خاطر کنترل بهتر و بی بردن به مشکلات و مسائل قسمتهای مختلف بود. در نتیجه از هر چهار گروه یک نفر انتخاب شد. بعد از این بعلت تارضایتی از بعضی نماینده ها در قسمتهای مربوط توسط چهار نفر از کارکنان با قسمتها صحبت شد و مجدداً نماینده ها انتخاب شدند - در حال حاضر ۱۶ نفر در شورا مشغول فعالیت هستند.

اهم مشکلات کارگران را وضع بد بهداشتی، شرایط بد کار بخصوص بعلت تماس دائم با مواد شیمیایی و فقدان وسایل ایمنی تشکیل میدهد. از جمله بیشتر کارگران قسمت کربن کارخانه بیمار هستند و هر یک ۱۵ روز در بیمارستان بستری بوده اند. در صحبت با یکی از کارگران وی اظهار داشت که بعد از چهار سال در کارخانه و کار با مواد شیمیایی به بیماری مبتلا شده و از تمام بدنش عکسبرداری شده است و نامهای به کلینیک بریجستون فرستاده که موجود است. کارخانه حتی مدتیست که از امکان تهیه سالم نیز محروم است. مشکل دیگر کثیفی عمدتاً نه تنها صاحبان کارخانه بلکه شورا نیز با این موارد برخورد اصولی ندارد از جمله قرار است میلیتی بعنوان حق کثیفی به کارگران آن قسمتها پرداخت شود! ویا اینکه به کارگران قسمت کربن که حتی از وسایل ماسک و غیره بی بهره اند ۵ تومان حق کربن میدهند؟! ایمنی دستگاهها از جمله مسائل حائز اهمیت کارخانجات است از جمله در مورد دستگاهی بعد از گرفتن جان یکی از کارگران از طرف مسئولین خطرناک و قطع کار آن توصیه شد هر چند بعد از مدتی بدستور ایشان مجدداً به کار مشغول و باز استفاده از تجهیزات ایمنی گشت که در واقع سهل انگاری در مورد ایمنی دستگاهها را نشان میدهد. در مقابل کمبود امکانات بهداشتی و ایمنی کارگران از حداقل امکانات مداوا نیز برخوردار نیستند. نوع بیمه کارگران بیمه اجتماعی است و ماهانه یک میلیون و دویست هزار تومان بابت آن پرداخت میشود. خود مشکلی برای کارگران در مواجهه با بیماری است چه این بیمه مورد قبول اطباء نیست و اجابت دریافت دارو با مشکلاتی مواجه میگردند.

خواست کارگران و کارکنان تبدیل بیمه اجتماعی به بیمه درمانی است تا حداقل امکانات درمانی برخوردار شوند و حتی در صورت عدم رسیدگی از طرف دولت تهدید به قطع مبلغ بیمه خود کرده اند.

در ضمن بعلت برخورد مداوم با مواد شیمیایی در چنین کارخانه هایی معاینات کامل طبی هر شش ماه یکبار کارگران لازم است که بعهد کارخانه است اما در حال حاضر حتی بطور سالانه هم انجام نمیشود.

اقدامات شورا بطور کلی اقداماتی که شورا انجام داده است بیشتر مربوط به امور رفاهی، افزایش حقوق و مزایا از جمله اضافه

کینه را در پشت آزادخواهان فرود آورد. مخبر السلطنه گرگ صفت بعد از مقدمه چینی ها و زمینه سازیهای فراوان در سال ۱۳۳۸ (۱۲۹۹) ماسک از چهره برمیکرد

کینه را در پشت آزادخواهان فرود آورد. مخبر السلطنه گرگ صفت بعد از مقدمه چینی ها و زمینه سازیهای فراوان در سال ۱۳۳۸ (۱۲۹۹) ماسک از چهره برمیکرد

است که شورا قدرت اجرایی داشته باشد و اگر چنانچه مشورتی باشد برای ما قابل تحمل نخواهد بود

خواستنها:

خواستهای کارکنان کارخانه بریجستون به دو دسته رفاهی و تولیدی مربوط میشود. در بخش رفاهی خواستار بهبود وضع بهداشتی و ایمنی کار و امکانات درمانی اصلاح طرح طبقه بندی که مورد شکایت تمامی کارکنان است و به گفته ایشان در زمان قبل انقلاب بطور ناقص و غلط پیاده شده و باعث ناراضی عمومی کارکنان گردیده. و از شورا نیز خواسته شده که آرایایی گری تصادف.

خواستهای کارکنان در امور بطورگی تولیدی عبارت از:

در درجه اول ملی شدن کارخانه و برخورد قاطع دولت بامسئله ملی کردن این کارخانجات که توسط کارگران و بدون نیاز به سرمایه داران خارجی قادر و مشغول بکار هستند و از میزان تولید هم پس از انقلاب هیچ کاسته نشده بلکه به ۴۰۵۰ هم رسیده است (یعنی گاه ۵۰ واحد هم به تولید اضافه شده است) خود نشانه کارایی ایشان و امکان عمل شوراهاست.

و در سطح پائین خواستار مکانیزه شدن بعضی قسمتهای کارخانه از جمله قسمت کربن که در کارخانجات خارج از جمله زاین نیز ماسینی است و دیگر ایجاد ژنراتور مولد برق برای کارخانه که قطع برق شهر منجر به قطع تولید میشود. با بررسی وضع کارخانه بریجستون لزوم ملی شدن کارخانهها، مشکلات موجود بر سر اینکار، راههای مقابله با آنها و امکانات موجود در جهت تحقق این امر مشخص میشود.

باید توجه داشت که کارخانه بعنوان جزئی از کل جامعه که در جهت استقلال کشور و در مبارزه با امپریالیسم آمریکا نقشی بسیار حساس و تعیین کننده دارد باید مورد بررسی قرار گیرد چه تنها از طریق کسب استقلال در زمینه اقتصادی قادر به برقراری مناسبات غیر استعماری با دول دیگر هستیم و این تنها از طریق استقلال بخشیدن به بخش تولید از جمله تولید صنعتی است.

بدین ترتیب ضرورت استقلال کارخانجات آشکار میگردد و تحقق آن تنها از طریق ملی کردن صنایع امکانپذیر است بخصوص که تجربه تشکیل شورا و راه اندازی و تولید کارخانجات توسط کارگران بعد از انقلاب نشاندهنده عملی بودن طرح ملی ساختن آن است. پس کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی نیز باید بدین امر مهم اولویت داده و مانع انحراف شورا و وظایف اساسی آن شوند و علیرغم لزوم برقراری شرایط مناسب کار، درمان و رفاه وسیعی در بهبود آن مسئولین خطیر خوش را در امر استقلال کشور از یاد نبرند.

مشکله دیگر موانعی است که بر سر ملی شدن کارخانجات مختلف وجود دارد که مهمترین آنها مواد اولیه و لوازم بدکی است که نباید تصور کرد امر ملی شدن کارخانجات را غیر ممکن میسازد بلکه همانطور که برادران کارگر بکرات در جریان تحقق اظهار داشتند از بین بردن این موانع امکانپذیر است. اما در این مورد نقش دولت نیز مهم است تا با ایجاد امکان تهیه مواد اولیه در داخل گامی در جهت استقلال صنایع بردارد. و اصولاً دولت باید برخوردی قاطع و روشن بامسئله ملی شدن کارخانجات داشته باشد و حرکتی را که در جهت استقلال کارخانجات ملی کردن آنها از جانب کارگران برداشته میشود مورد تأیید قرار گیرد و با برجسب اخلاص... مواجه نشود.

هموطنان مبارز لطفاً وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شهر شماره ۲۸۶۳۳ خیابان استانداری جمهوری اسلامی تهران واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفترت ارسال دارید. متشکریم

هفته نامه امت شماره ۵۱ چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ سال اول زیر نظر: شورای نویسندگان امت خیابان بهار شمالی نهن خیابان نامهر ۸۲۴۹۸۲ - ۸۲۴۸۳۱ چاپ شرکت امت سهام عامه